



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

ح

زبان راز و نیاز در قرآن
تفسیر و معانی قرآن



موسسه فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعا: زبان راز و نیاز در قرآن (تفسیر دعاهای قرآنی)

نویسنده:

محمد موحدی نژاد

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	دعا: زبان راز و نیاز در قرآن (تفسیر دعاهای قرآنی)
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست کتاب
۲۴	مقدمه:
۲۹	۱- دعا یا فراخوان الهی
۳۳	۲- تعریف دعا
۳۴	۳- آداب و چگونگی دعا
۳۴	اشاره
۳۵	* اسماء حسنی چیست؟
۳۹	۴- آداب نیایش گر و دعا کننده
۳۹	اهمیت دعا را بدانند و آن را کم نشمارد.
۳۹	به اجابت دعا خوش گمان باشد.
۳۹	در دعا تضرع و ابتهاال داشته باشد.
۴۰	با خوف و طمع دعا کنند.
۴۰	یقین به اجابت دعا داشته باشد.
۴۰	هنگام دعا امید به غیر خدا نداشته باشد.
۴۰	با اخلاص دعا نماید و حضور قلب داشته باشد.
۴۰	در دعا بلند نظر باشد.
۴۱	۵- زمان دعا
۴۱	روز عرفه
۴۱	شب قدر و شب های احیا
۴۱	روز جمعه

۴۲	شب جمعه
۴۲	هنگام وزش باد، بارش باران، اذان ظهر و ریختن اولین قطره خون شهید.
۴۲	بین الطلوعین
۴۳	وقت نماز عشاء
۴۳	یک سوم آخر شب
۴۳	۶- مکان دعا
۴۳	سرزمین عرفات
۴۴	مسجد الحرام و کعبه
۴۴	مساجد
۴۵	زیر گنبد سید الشهداء
۴۵	رو به قبله دعا کردن
۴۵	۷- استجاب دعا
۴۵	اشاره
۴۷	* اجابت به تدریج و به وسیله اسباب
۴۸	* گاهی مصلحت در تاخیر استجاب است
۵۰	۸- عوامل استجاب دعا
۵۰	الف) عوامل نظری و اعتقادی
۵۰	ارزش دعای خود را کم نداند و کوچک نشمارد.
۵۰	حسن ظن به اجابت خدا داشته باشد.
۵۱	حضور قلب در دعا داشته باشد.
۵۱	ایمان داشته باشد.
۵۱	فقط خداوند را بخواند.
۵۱	ب) عوامل عملی و رفتاری
۵۱	با نام خدا شروع کند.
۵۲	پس از نماز
۵۲	وفای به عهد الهی نماید.

۵۳	حلال بودن غذا و طهارت باطن
۵۳	انجام عمل صالح و نیک
۵۳	دعا برای دیگران
۵۴	توبه
۵۴	باصلوات بر پیامبر و اهل بیت شروع شود
۵۵	۹- اهمیت، شأن و جایگاه صلوات
۵۵	اشاره
۵۶	آثار صلوات:
۶۰	۱۰- عوامل مستجاب نشدن دعا
۶۰	گناه و معصیت
۶۱	نبودن معرفت و شناخت به خداوند
۶۱	مطابقت نداشتن دعا با خیر و شر انسان
۶۱	استجاب دعا خلاف حکمت الهی باشد
۶۱	کفر به خدا و رسول خدا
۶۲	۱۱- عوامل تأخیر استجاب دعا
۶۲	عدم سلامت نیت
۶۲	خداوند دوست دارد صدای بنده خویش را بشنود.
۶۴	۱۲- سیمای دعا در قرآن
۶۸	۱۳- سیما و آثار دعا در روایات
۷۴	۱۳- دعاهای قرآنی
۷۴	اشاره
۷۴	«انتخاب راه»
۸۲	«قبولی اعمال»
۸۳	«تسلیم بودن و توجه به ذریه و نسل»
۸۵	«توجه به دنیا و آخرت»
۸۸	«صبر و استقامت»

- ۹۰ «تکلیف و مجازات، استغفار و عفو»
- ۹۲ «هدایت و استمداد از خداوند»
- ۹۳ «قیامت وعده ی الهی»
- ۹۵ «طلب بخشش»
- ۹۶ «درخواست نسلی پاک»
- ۹۷ «ثبات ایمان و تبعیت»
- ۹۸ «ثبات قدم و نصرت الهی»
- ۱۰۰ «اول اندیشه و تعقل بعد دعا و مناجات»
- ۱۰۲ «بیم از رسوایی و دوزخ»
- ۱۰۳ «با خوبان»
- ۱۰۵ «هم دنیا و هم آخرت»
- ۱۰۷ «رهایی از جامعه فاسد»
- ۱۰۸ «اعتراف به خطا»
- ۱۱۰ «پرهیز از همراهی ظالمان»
- ۱۱۲ «داوری خداوند»
- ۱۱۳ «عاقبت به خیری»
- ۱۱۵ «نوع دوستی»
- ۱۱۶ «رحمت فراگیر»
- ۱۱۸ «توکل، بعد دعا»
- ۱۱۹ «مقابله با ظلم و بی عدالتی»
- ۱۲۰ «آرزوی پاکان»
- ۱۲۴ «علم خداوند»
- ۱۲۵ «محوریت نماز»
- ۱۲۷ «مهلت خواستن»
- ۱۲۹ «والدین»
- ۱۳۱ «امداد و نصرت الهی»

- ۱۳۳ ----- «گشایش در کارها»
- ۱۳۴ ----- «چهار خواسته ی مهم»
- ۱۳۹ ----- «علم و دانش و ظرفیت آن»
- ۱۴۱ ----- «فرزنددار شدن»
- ۱۴۳ ----- «منزلگاه مبارک»
- ۱۴۵ ----- «تنها پناهگاه مطمئن»
- ۱۴۶ ----- «ایمان، مغفرت و رحمت»
- ۱۴۷ ----- «سرچشمه رحمت»
- ۱۴۸ ----- «آتش دوزخ»
- ۱۵۰ ----- «دید وسیع و همت بلند»
- ۱۵۲ ----- «همراهی با صالحان»
- ۱۵۸ ----- «نام نیک و وراثت بهشت»
- ۱۶۱ ----- «روح و قلب پاک»
- ۱۶۴ ----- «تجات از شرور»
- ۱۶۵ ----- «لغزش های غیر عمدی»
- ۱۶۷ ----- «استمداد از خداوند در همه حالات»
- ۱۶۸ ----- «درخواست همه چیز از خداوند»
- ۱۶۹ ----- «سایه ی رحمت»
- ۱۷۲ ----- «فرزند صالح»
- ۱۷۴ ----- «دعای فرشتگان»
- ۱۷۶ ----- «دعا برای دیگران»
- ۱۷۹ ----- «شکر نعمت ها (والدین)»
- ۱۸۲ ----- «طرح کمال و رشد»
- ۱۸۶ ----- «توکل و توبه»
- ۱۸۷ ----- «رمز عزت»
- ۱۸۹ ----- «نور کامل»

۱۹۱ «نجات از ظلم و ظالم»

۱۹۵ «نقش وراثت در تربیت»

۱۹۷ «چشم انداز گسترده»

۱۹۹ درباره مرکز

دعا: زبان راز و نیاز در قرآن (تفسیر دعاهای قرآنی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: موحدی نژاد، محمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: دعا: زبان راز و نیاز در قرآن (تفسیر دعاهای قرآنی) / محمد موحدی نژاد.

مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸۶۰۰۵۴۲۱۲۸۶

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: تفاسیر شیعه قرن ۱۴

موضوع: دعا جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره: BP۲۶۶/م۷د۸۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۲۵۴۵۵

ص: ۱

اشاره

«دعا» زبان راز و نیاز در قرآن

(تفسیر دعاهای قرآنی)

محمد موحدی نژاد

ص: ۴

- * مقدمه ۹
- ۱- دعا یا فراخوان الهی ۱۴
- ۲- تعریف دعا ۱۸
- ۳- آداب و چگونگی دعا ۱۹
- همراه با ستایش ۱۹
- همراه با اعتراف گناه ۱۹
- همراه با اصرار ۱۹
- همراه تمام نیازها را از خدا بخواهیم ۱۹
- دعا به وسیله اسماء الهی ۲۰
- * اسماء حسنی چیست؟ ۲۰
- ۴- آداب نیایش گرو دعا کننده ۲۴
- اهمیت دعا را بداند و آن را کم نشمارد ۲۴
- به اجابت خوش گمان باشد ۲۴
- در دعا تضرع و ابتهال داشته باشد ۲۴
- با خوف و طمع دعا کند ۲۵
- یقین به اجابت داشته باشد ۲۵
- امید به غیر خدا نداشته باشد ۲۵
- با اخلاص دعا کند ۲۵
- بلند نظر باشد ۲۵

- ۵- زمان دعا..... ۲۶
- روز عرفه..... ۲۶
- شب قدر و شب های احیاء..... ۲۶
- روز جمعه..... ۲۶
- شب جمعه..... ۲۷
- هنگام وزش باد، بارش باران، اذان ظهر و ریختن اولین قطره خون شهید..... ۲۷

ص: ۵

- ۲۷ بین الطلوعین.....
- ۲۸ وقت نماز عشاء.....
- ۲۸ یک سوم آخر شب.....
- ۲۸ ۶- مکان دعا.....
- ۲۸ سرزمین عرفات.....
- ۲۹ مسجد الحرام و کعبه.....
- ۲۹ مساجد.....
- ۳۰ زیر گنبد حضرت سید الشهداء(ع).....
- ۳۰ رو به قبله.....
- ۳۰ ۷- استجاب دعا.....
- ۳۵ ۸- عوامل استجاب دعا.....
- ۳۵ الف) عوامل نظری و اعتقادی.....
- ۳۵ ارزش دعا را کم نداند.....
- ۳۵ حسن ظن به اجابت.....
- ۳۶ حضور قلب.....
- ۳۶ ایمان.....
- ۳۶ فقط خدا را بخواند.....
- ۳۷ ب) عوامل عملی و رفتاری.....
- ۳۷ با نام خدا شروع کند.....
- ۳۷ پس از نماز.....

- ۳۷ وفای به عهد الهی.
- ۳۸ حلال بودن غذا و طهارت باطن.
- ۳۸ انجام عمل نیک.
- ۳۹ دعا برای دیگران.
- ۳۹ توبه.
- ۳۹ با صلوات بر پیامبر و اهل بیت شروع و ختم نماید.
- ۴۰ ۹- اهمیت، شأن و جایگاه صلوات.

- ۴۱ - آثار صلوات.....
- ۱۰- عوامل مستجاب نشدن دعا..... ۴۳
- گناه و معصیت..... ۴۳
- نبودن معرفت و شناخت و به خداوند..... ۴۳
- مطابقت نداشتن با خیر و شر..... ۴۴
- خلاف حکمت الهی..... ۴۴
- کفر به خدا و رسول خدا..... ۴۵
- ۱۱- عوامل تأخیر استجاب دعا..... ۴۵
- عدم سلامت نیت..... ۴۵
- خداوند دوست دارد صدای بنده اش را بشنود..... ۴۵
- ۱۲- سیمای دعا در قرآن..... ۴۷
- ۱۳- سیما و آثار دعا در روایات..... ۵۰
- ۱۴- دعاهای قرآنی..... ۵۴
- (۱) انتخاب راه (فاتحه آیه ۶)..... ۵۴
- (۲) قبولی اعمال (بقره آیه ۱۲۷)..... ۶۲
- (۳) تسلیم بودن و توجه به ذریه و نسل (بقره آیه ۱۲۸)..... ۶۳
- (۴) توجه به دنیا و آخرت (بقره، آیه ۲۰۱)..... ۶۵
- (۵) صبر و استقامت (بقره، آیه ۲۵۰)..... ۶۷
- (۶) تکلیف و مجازات، استغفار و عفو (بقره، آیه ۲۸۶)..... ۶۸
- (۷) هدایت و استمداد از خداوند (آل عمران آیه ۸)..... ۷۰

- (۸) قیامت وعده ی الهی (آل عمران آیه ۹)..... ۷۱
- (۹) طلب بخشش (آل عمران آیه ۱۶)..... ۷۳
- (۱۰) درخواست نسلی پاک (آل عمران آیه ۳۸)..... ۷۴
- (۱۱) ثبات ایمان و تبعیت (آل عمران آیه ۵۳)..... ۷۵
- (۱۲) ثبات قدم و نصرت الهی (آل عمران آیه ۱۴۷)..... ۷۶
- (۱۳) اول اندیشه و تعقل بعد دعا و مناجات (آل عمران آیه ۱۹۱)..... ۷۸
- (۱۴) بیم از رسوایی و دوزخ (آل عمران آیه ۱۹۲)..... ۸۰
- (۱۵) با خوبان (آل عمران آیه ۱۹۳)..... ۸۱

- ۸۳ (۱۶) هم دنیا و هم آخرت (آل عمران آیه ۱۹۴).....
- ۸۵ (۱۷) رهایی از جامعه فاسد (نساء آیه ۷۵).....
- ۸۶ (۱۸) اعتراف به خطا (اعراف آیه ۲۳).....
- ۸۸ (۱۹) پرهیز از همراهی ظالمان (اعراف آیه ۴۷).....
- ۹۰ (۲۰) داوری خداوند (اعراف آیه ۸۹).....
- ۹۱ (۲۱) عاقبت به خیری (اعراف آیه ۱۲۶).....
- ۹۳ (۲۲) نوع دوستی (اعراف آیه ۱۵۱).....
- ۹۴ (۲۳) رحمت فراگیر (اعراف آیه ۱۵۶).....
- ۹۶ (۲۴) توکل بعد دعا (یونس آیه ۸۵, ۸۶).....
- ۹۷ (۲۵) مقابله با ظلم و بی عدالتی (یونس آیه ۸۸).....
- ۹۸ (۲۶) آرزوی پاکان (یوسف آیه ۱۰۱).....
- ۱۰۲ (۲۷) علم خداوند (ابراهیم آیه ۳۸).....
- ۱۰۳ (۲۸) محوریت نماز (ابراهیم آیه ۴۰, ۴۱).....
- ۱۰۵ (۲۹) مهلت خواستن (ابراهیم آیه ۴۴).....
- ۱۰۷ (۳۰) والدین (اسراء آیه ۲۴).....
- ۱۰۹ (۳۱) امداد و نصرت الهی (اسراء آیه ۸۰).....
- ۱۱۱ (۳۲) گشایش در کارها (کهف آیه ۱۰).....
- ۱۱۲ (۳۳) رمز توکل و چهار خواسته ی مهم (طه آیه ۲۵-۲۸).....
- ۱۱۶ (۳۴) علم و دانش و ظرفیت آن (طه آیه ۱۱۴).....
- ۱۱۸ (۳۵) فرزنداندار شدن (انبیاء آیه ۸۹).....

- ۱۲۰ (۳۶) منزلگاه مبارک (مؤمنون آیه ۲۹).....
- ۱۲۲ (۳۷) تنها پناهگاه مطمئن (مؤمنون آیه ۹۷، ۹۸).....
- ۱۲۳ (۳۸) ایمان، مغفرت و رحمت (مؤمنون آیه ۱۰۹).....
- ۱۲۴ (۳۹) سرچشمه رحمت (مؤمنون آیه ۱۱۸).....
- ۱۲۵ (۴۰) آتش دوزخ (فرقان آیه ۶۵، ۶۶).....
- ۱۲۷ (۴۱) دید وسیع و همت بلند (فرقان آیه ۷۴).....
- ۱۲۹ (۴۲) همراهی با صالحان (شعراء آیه ۸۳).....
- ۱۳۵ (۴۳) نام نیک و وراثت بهشت (شُعراء آیه ۸۴، ۸۵).....

- (۴۴) روح و قلب پاک (شُعراء آیه ۸۷-۸۹)..... ۱۳۸
- (۴۵) نجات از شرور (شعراء آیه ۱۶۹)..... ۱۴۱
- (۴۶) لغزش های غیر عمدی (قصص آیه ۱۶)..... ۱۴۲
- (۴۷) استمداد از خداوند در همه حالات (قصص آیه ۲۰، ۲۱)..... ۱۴۴
- (۴۸) درخواست همه چیز از خداوند (قصص آیه ۲۳، ۲۴)..... ۱۴۵
- (۴۹) سایه ی رحمت (نمل آیه ۱۹)..... ۱۴۶
- (۵۰) فرزند صالح (صافات آیه ۱۰۰)..... ۱۴۹
- (۵۱) دعای فرشتگان (غافر آیه ۶، ۷)..... ۱۵۱
- (۵۲) دعا برای دیگران (غافر آیه ۸ و ۹)..... ۱۵۳
- (۵۳) شکر نعمت ها (والدین) (احقاف آیه ۱۵)..... ۱۵۶
- (۵۴) طرح کمال و رشد (حشر آیه ۱۰)..... ۱۵۹
- (۵۵) توکل و توبه (ممتحنه آیه ۴)..... ۱۶۳
- (۵۶) رمز عزت (ممتحنه آیه ۵)..... ۱۶۴
- (۵۷) نور کامل (تحریم آیه ۸)..... ۱۶۶
- (۵۸) نجات از ظلم و ظالم (تحریم آیه ۱۱)..... ۱۶۸
- (۵۹) نقش وراثت در تربیت (نوح آیه ۲۶، ۲۷)..... ۱۷۲
- (۶۰) چشم انداز گسترده (نوح آیه ۲۸) ۱۷۴

یارب چو بخ-وانی ام «سَمِعْنَا» گویم فرمان تو را به جان «أَطَعْنَا» گویم.

بر من تو به فضل اگر «عَفَرْنَا» گویی م-ن آیم و «رَبَّنَا - ظَلَمْنَا» گ-ویم.

گفتم: احساس تنهایی می کنم.

فرمود: «فَأِنِّي قَرِيبٌ»، من نزدیکم. (۱)

گفتم: چگونه ارتباط برقرار کنم؟

فرمود: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را (۲)

گفتم: سیاهی های گناه مانع است.

فرمود: «أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» دوست ندارید خدا شما را ببخشد؟ (۳)

گفتم: راهش چیست؟

فرمود: «وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ» استغفار و طلب بخشش و توبه کنید. (۴)

گفتم: روی توبه ندارم.

فرمود: «أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» خداست که توبه پذیر و مهربان است؟ (۵)

گفتم: گناهم زیاد و سنگین است.

فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» بدرستی که خداوند همه ی گناهان را می بخشد. (۶)

گفتم: شرط توبه چیست؟

فرمود: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» به درگاه خدا توبه کنید توبه ای از روی اخلاص. (۷)

گفتم: از دست نفس اماره و شیطان وسواس خناس چه کنم؟

فرمود: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است! (۸)

«مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند. (۹)

گفتم: گاهی یأس و ناامیدی بر من حاکم می شود.

فرمود: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» از رحمت خداوند نومید نشوید. (۱۰)

«وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می شود؟!» (۱۱)

گفتم: با مهربانی های تو چه کنم؟

ص: ۱۰

۱-۱- (بقره/۱۸۶)

۲-۲- (بقره/۱۸۶)

۳-۳- (نور/۲۲)

۴-۴- (هود/۹۰)

۵-۵- (توبه/۱۰۴)

۶-۱- (زمر/۵۳)

۷-۲- (تحریم/۸)

۸-۳- (بقره/۱۹۴)

۹-۴- (طلاق/۲)

۱۰-۵- (زمر/۵۳)

۱۱-۶- (حجر/۵۶)

فرمود: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» خدا را بسیار یاد کنید، و صبح و شام او را تسبیح گوید. (۱)

یک مرتبه با قلبی آکنده از عشق و محبتش گفتم:

«إلهی و ربی من لی غیرک»

او هم با همه ی عزت و کرم و لطف و محبتش فرمود:

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟ (۲)

به نام خدای یکتای بی همتا، به نام الله یاری دهنده ی قلب ها، و جان پناه دل ها، خدایی که ما را آفرید و جان داد، دل و فکر عطا نمود و ما را از چشمه سار معنویت و ارتباط با خود سیراب و بهره مند ساخت، خدایی که ما را آفرید، پناه داد، روزی داد، می میراند و زنده می کند. شکر و سپاس، خداوند متعال را که ما را مورد لطف و رحمت بی پایان خودش قرار داد.

دعا زبان عشق و نیاز بنده نیازمند به درگاه خدای بی نیاز است. دعا از جمله مفاهیم اسلامی و قرآنی است، دعا هم چون سایر اعمال عبادی مقدمات

و مؤخرات و راه ورود و خروج دارد و در فضائلش بسیار سخن به میان آمده است. مخفی نیست که دعا جایگزین تفکر، جهاد و کوشش، تلاش و تحمل سختی ها در مسئولیت های زندگی نیست. در اندیشه ی شناسایی دعا بدان

ص: ۱۱

۱-۱- (احزاب/۴۱ و ۴۲)

۲-۲- (زمر/۳۶)

مفهومی که حضرت حق و اولیاء گرامیش، ائمه معصومیندر نظر داشته اند، عبادت و وسیله ی ارتباط با خداوند و زبان استغفار و درخواست از اوست.

در حقیقت دعا «خواندن همراه با خواستن» است که فرد مسئولیت پذیر با تمام وجود و تمام توان خود در راه تحقق خواسته هایش گام برمی دارد، مصائب و مشکلات را متحمل می شود، و دعا را به عنوان بیان این خواسته و عرضه داشتن آن ها به «بارگاه قدس الهی» به کار می گیرد.

پیامبران الهی، امامان معصوم، اولیای خدا و بندگان وارسته هم همواره با قبول مسئولیت ها و مواجه شدن با سختی ها و مشکلات فراوان و تلاش و کوشش طاقت فرسا برای رسیدن به هدف و انجام وظیفه الهی به عنوان یک وسیله ی نیروبخش و قوی و تمسک به عروه الوثقی از لطف و محبت الهی دست به دعا می گشودند و چشم امیدی هم به فضل و رحمت پروردگار عالم داشتند.

از زبور داوود تا مناجات های پیامبر گرفته (۱) و مناجات علی در مسجد کوفه و دعای کمیل و صباح و نیایش امام حسین در صحرای عرفات و دعاهای امام زین العابدین سیدالساجدین در صحیفه ی سجادیه و مناجات خمسه عشر و مناجات ابوحمزه ثمالی و دعای ندبه و توسل و دیگر دعاهای رسیده از اولیاء الهی جلوه ی روشنی بر این حقیقت است.

دعا ابراز نیازها و خواسته ها از عمق وجود و صمیم دل، از پیشگاه مهربان جهان خداوند قادر متعال است که همه ی مقدرات عالم هستی و همه ی امور به اراده و خواست او رقم می خورد.

ص: ۱۲

مسئله‌ی مهم در دعا این است که از خداوند قادر متعال با معرفت و شناخت، «چه بخواهیم»، «چه زمانی بخواهیم»، و «در چه مکانی دعا کنیم» و «چگونه خدا را بخوانیم» و «عوامل و موانع استجاب دعا» را هم خوب بشناسیم.

خواستن از خداوند به اندازه‌ی عقل، شعور و معرفت انسان است و شناخت اینکه نیازخواهی به اموری حقیر و مادی و دنیایی و خوراک و پوشاک و مسکن خلاصه نمی‌شود. همه چیز، دنیا و آخرت از آن خداوند است، زندگی دنیا محدود و گذرا و پایان پذیر و آخرت ابدی و همیشگی است. در دعاهای معصومین متعالی ترین خواسته‌ها و لازم و مفیدترین حاجت‌ها بیان شده است. که به گفته امام خمینی در وصیتنامه: «ما مفتخریم که ادعیه‌ی حیاتبخش که او را قرآن ساعد می‌خوانند، از ائمه معصومین ماست.» در این میان برخی از دعاها از زبان پیامبران و صالحان در «قرآن کریم» آمده است. اینکه خداوند این خواسته‌ها را در بین کلام و آیاتش قرار داده دلیل بر اهمیت آن خواسته‌ها است. ما در این مجموعه بر آن شدیم که با استفاده از مباحث و تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین قرائتی شما خواننده عزیز را با تفسیر، لطائف و نکات ارزنده و سازنده، مضامین و معارف «دعاهای قرآنی» آشنا کنیم.

«و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت»

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۳۱ مطابق با تولد صدیقه‌ی طاهره، حضرت زهرا، مطابق با ۱۳/۰۳/۸۹

محمد موحدی نژاد

ص: ۱۳

۱- دعا یا فراخوان الهی

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!» (۱)

گفتم که روی خوبت، از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم فراغ تا کی، گفتا تا که تو هستی

گفتم نفس همین است، گفتا سخن همان است

«دعا» راه و رسم گفتگو با خالق هستی «الله» جامع تمام صفات کمال و کلید رشد و تربیت انسان و در حقیقت محبوب و خواست خود او و فراخوان الهی است.

خدایی که ما را از نیست به هست آورده («هَيْلُ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينَ مَنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّيْذُكُوراً» «آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!») (۲) و از نطفه، انسانی کامل و گل سرسبد موجودات و تاج وجود و بندگی خود را بر سر مازده است. و اینچنین در جهت تربیت ما راه در خواست کردن را نموده است اوست که نیازهای ما را می داند و بین «دعا» و «استجاب» هیچ فاصله ای قرار نداد («ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» نمی فرماید «فاستجاب» یا «ثم استجب») «چرا که استجاب» وعده الهی است «استجب» و خداوند خلاف وعده خود نمی فرماید. («إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» «زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی کند.») (۳) ولی شرطش آن است که جز او

ص: ۱۴

۱- (غافر/۶۰)

۲- (انسان/۱)

۳- (آل عمران/۹)

نخوانیم و از دیگری نخواهیم. «ادعونی» تنها چیزی که شیطان را از بلندی عزت به حسیض ذلت و دوزخ کشید تکبر بود. «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»، «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد» (۱) و «دعا» درمان تکبر و خود نوعی عبادت است. «يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» «کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند!» (۲) و آن هم عبادتی مخصوص خداوند است. (عبادتی) و به حق نزد خداوند مقامی است که جز با دعا و تقاضا نمی توان به آن رسید. فرموده امام صادق (۳) «دعا» و سیله ارتباطی است بین عاشق و معشوق که از یک سو انسان را به شناخت پروردگار «معرفه الله» که برترین سرمایه هر انسان است دعوت می فرماید و از سوی دیگر سبب می شود که خود را نیازمند او دیده و در برابرش خضوع کند. و از سوی نعمت های بیشمار او را «وَ إِنْ تَعِدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» «و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است!» (۴) دیده به او عشق ورزد و رابطه اش قوی و محکم گردد. و از سوی دیگر چون نیازمند و مرهون نعمت های اوست موظف به اطاعت از

ص: ۱۵

۱- - (بقره/۳۴)

۲- - (غافر/۶۰)

۳- - [کافی ج ۲/ص ۳۳۸]

۴- - (ابراهیم/۳۴)

فرمانش می شود و از سویی چون استعجاب دعا بی قید شرط نیست و از نیاز به آداب و مقدمات و شرایطی (آداب دعا و شرایط استعجاب و موانع آن را در صفحات بعد یادآور می شویم) چون خلوص نیت و صفای دل و توبه از گناهان دارد و در راه خود سازی و تربیت خود گام بر می دارد به او اعتماد به نفس داده و از یأس و ناامیدی باز می دارد .

در «دعا» ست که خالق و مخلوق احسان نزدیک شدن به یکدیگر را دارند، آنجا که می فرمایند :

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسِّرْ تَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (۱) «و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)!»

رسانا ترین تعبیر در این آیه برای نزدیکی مخلوق به خالق آن است که خداوند هفت مرتبه ضمیر متکلم «من» را آورده است. («عبادی»، «عنی»، «فانی»، «اجیب»، «دعان- نی»، «لی»، «بی»)

«دعا» نه تنها انسان را با خالق نزدیک و مرتبط می کند، از طرفی همراه و همرنگ شدن با هستی است چون تمام هستی در تسبیح و قنوتند. «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» و تمام موجودات به درگاه او اظهار نیاز دارند «يَسْتَلُّهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (۲)

ص: ۱۶

۱- - (بقره/۱۸۶)

۲- - (الرحمن/۲۹)

پس ما نیز دعوت و فراخوان الهی را اجابت کنیم تا وصله‌ی ناهمگون هستی نباشیم.

آری با مهربانی و لطف او ما را به سوی خویش فرا می‌خواند. «أدعونی» و اعلام می‌فرماید که از همه چیز به تو نزدیک ترم «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (۱) دعا و درخواست شما را می‌شنوم. «إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (۲) بر شما مهربانم. «رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ» (۳) و از همه مهربان تر «وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (۴) پس ایمان بیاورید «وَلْيُؤْمِنُوا بِي» و دعا و درخواست کنید که این خود مایه‌ی رشد شماست. «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (۵)

و لذا امام صادق می‌فرماید: «زیاد دعا کنید، زیرا دعا کلید بخشش خداوند و وسیله‌ی رسیدن به حاجت است. نعمت‌ها و رحمت‌هایی نزد پروردگار است که جز با دعا نمی‌توان به آن رسید و بدان هر در را که بکوبی عاقبت گشوده خواهد شد.» (۶)

آری او به ما نزدیک است، چگونه ممکن است از ما دور باشد، در حالی که میان ما و قلب ما جای اوست. می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (۷) «خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود»

و خداوند مهربان اجابت‌کننده‌ی هر مضطری است.

ص: ۱۷

۱- (ق/۱۶)

۲- (ابراهیم/۳۹)

۳- (انعام/۱۴۷)

۴- (یوسف/۹۲)

۵- (بقره/۱۸۶)

۶- [اصول کافی/ج ۲/ص ۴۷۰ و بحارالانوار/ج ۹۰/ص ۲۹۵ تا ۲۹۹]

۷- (انفال/۲۴)

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ» (۱) «یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد»

پس از مجموعه ی آیات و مفاهیم فوق در این فراخوان عمومی الهی می آموزیم که:

۱- دعا در هر جا و هر وقت که باشد، مفید است.

۲- خداوند به ما نزدیک است، ولی ما چطور؟ اگر گاهی قهر او دامن ما را می گیرد، به خاطر دوری ما از خداوند است، که در اثر گناهان می باشد.

۳- استجاب خداوند دائمی است، نه موسمی!

۴- با آنکه خداوند همه چیز را می داند، ولی دعا و درخواست وظیفه ی ماست.

۵- دعا آنگاه به اجابت می رسد که همراه با اخلاص، ایمان و عمل صالح باشد.

۶- دعا وسیله ی رشد هدایت است.

۷- گرچه دعا مستجاب نشود، ولی انس با خدا و نزدیک شدن به او مطلوب است.

۲- تعریف دعا

در لغت، به معنای ندا و صدا زدن است «دَعَوْتُ فُلَانًا»؛ یعنی او را صدا زدم. و در اصطلاح، فردی پست و پائین از فردی بالاتر از خود با حالت خضوع و سرافکنندگی چیزی طلب کند.

ص: ۱۸

دعا همراه ستایش خداوند باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «قَالَ إِنَّ كُلَّ دُعَاءٍ لَا يَكُونُ قَبْلَهُ تَمْجِيدٌ فَهُوَ أَبْتَرُ» (۱)

پیامبر گرامی اسلام: دعائی که با تمجید خدا آغاز نشود نافرجام است.

دعا همراه اعتراف به گناهان باشد.

قَالَ الصَّادِقُ: «إِنَّمَا هِيَ الْمِدْحَةُ ثُمَّ الثَّنَاءُ ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ إِنَّهُ وَاللَّهِ مَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ» (۲)

امام صادق: اول مدح و ثنا، سپس اعتراف به گناه، آنگاه طرح سؤال و درخواست، که به خدا قسم! بنده ای از گناه، نجات نیافت مگر به واسطه اقرار

در دعا اصرار ورزیده شود

قَالَ الصَّادِقُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ إِحْرَاقَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَأَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ» (۳)

امام صادق: خداوند متعال دوست ندارد که مردم هنگام درخواست از یکدیگر، اصرار ورزند اما این کار را برای خودش دوست دارد، خدا دوست دارد که مردم آنچه را نزد اوست بخواهند و طلب کنند.

تمام نیازهای خود را از خداوند بخواهیم.

ص: ۱۹

۱- ۱- [مکارم الاخلاق/ص ۳۰۸]

۲- ۲- [کافی/ج ۲/ص ۴۸۴]

۳- ۳- [کافی/ج ۲/ص ۴۷۵]

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

«لَيْسَ أَلْأَحَدُكُمْ رَبُّهُ حَاجَتُهُ كُلُّهَا حَتَّى يَسْأَلَهُ شَيْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ» (۱)

پیامبر گرامی اسلام: هر یک از شما باید تمام نیازمندی هایش را از خدا طلب کند حتی اگر بند کفشش پاره شد آن را نیز از خدا بخواهد.

دعا به وسیله اسماء الهی باشد.

«فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (۲) «برای او بهترین نامهاست»

مثلاً بگویید: یا الله، یا رحمن، یا رحیم، یا غفور، یا حلیم، یا قوی، یا قیوم، یا غنی، یا رازق، یا کریم، یا قدیم، یا فاطر و... اول خداوند را به اسماء و صفاتش تمجید و تجلیل کرده و بعد دعا کند.

* اسماء حسنی چیست؟

در کتب حدیث و تفسیر اعم از منابع شیعه و اهل تسنن بحثهای مشروحی پیرامون «اسماء حسنی» دیده می شود که فشرده ای از آن را به اضافه عقیده خود در اینجا می آوریم:

شک نیست که «اسمای حسنی» به معنی «نام های نیک» است و می دانیم که تمام نام های پروردگار مفاهیم نیکی را در بر دارد و بنا بر این همه اسماء او اسماء حسنی است، اعم از آنها که صفات ثبوتیه ذات پاک او است، مانند عالم و قادر، و یا آنها که صفات سلبيه ذات مقدس او است مانند «قدوس»، و آنها

که صفات فعل است و حکایت از یکی از افعال او می کند مانند خالق، غفور، رحمان و رحیم.

ص: ۲۰

۱- [مکارم الاخلاق / ص ۲۷۰]

۲- (اسراء/ ۱۱۰)

از سوی دیگر شک نیست که صفات خدا قابل احصاء و شماره نیست زیرا کمالات او نامتناهی است و برای هر کمالی از کمالات او اسم و صفتی می توان انتخاب کرد.

ولی چنان که از احادیث استفاده می شود، از میان صفات او بعضی دارای اهمیت بیشتری می باشد، و شاید «اسماء حسنی» که در آیه بالا آمده است، اشاره به همین گروه ممتازتر است، زیرا در روایاتی که از پیامبر ص و ائمه اهل بیت ع به ما رسیده کرارا این مطلب دیده می شود که خداوند دارای ۹۹ اسم است که هر کس او را به این نامها بخواند، دعایش مستجاب و هر که آنها را شماره کند اهل بهشت است. مانند روایتی که در کتاب توحید صدوق از امام صادق از پدرانش از علی نقل شده که پیغمبر فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»^(۱)

و نیز در کتاب توحید از امام علی بن موسی الرضا از پدرانش از علی نقل شده که فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مَنْ دَعَا اللَّهَ بِهَا اسْتَجَابَ لَهُ وَ مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»^(۲) برای خداوند ۹۹ اسم است، که هر کس خدا را به آن اسامی بخواند (بعد دعا کند) دعایش مستجاب می شود.

در کتاب صحیح بخاری و مسلم و ترمذی و کتب دیگر از منابع حدیث اهل تسنن نیز همین مضمون پیرامون اسماء نود و نه گانه خدا و اینکه هر کس خدا

ص: ۲۱

۱- [۱]- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

۲- [۲]- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

را با آن بخواند، دعای او مستجاب است یا هر کس آنها را احصا کند، اهل بهشت خواهد بود، نقل شده است. (۱)

از پاره ای از این احادیث استفاده می شود که این اسامی نود و نه گانه در قرآن است، مانند روایتی که از ابن عباس نقل شده که می گوید: پیامبر فرمود:

«أَنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِّنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ هِيَ فِي الْقُرْآنِ» (۲)

و به همین جهت جمعی از دانشمندان کوشش کرده اند که این اسامی و صفات را از قرآن مجید استخراج کنند، ولی نامهایی که در قرآن مجید برای خدا آمده است بیش از ۹۹ نام است، بنا بر این ممکن است اسماء حسنی در لابلای آنها باشد، نه اینکه در قرآن جز این ۹۹ نام، نام دیگری برای خدا وجود نداشته باشد.

در بعضی از روایات این نامهای نود و نه گانه آمده است، که ما ذیلا یکی از این احادیث را می آوریم (ولی باید توجه داشت، بعضی از این نامها به شکلی که در این روایت آمده در متن قرآن نیست، اما مضمون و مفهوم آن در قرآن وجود دارد). و آن روایتی است که در توحید صدوق از امام صادق از پدر و اجدادش از علی از پیامبر نقل شده که پس از اشاره به وجود نود و نه نام برای خدا می فرماید:

و هی الله، الاله، الواحد، الاحد، الصمد، الاول، الآخر، السميع، البصير، القدير، القادر، العلی، الاعلی، الباقي، البديع، الباری، الاكرم، الباطن، الحی، الحکیم، العلیم،

ص: ۲۲

۱- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

۲- [تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه]

الحلیم، الحفیظ، الحق، الحسیب، الحمید، الحفی، الرب، الرحمن، الرحیم، الذارئ، الرزاق، الرقیب، الرؤف، الرائی، السلام، المؤمن، المهیم، العزیز، الجبار، المتکبر، السید، السوح، الشهد، الصادق، الصانع، الظاهر، العدل، العفو، الغفور، الغنی، الغیث، الفاطر، الفرد، الفتاح، الفائق، القدیم، الملک، القدوس، القوی، القریب، القیوم، القابض، الباسط، قاضی الحاجات، المجید، المولی، المنان، المحیط، المبین، المغیث، المصور، الکریم، الکیبر، الکافی، کاشف الضر، الوتر، النور، الوهاب، الناصر، الواسع، الودود، الهادی، الوفی، الوکیل، الوارث، البر، الباعث، التواب، الجلیل، الجواد، الخیر، الخالق، خیر الناصرین، الدیان، الشکور، العظیم، اللطیف، الشافی (۱)

ولی آنچه در اینجا بیشتر اهمیت دارد و باید مخصوصا به آن توجه داشته باشیم این است که منظور از خواندن خدا به این نام ها و یا احصاء و شمارش اسماء حسناى پروردگار، این نیست که هر کس این ۹۹ اسم را بر زبان جاری کند و بدون توجه به محتوا و مفاهیم آنها تنها الفاظی بگوید سعادت مند خواهد بود، و یا دعایش به اجابت می رسد، بلکه هدف این است که به این اسماء و صفات ایمان داشته باشد، و پس از آن بکوشد در وجود خود پرتوی از مفاهیم آنها یعنی از مفهوم عالم و قادر و رحمان و رحیم و حلیم و غفور و قوی و قیوم و

غنی و رازق و امثال آن را در وجود خود منعکس سازد، مسلما چنین کسی هم بهشتی خواهد بود و هم دعایش مستجاب و به هر خیر و نیکی نائل می گردد.

ضمنا از آنچه گفتیم روشن می شود که اگر در پاره ای از روایات و دعاها اسامی دیگری برای خدا غیر از این اسماء ذکر شده و حتی شماره نامهای خدا در

ص: ۲۳

بعضی از دعاها به یکهزار رسیده هیچگونه منافاتی با آنچه گفتیم ندارد، زیرا اسماء خدا حد و حصر و انتهایی ندارد، و مانند کمالات ذات و بی انتهایش نامحدود است. هر چند پاره ای از این صفات و اسماء امتیازی دارد.

۴- آداب نیایش گر و دعا کننده

اهمیت دعا را بدانند و آن را کم نشمارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ:

« قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصِيْ بِغَرِّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى وَ لَيْتَهُ فِي عِبَادِهِ» (۱)

حضرت امیرالمؤمنین: و خداوند اجابت کردن خود را در دعای بنده اش قرار داده است، بنا براین چیزی از دعا خواندن او را کوچک نشمار بسا که مورد اجابت او قرار گیرد و تو نمی دانی.

به اجابت دعا خوش گمان باشد.

قَالَ الصَّادِقُ: «إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ» (۲)

هر گاه دعا کردی، گمانت این باشد که حاجتت نزد در آماده و حاضر است.

در دعا تضرع و ابتهاج داشته باشد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا ابْتَهَلَ وَ دَعَا

ص: ۲۴

۱- [خصال صدوق/ج ۱/ص ۲۰۹]

۲- [کافی/ج ۲/ص ۴۷۳]

كَمَنْ يَسْتَطْعِمُ» (۱)

رسول گرامی اسلام هنگام دعا مانند کسی که غذا طلب می کند، دست های خود را بلند می فرمود.

با خوف و طمع دعا کنند.

«وَاذْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا» (۲)

«و او را با بیم و امید بخوانید!»

یقین به اجابت دعا داشته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «ادْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ» (۳)

در حالی که یقین به اجابت خدا دارید، او را بخوانید.

هنگام دعا امید به غیر خدا نداشته باشد.

«وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۴)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد.

با اخلاص دعا نماید و حضور قلب داشته باشد.

«وَاذْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (۵)

در دعا بلند نظر باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ» (۶)

ص: ۲۵

۱- [أمالی طوسی / ص ۵۸۵]

۲- (اعراف/ ۵۶)

۳- [عده الداعی / ص ۱۴۴]

۴- (شوری/ ۲۶)

۵- (اعراف/ ۲۹)

۶- [المصباح کفعمی / ص ۶۱۷]

خدایا! همه فقیران را بی نیاز کن. خدایا! همه گرسنه ها را سیر کن.

یعنی نه فقط به فکر حاجت ها و مشکلات و گرفتاری های خود باشد، بلکه به یاد دیگران هم باشد و برای آن ها هم دعا کند، بلکه اگر می خواهد به اجابت نزدیک تر شود، اول به دیگران و بعد برای خود دعا کند. حضرت زهرا به امام حسن فرمود: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»^(۱) اول به همسایه (دعا کنید) و بعد به خود.

۵- زمان دعا

روز عرفه

این روز، روز دعا به درگاه الهی است. به همین خاطر هرچند روزه اش مستحب است، ولی اگر موجب ضعف شود روزه نگرفتن و دعا خواندن بهتر است.^(۲)

شب قدر و شب های احیا

شب های قدر در ماه رمضان، دهه ی آخر رمضان و چهار شب دیگر:

الف) شب اول ماه رجب ب) شب نیمه شعبان ج) شب عید فطر د) شب عید قربان

روز جمعه

امام صادق(ع): «مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ بِيَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ...»^(۳)

خورشید بر روزی برتر از روز جمعه طلوع نکرده است.

ص: ۲۶

۱- [وسائل الشیعه/ج ۷/ص ۱۱۲]

۲- [عده الداعی / ۸۸]

۳- [عده الداعی / ۷۵]

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ أَلَا عَبِيدُ مُؤْمِنٍ يَدْعُونِي لِتَدِينَهُ أَوْ دُنْيَاهُ [لِآخِرَتِهِ وَ دُنْيَاهُ] قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُجِيبُهُ» (۱)

ذات اقدس الهی هر شب جمعه از اول تا آخر شب این گونه ندا می دهد: آیا بنده مؤمنی نیست که تا قبل از صبح مرا برای دین یا دنیايش بخواند تا من اجابتش کنم؟

هنگام وزش باد، بارش باران، اذان ظهر و ریختن اولین قطره خون شهید.

امام صادق: «اطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ وَ زَوَالِ الْأُفْيَاءِ وَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ أَوَّلِ قَطْرِهِ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ» (۲)

امام صادق: در چهار زمان به دنبال دعا باشید: وزش باد، زوال سایه ها (که همان ظهر شرعی است) نزول باران و اولین قطره از خون مؤمن، چون در این اوقات درهای آسمان گشوده خواهد شد.

بین الطلوعین

امام باقر: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ مَنْ عَبَادِهِ [الْمُؤْمِنِينَ] كُلَّ [عَبِيدٍ] دَعَاءٍ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فِي السَّحْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ» (۳)

ص: ۲۷

۱- [عده الداعی / ۷۶]

۲- [الكافی / ج ۲ / ص ۴۷۶]

۳- [عده الداعی / ۵۵]

خداوند متعال از بین بندگانش بنده‌ی بسیار دعاکننده را دوست دارد پس دعا کنید در سحرها تا طلوع آفتاب، چون درهای بهشت در این هنگام باز می‌شوند، روزی‌ها در این زمان تقسیم می‌گردند و حاجت‌های بزرگ در این وقت برآورده می‌شوند.

وقت نماز عشاء

پیامبر اکرم: «مَنْ كَانَ لَهُ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا فِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَّمِ قَبْلَكُمْ يَعْنِي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ» (۱)

هر یک از شما حاجتی دارد آن را به هنگام نماز عشا طلب کند، چرا که این به امت‌های پیش از شما داده نشده است. (مخصوص شماس)

یک سوم آخر شب

پیامبر اکرم: «إِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأُجِيبُهُ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ سُؤْلَهُ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ»

ذات اقدس الهی، آخر هر شب این چنین می‌گوید: آیا دعاکننده‌ای هست تا من او را اجابت کنم؟ آیا درخواست‌کننده‌ای هست تا خواسته‌اش را عطا کنم؟ آیا آمرزش‌خواهی هست تا او را ببامرزم؟ آیا بنده توبه‌کاری هست تا توبه‌اش را بپذیریم؟

۶- مکان دعا

سرزمین عرفات

«و روی أن من الذنوب ما لا يعفو [يعفر] إلا بعرفه و المشعر الحرام قال الله

ص: ۲۸

تعالی - فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ لَيْلَهُ مِنَ لَيَالِي الْأَحْيَاءِ» (۱)

برخی از گناهان فقط در سه موقعیت بخشیده می شوند: عرفات، مشعر الحرام، که خداوند متعال فرمود: وقتی از عرفات کوچ کردید خدای را در مشعر الحرام به یاد بیاورید. و شبی از شبهای احیا!

مسجد الحرام و کعبه

«عَنِ الرَّضَا قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا وَقَفَ أَحَدٌ فِي تِلْكَ الْجِبَالِ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي آخِرَتِهِمْ وَأَمَّا الْكُفَّارُ فَيُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي دُنْيَاهُمْ» (۲)

کسی در این کوه ها توقف نکرد (حتی کافر) مگر آنکه (دعایش) اجابت شد، اگر مؤمن باشد، اجابت اخروی و اگر کافر باشد اجابت دنیایی دارد.

مساجد

الف) در حدیث قدسی آمده است که:

«فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ أَلَّا إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي» (۳)

آگاه باشید که مساجد، خانه های من بر روی زمین اند، پس خوشا به حال بنده ای که در خانه خود تطهیر کند (وضو بگیرد) سپس مرا در خانه ام زیارت کند.

ب) «أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (۴)

ص: ۲۹

۱- [عده الداعی / ۹۱]

۲- [کافی / ج ۴ / ص ۲۵۶]

۳- [عده الداعی / ۹۲]

۴- [اعراف / ۲۹]

و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید!

زیر گنبد سید الشهداء

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ مِنْ قَتْلِهِ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ جَعَلَ الشُّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَ الْأَنْمَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَنْ لَا يُعَدَّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ مِنْ أَعْمَارِهِمْ» (۱)

«خداوند سبحان، در عوض قتل امام حسین چهار خصلت عطا کرده است: شفا را در تربتش نهاد. اجابت دعا را زیر گنبدش قرار داد. ائمه بعدی از نسل اویند. مدت زمانی را که زائرین آن حضرت برای زیارت می گذرانند، جزء عمرشان به حساب نمی آورد.

رو به قبله دعا کردن

رو به قبله دعا کنید و دست های خود را به طرف آسمان بلند کنید.

۷- استجاب دعا

اشاره

همه ما در زندگی با خواسته های ریز و درشتی رو به رو هستیم

و با توجه به تربیت دینیمان آنچه را که دستمان میرسد تلاش میکنیم تا با یاری خداوند متعال به آنها برسیم اما گاهی میبینیم هر چه تلاش میکنیم هر چه دعا میکنیم نمی شود که نمی شود اینجاست که با خود میگوییم مگر دعا چاره مشکلات نیست پس چرا نمی شود دچار شک و بد دلی نسبت به خداوند و دین و زمین

ص: ۳۰

و آسمان میشود غافل از اینکه هیچ گاه خداوند یگانه آن مهربان ترین مهربانان از احوال بندگانش بیخبر نیست که اگر چنین بود حتی برای یک لحظه، فیض حیات از عالم امکان رخت میبست، حال این سؤال پیش می آید

که پس چرا دعاهایمان مستجاب نمی شود؟ در اینجا برای پاسخ از روایات اصول کافی استفاده میکنیم:

مردی نزد جعفر بن محمد الصادق عرضه داشت: (۱) گفت آیه ای در قرآن هست من آن را می جویم ولی نمی یابم. فرمود کدام آیه است که تخلف شده است و تو، به نتیجه نرسیده ای؟ گفت اول اینکه خداوند در قرآن فرموده است. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲)؛ مرا بخوانید تا استجاب کنم شمار را و من مکرر دعا کرده ام و نشده. امام فرمود: آیا گمان می کنی خدا خلف وعده بکند؟ (خلف وعده قبیح است عقلاً و شرعاً مذموم است. خدا می فرماید: «أوفوا بالعهد»؛ هر عهدی که کردید وفا بکنید آن وقت خودش به وعده اش وفا نمی کند که دعا بکنند اجابت نشود؟) اظهار حیرت کرد گفت آقا البته هیچ وقت خدا خلف وعده نمی کند پس علت چیست؟ می فرماید: اینکه فرمود دعا کنید تا من اجابت کنم، نه هر کس می خواهد باشد اگر تو حرف خدا را شنیدی، خدا هم حرف تو را می شنود.

* سریع الاجابه برای بنده مطیع

روزی به خدمت عالم بزرگوار آقای حاج ملا علی همدانی رسیدم و از

ص: ۳۱

۱- [اصول کافی/ج ۲/ص ۳۲۵]

۲- (غافر/۶۰)

ایشان داستان عجیب و جالبی شنیدم. وی فرمود: روزی وارد صحن مطهر امام حسین شدم، دیدم گوشه ای شلوغ است، جلو رفتم و سؤال کردم: چه خبر است؟ بچه ای را نشان دادند که از مناره ی صحن بالا رفته و از آنجا به پایین

پرت شده. پدر این طفل که حمال است - خطاب به بچه کرده (وسط زمین و آسمان) که بایست و طفل همان جا مانده. نردبان آورده و او را سالم پایین آوردند، از پیرمرد با تعجب سؤال کردم: چه چیز باعث شده که شما به این مقام برسی؟ گفت: این کار مهمی نیست! ما اصرار کردیم، گفت: رمز این کار این است که من از اول بلوغ و تکلیف، سعی کرده ام هر چه خدا فرموده عمل کنم و تابع خواسته های نفس و شیطان نباشم. امروز هم یک چیزی من خواستم، خداوند عزیز و قادر قبول کرد. (۱)

* اجابت به تدریج و به وسیله اسباب

اجابت دعا شرایط دارد و بعد از آن هم که شرایطش درست شد اجابت دعا دو قسم است گاهی صلاح در این است که فوراً بشود گاهی صلاح در تدریج است، اینکه فرمود استجب لکم نه اینکه بدون سبب اجابت شود؟

خدا فرمود دعا کن بگو خدایا این مریض را شفا بده آن وقت اگر اجابت شد اجابتش نه فوری و بدون اسباب است که مثلاً بدون دواء و جراحی خوب شود فرمود استجب لکم تو می خواهی که این مریض خوب شود خوبش می کنیم هر چند مثلاً ماه دیگر با دواء و جراحی نه این که آنرا خرق اسباب شود مگر معجزه می خواهی؟ آن هم مخصوص پیغمبر و امام است برای مصالح

ص: ۳۲

دیگری و گرنه اجابت لازمه اش خرق اسباب نیست.

دعا بالاخره مستجاب است ولی به اسباب و به تدریج، نه این که خرق عادت و بدون اسباب، خدا مستجاب می کند با اسباب گاهی مثلاً یک سال طول می کشد.

در اصول کافی از عجله داشتن در استجاب دعا نهی شده است. چون خداوند هم قدرت دارد، و هم حکیم و هم بنده ی خود را دوست می دارد و در هر صورت برای بنده ی خود خیر را می خواهد و مقدر می فرماید، و از طرفی علم انسان محدودچه بسیار که چیزی را خیر خود می داند و حال اینکه شرّ اوست و از طرفی دنیا چه ارزش دارد تا خواسته های جزئی آن چه باشد در هر حال می گذرد مثلاً از خداوند خانه و پارک و فرش خواسته آیا مدت استفاده از اینها با آن همه دردهایش چند سال است.

*** گاهی مصلحت در تاخیر استجاب است**

جوان عزیز تو دعا بکن بگو: خدایا برای حفظ دینم همسر صالحه ای نصیب فرما، مستجاب می شود. اما به مرور و گاهی هم می شود که خود تاخیر مصالحی دارد یعنی ممکن است زود مستجاب شود. لکن مصلحت هایی مخفی است که کمی باید طول بکشد، گاه می شود مومنی حاجتی دارد با سوز دل به درگاه خدا ندبه می کند، ندا می رسد حاجتش رواست اما به این زودی به او ندهید زیرا که اگر زود به او دادید دیگر ما را از سوز دل نمی خواند، ما صدای ناله بنده مان را دوست داریم این بنده تا گرفتار است با روی سوز دل ما را می خواند و با سوز دل یا الله گفتن هم دوا ی تمام دردهای باطنی اوست ولی همین که حاجتش را دادند، دیگر در مسجد حضور پیدا نمی کند.

نزدیک ترین حالات بنده به پروردگارش وقتی است که سرش به سجده باشد. (۱) دلش شکسته باشد، چشمش گریان باشد، این نزدیکترین حالات بنده به

خداست، آن وقت چنین سعادت عظیمی به تو داده اگر مثلاً خدا دنیا و مظاهر آن را داد و این سعادت کنار برود آیا می ارزد؟ اگر پرده عقب برود می گویی نه، کامیابی و رسیدن به مراد، نفس را گردن کلفت تر می کند، انسان را از خدا دور می کند، کام های مادی غالب می شود، کام الهی، روحانی اخروی رها می شود، اما در حاجات مادی صورتش ناکامی است باطنش رحمت، لطف، فضل کرم، ظاهرش گریه و انابه است اما باطنش خنده و شادمانی است.

خلاصه مطلب این که خداوند متعال خود، ما را آفریده و بهتر از خود ما و هر کس دیگر نیازهای واقعیمان را می داند که چه چیز برای ما بهتر است و چه چیز نیست! قرار نیست هرچه که ما فکر می کنیم به صلاحمان است همان باشد ما به واسطه جهل نسبی مان از عواقب آنچه که بدنبالش هستیم آگاهی نداریم چه بسا که آن خواسته برای ما چون زهر کشنده ای باشد که با اصرار می خواهیم در بدست آوردن آن ناله ها می کنیم و وقتی عواقب سوءاش دامنمان را گرفت باز ناله می کنیم که خدایا چرا چنین و چنان کردی؟ و فراموش می کنیم این همان چیزی بود که در راه رسیدنش داشتیم هلاک می شدیم .

پس هر گاه شما را حاجتی پیش آمد بخوانید خداوند بلند مرتبه را اما با حسن ظن با آگاهی به اینکه او قادر مطلق است اعتماد کنید صبر داشته باشید تا نتیجه

ص: ۳۴

خواستہ تان را بہ بہترین نحو بیاید خداوند ہرگز خلاف وعدہ نمی کند. (۱)

۸- عوامل استجاب دعا

الف) عوامل نظری و اعتقادی

ارزش دعای خود را کم نداند و کوچک نشمارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ : «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصِيحِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (۲)

و خداوند اجابت کردن خود را در دعای بنده اش قرار داده است، بنا براین چیزی از دعا خواندن او را کوچک نشمار بسا که مورد اجابت او قرار گیرد و تو نمی دانی.

حسن ظن به اجابت خدا داشته باشد.

قَالَ الصَّادِقُ : «إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنْ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ» (۳)

هر گاه دعا کردی، گمانت این باشد که حاجت نزد در آماده و حاضر است.

«فَأِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ» (۴)

من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم!

ص: ۳۵

۱- از روزنامه اعتدال به نقل از کتاب معارفی از قرآن آیت الله دستغیب

۲- [خصال صدوق / ج ۱ / ص ۲۰۹]

۳- [کافی / ج ۲ / ص ۴۷۳]

۴- (بقره/۱۸۶)

حضور قلب در دعا داشته باشد.

قَالَ الصَّادِقُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَطْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ» (۱)

خداوند متعال دعائی که از دلی غافل سرزند مستجاب نخواهد کرد، پس هر گاه خواستی دعا کنی، با (حضور) قلبت به او روی بیاور، آنگاه یقین به اجابتش داشته باش.

ایمان داشته باشد.

«وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۲)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد.

از روی ترس و طمع دعا کند.

«وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا» (۳)

و او را با بیم و امید بخوانید!

فقط خداوند را بخواند.

برای اجابت دعا فقط خداوند را بخوانید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۴)

ب) عوامل عملی و رفتاری

با نام خدا شروع کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «لَا يُرَدُّ دُعَاءٌ أَوْلَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (۵)

ص: ۳۶

۱- [کافی/ج ۲/ص ۴۷۳]

۲- (شوری/۲۶)

۳- (اعراف/۵۶)

۴- (غافر/۶۰)

۵- [الدعوات راوندی/ص ۵۲]

دعائی که با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز گردد رد نمی شود.

پس از نماز

قَالَ الصَّادِقُ: «...جَاءَ رَجُلٌ آخِرٌ إِلَى الْمَسْجِدِ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ أَتَنَى عَلَى اللَّهِ

عَزَّ وَجَلَّ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ سَلْ تُعْطَ» (۱)

... مرد دیگری آمد و دو رکعت نماز خواند و سپس خدای عزوجل را ثنا گفت و بر پیامبر و خاندانش درود فرستاد. در این هنگام رسول خدا به او فرمود: بخواه که به تو داده خواهد شد.

بعد از عمل واجب دعا کنید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «مَنْ أَدَّى فَرِيضَةَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ» (۲)

هر کس نماز واجبی بجای آورد یک دعای مستجاب نزد خدا خواهد داشت.

وفای به عهد الهی نماید.

«وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» (۳)

و به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

آری اگر بخواهیم خداوند به حاجات، دعاها و خواسته های ما توجه فرماید، ما هم باید به دستورات او توجه و عمل کنیم. در جای دیگر می فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ» (۴). «پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم!» حال چگونه توقع داریم ما خدا را نافرمانی و معصیت کرده ولی خداوند خواسته های ما را

ص: ۳۷

۱- [کافی / ج ۲ / ص ۴۸۵]

۲- [أمالی مفید / ص ۱۱۷]

۳- (بقره / ۴۰)

۴- (بقره / ۱۵۲)

اجابت نماید؟ و ظرف دلی که از گناه آلوده و کثیف گردیده، در آن شیر معرفت و تقرّب و اجابت ریخته شود؟

حلال بودن غذا و طهارت باطن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «لِمَنْ قَالَ لَهُ أَحِبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي قَالَ لَهُ: طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَ لَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ» (۱)

رسول خدا در پاسخ کسی که گفت: دوست دارم دعایم مستجاب شود، فرمود: مرکز تهیه ی غذایت را پاک کن و در شکمت، حرام داخل ننما.

«أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا» (۲)

کدام یک از آنها غذای پاکیزه تری دارند.

انجام عمل صالح و نیک

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «يَا أَبَا ذَرٍّ يَكْفِي مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ مَا يَكْفِي الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ» (۳)

آن مقدار که نمک برای غذا کافی است، همان مقدار دعا در کنار کار نیکو کفایت می کند.

«وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۴)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد.

دعا برای دیگران

برای دیگران نیز دعا کنید:

ص: ۳۸

۱- [۱]- [عده الداعی / ص ۱۳۹]

۲- (کهف/ ۱۹)

۳- [أمالی طوسی / ص ۵۳۳]

۴- (شوری/ ۲۶)

قَالَ الصَّادِقُ: «مَنْ قَدَّمَ فِي دُعَائِهِ أَرْبَعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ دَعَا لِنَفْسِهِ اسْتَجِيبَ لَهُ» (۱)

یعنی هر کس پیش از دعا کردن برای خودش چهل مؤمن را دعا کند دعایش مستجاب می شود.

توبه

«وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» (۲)

و بگوئید: «خداوند! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.

باصلوات بر پیامبر و اهل بیت شروع شود

قَالَ الصَّادِقُ: «قَالَ لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (۳)

دعا همواره در پرده و حجاب است تا زمانی که بر محمد و آل او سه درود فرستاده شود.

آری به یقین یکی از دعاهای مستجاب در درگاه خداوند است و کسی که حوائج و خواسته هایش را بین دو صلوات و دعای مستجاب قرار دهد، خداوند به آن ها توجه فرموده و به استجابت نزدیک تر می شود.

حضرت رسول فرمود: «اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَ فِي آخِرِهِ وَ فِي وَسْطِهِ» (۴) مرا در اول دعا و در وسط و آخر دعا قرار دهید.

ص: ۳۹

۱- [أمالی صدوق / ۴۵۶]

۲- (بقره / ۵۸)

۳- [کافی / ج ۲ / ص ۴۹۱]

۴- [اصول کافی / ج ۲ / ص ۴۹۲]

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (۱) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

۹- اهمیت، شأن و جایگاه صلوات

اشاره

مفهوم این آیه مبارکه این است که: مقام پیامبر اسلام بقدری والا و ارجمند است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آنها گذارده شده است بر او درود می فرستند اکنون که چنین است شما مؤمنان نیز با این پیام جهان هستی، هماهنگ شوید و بر او درود بفرستید.

* در کتاب های ششگانه اهل سنت روایاتی آمده است که از پیامبر پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمودند: بگوئید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» (۲)

* رسول خدا فرمودند: «هر که در کتاب و نوشته ای بر من صلوات فرستد تا آن صلوات در نوشته باقی است، برای او پاداش خواهد بود.» (۳)

از آیه فوق استفاده میشود که:

الف: صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر دائمی است «یصلون»

ب: صلوات بر پیامبر، لازمه ایمان و از وظائف مؤمنان است.

«صلوا علیه وسلموا»

ص: ۴۰

۱- (احزاب/۵۶)

۲- [تفسیر نور/ج ۷/ص ۳۹۵]

۳- [تفسیر روح البیان]

آثار صلوات:

آثار صلوات :

* در روایات برای صلوات اهمیت، و آثار زیادی نقل شده که ما به بعضی از آنها اشاره می کنیم علاقمندان میتوانند به منابع مربوطه که در ذیل به آنها اشاره می شود مراجعه نمایند.

۱- صلوات کلید استجاب دعا است.

۲- سبب سنگین شدن میزان اعمال مؤمن در قیامت است.

۳- خداوند بر صلوات فرستنده درود فرستاده و لغزش او را می پوشاند

۴- باعث رضایت و خوشنودی خداوند می شود.

۵- باعث نورانی شدن انسان در قیامت است.

۶- باعث زدودن نفاق از دلها است.

۷- باعث ایمنی از تلخی مرگ و جان دادن است.

۸- آرامش بخش و اطمینان آور است.

۹- وسیله ی عافیت است.

۱۰- باعث قرب و نزدیک شدن به خدا و پیامبر و اهلیت است.

علامه طباطبائی در تفسیر میزان می فرماید: صلوات به معنای این است که از گلستان اهلیت گلی چیده و به خودشان هدیه دهیم.

۱۱- باعث دور شدن شیطان است.

۱۲- کفاره و ویران کننده گناهان است.

۱۳- نوری بر پل صراط در قیامت است.

۱۴- وسیله ی ایمن شدن از آتش دوزخ است.

۱۵- جبران کننده اعمال است.

۱۶- وسیله ی سنگین و زیاد شدن ثواب کار های نیک است.

۱۷- وسیله ی تأمین امور در دنیا و آخرت است.

۱۸- وسیله ی درك ظهور صاحب الزمان

۱۹- شفای دردها است.

۲۰- وسیله ی طلب آموزش فرشتگان برای انسان است.

۲۱- اکسیر احمر است.

۲۲- بهای شفاعت است.

۲۳- وسیله ی نورانی و مصفاً و استحکام روح است.

۲۴- وسیله ی اظهار دوستی و ارتباط است.

۲۵- اطاعت از امر الهی است. «صَلُّوا»

۲۶- وسیله ی همراهی با ملائکه است. «يُضَلُّون»

۲۷- اجر و ثواب فراوان دارد.

۲۸- باعث نزول رحمت الهی است.

۲۹- باعث قبولی اعمال است.

۳۰- بوی خوش مجالس است.

۳۱- خلاصی از غیبت است.

۳۲- توانگر و غنی کننده است.

۳۳- وسیله ی یاد آمدن فراموش شده است.

۳۴- وسیله ی ثابت قدم شدن بر پل صراط است.

۳۵- نور در قبر است.

۳۶- وسیله ی دفع عطش در قیامت است.

۳۷- وسیله ی نجات از ترس و نگرانی در قیامت است.

ص: ۴۲

۳۸- وسیله ی ایمنی از تلخی از مرگ است.

۳۹- وسیله ی دوری از خواری و ذلت است.

۴۰- وسیله ی زنده شدن دل است.

۴۱- نشانه دوام محبت با اهل بیت است.

۴۲- وسیله ی معطر شدن در دنیا و آخرت است. (۱)

۱۰- عوامل مستجاب نشدن دعا

گناه و معصیت

قَالَ الْبَاقِرُ: «إِنَّ الْعَبِيدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاوَهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيُذْنِبُ الْعَبِيدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلَكِ لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَاحْرِمَهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَشَتَوَجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّي» (۲)

بنده ی خدا از خدا حاجتی می خواهد و به گونه ای است که باید در زمانی نزدیک یا کمی دورتر برآورده شود اما این بنده گناهی مرتکب می شود در نتیجه، خداوند متعال به فرشته می فرماید: حاجتش را برآورده نکن و او را از آن محروم ساز زیرا او خودش را در معرض غضب من قرار داد و از جانب من مستوجب محرومیت گردید.

نبودن معرفت و شناخت به خداوند

ص: ۴۳

۱- اصول کافی جلد دوم، باب الصلاة علی النبی و اهل بیته - آثار شگفت صلوات نوشته احمد متوسل انتشارات دار الفکر -

شرح و فضائل صلوات نوشته احمد بن محمد الحسینی اردکانی، انتشارات میقات

۲- [اصول کافی/ج ۲/ص ۲۷۱]

نبودن معرفت و شناخت به خداوند

قَالَ الْكَاطِمُ: «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا قَالَ أَنْتُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» (۱)

گروهی به امام صادق گفتند: ما دعا می کنیم ولی دعای ما مستجاب نمی شود؟ فرمود: بخاطر آنکه شما کسی را می خوانید که او را نمی شناسید.

مطابقت نداشتن دعا با خیر و شر انسان

«عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ» (۲)

در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است.

استجاب دعا خلاف حکمت الهی باشد

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «إِنَّ كَرَمَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَنْقُضُ حِكْمَتَهُ فَلِذَلِكَ لَا يَقَعُ [لَا تَقَعُ] الْإِجَابَةُ فِي كُلِّ دَعْوَةٍ» (۳)

همانا کرم خدای سبحان حکمت او را برهم نمی زند، بر همین اساس است که هر دعائی به اجابت نمی رسد.

کفر به خدا و رسول خدا

«اسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (۴)

ص: ۴۴

۱- [توحید صدوق/ ص ۲۸۸]

۲- (بقره/ ۲۱۶)

۳- [غررالحکم/ ص ۱۹۳]

۴- (توبه/ ۸۰)

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند و خداوند جمعیت فاسقان را هدایت نمی کند!

۱۱- عوامل تأخیر استجاب دعا

عدم سلامت نیت

گاهی نیت انسان سالم نیست و باید نیت را اصلاح کرد:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: «لَا يُقْنَطَنَّكَ تَأْخِيرُ إِجَابَةِ الدُّعَاءِ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النَّيِّهِ» (۱)

دیر مستجاب شدن دعا تورا از رحمت خدا نومید نسازد زیرا بخشش و عطای الهی به اندازه نیت است.

خداوند دوست دارد صدای بنده خویش را بشنود.

قَالَ الصَّادِقُ: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَلَكِنْ أَحْبَسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِنْ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَجَّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أَبْغِضُ صَوْتَهُ» (۲)

یعنی هر آینه بنده دعا می کند و خداوند عزوجل به دو فرشته می فرماید: من دعای او را مستجاب کردم اما حاجتش را نگه دارید زیرا دوست دارم صدای او را بشنوم. و بنده ای دعا می کند و خدای تعالی می فرماید: زود خواسته اش را بدهید. من دوست ندارم صدای او را بشنوم.

ص: ۴۵

۱- [غررالحکم / ص ۱۹۳]

۲- [کافی / ج ۲ / ص ۴۸۹]

ای یا مخلص که نالد در دعا تا رود دود خلوصش تا سما

تا رود بالای این سقف برین بوی مجم - از این المُنْبِین

پس ملائک با خدا نالد زار کای مجیب هر دعا، وی مستجار

بنده ی مؤمن تضرع می کند او نمی داند به جز تو مستند

تو عطا بیگانگان را می دهی از تو دارد آرزو هر مشتھی

حق بفرماید که نز خواری اوست عین تأخیر عطا، یاری اوست

حاجت آوردش ز غفلت سوی من آن کشیدش موکشان در کوی من

گر برآرم حاجتش او وارود هم در آن بازیچه مست غرق شود

گرچه می نالد به جان یا مستجار دل شکسته، سینه خسته، گو بزار

خوش همی آید مرا آواز او و آن خدایا گفتن و آن راز او

گرچه حق آن است که بگوییم هیچ دعایی نیست مگر اینکه مستجاب می شود چون خداوند بدون قید و شرط می فرماید:

«اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۱) مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم. باید توجه داشته باشید که خداوند؛

الف) بخشنده است. ب) همه چیز از آن اوست. ج) بر همه چیز قدرت دارد. د) انسان را دوست می دارد.

ولی اساس کارهای خداوند بر حکمت و مصلحت است. پس بهتر است با توجه به روایات در باب استجاب دعا چنین جمع

بندی کنیم که:

الف) خداوند بر اساس حکمت آنچه را می خواهی می دهد.

ب) گاهی صلاح نیست، مشابه آن را می دهد.

ج) گاهی صلاح نیست، معادل آن بلا و گرفتاری را از انسان دور می کند.

ص: ۴۶

د) گاهی صلاح نیست به خود انسان آنچه خواسته بدهد، برای نسل و ذریه ی او مقدر می کند.

ه-) و گاهی هم صلاح نمی داند که در دنیا برآورده کند، در قیامت آنقدر به او

عطا می کند تا او را راضی کند به شکلی که بنده می گوید: «ای کاش خداوند در دنیا هیچ کدام از دعاهای مرا مستجاب نمی کرد.»

۱۲- سیمای دعا در قرآن

۱۳- سیمای آثار دعا و روایات

۱- خداوند دعوت کننده است و اجابت می کند. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۱)

۲- اوبه بندگان نزدیک است. «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» (۲)

۳- او شنوای دعای بندگان است. «إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (۳)

۴- وعده اجابت دعا فرموده خلاف وعده نمی فرماید. «إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (۴)

۵- نباید از لطف و رحمتش مأیوس شویم. «لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (۵)

۶- همه انسان ها فقیر درگاه غنای او هستند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» (۶)

۷- سرنخ هستی به دعا است. «قُلْ مَا يَعْجُزُ بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ» (۷)

ص: ۴۷

۱- - (غافر/ ۶۰)

۲- - (بقره/ ۱۸۶)

۳- - (ابراهیم/ ۳۹)

۴- - (آل عمران/ ۱۹۴)

۵- - (زمر/ ۵۳)

۶- - (فاطر/ ۱۵)

۷- - (فرقان/ ۷۷)

۸- دعا امر فطری است. «دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (۱)

۹- همه موجودات هم از او می خواهند. «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (۲)

۱۰- لطف خداوند را در همه حال فراموش نکنیم.

«فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ غُضُّوهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضَرْبٍ مِّمَّه» (۳)

۱۱- حال خردمندان در دعا است. «لَايَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (۴)

۱۲- همه چیز را از او بخواهیم.

«الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ... وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (۵)

۱۳- از او بخواهیم که عزت و قدرت از آن اوست. «وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (۶)

۱۴- اراده و خواست او حاکم است. «يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (۷)

۱۵- رو به سوی او آوریم. «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ» (۸)

۱۶- چه پناهگاهی مطمئن تر از او است؟

«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (۹)

۱۷- فقط به او تکیه کنیم. «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ» (۱۰)

ص: ۴۸

۱- -- (عنكبوت / ۶۵)

۲- -- (الرحمن / ۲۹)

۳- -- (يونس / ۱۲)

۴- -- (آل عمران / ۱۹۰ تا ۱۹۴)

۵- -- (شعرا / ۷۸ تا ۸۲)

۶- -- (آل عمران / ۲۶ و ۲۷)

۷- -- (يونس / ۱۰۷)

۸- -- (ذاریات / ۵۰)

۹- -- (نمل / ۶۲)

- ۱۸- دعا نجات بخش از غم و اندوه است. «و نَجِّينَاهُ مِنَ الْغَمِّ» (۱)
- ۱۹- دعاء دوست خدا ابراهیم «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا...» (۲)
- ۲۰- انسان در دنیا و آخرت بی نیاز از دعا نیست. «دَعَوْتُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» (۳)
- ۲۱- دعا و آخرین کلام «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۴)
- ۲۲- دعا با تضرع در خلوت «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً» (۵)
- ۲۳- دعا همراه با بیم امید «وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا» (۶)
- ۲۴- دعا همراه با ایمان و عمل «وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۷)
- ۲۵- دعا بعد از استغفار و توبه «فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ» (۸)
- ۲۶- دعای آگاهانه «وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (۹)
- ۲۷- دعا به همراه اخلاص «فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (۱۰)
- ۲۸- دعا و دل بستن به خدا «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا» (۱۱)

ص: ۴۹

۱- (انبیاء/ ۸۷ و ۸۸)

۲- (شعراء/ ۸۳ تا ۸۵ و ۸۷ تا ۸۹)

۳- (یونس/ ۱۰)

۴- (صافات/ ۱۸۰ تا ۱۸۲)

۵- (اعراف/ ۵۵)

۶- (اعراف/ ۵۶)

۷- (شوری/ ۲۶)

۸- (هود/ ۶۱)

۹- (اسراء/ ۱۱)

۱۰- (غافر/ ۶۵)

۱۱- (مزمّل/ ۸ و ۹)

۲۹- دعا و اقرار به گناه «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ» (۱)

۳۰- دعا و طلب استغفار «فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ» (۲)

۳۱- دعا به همراه اصرار، تکرار، استمرار «وَ اذْعُوْا رَبِّيْ عَسَىٰ اَلَّا اَكُوْنَ بِدُعَاءِ رَبِّيْ شَقِيًّا» (۳)

۳۲- زمان دعا «تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ» (۴)

۳۳- دعا به همراه اسماء الهی «وَلِلّٰهِ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا» (۵)

۳۴- وسیله دعا «وَ اِتَّغُواْ اِلَيْهِ الْوَسِيْلَةَ» (۶)

۳۵- نزول باران با دعا «اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْنَكُمْ مَدْرَارًا» (۷)

۳۶- جلب اموال و فرزندان و باغ های سرسبز با دعا

«وَ يَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَّكُمْ اَنْهَارًا» (۸)

۱۳- سیما و آثار دعا در روایات

۱۳- سیما و آثار دعا در روایات

۱- کسی که به دعا موفق شود، از اجابت محروم نمی گردد.

۲- کسی که خدا را اطاعت کند، خدا هم دعای او را اجابت فرماید.

۳- کسی که قطع رحم نکند، خداوند دعای او را اجابت فرماید.

۴- از دعا کردن ملول و خسته نشوید، خداوند او را در جایی به حساب می آورد.

ص: ۵۰

۱- (قصص/۱۶)

۲- (آل عمران/۱۶)

۳- (مریم/۴۸)

۴- (سجده/۱۶ و ۱۷)

۵- (اعراف/۱۸۰)

۶- (مائده/۳۵) - از شماره ۱ تا ۳۴ با استفاده از کتاب آیه های زندگی، جلد دوم

٧- (نوح/١١)

٨- (نوح/١٢)

۵- کسی که درب خانه ی خدا را بکوبد، خداوند درب را بر روی او می گشاید.

۶- هیچ کس با دعا به هلاکت نرسید.

۷- خداوند بنده اش را در حال دعا کردن دوست می دارد.

۸- زمانی که دعاها کم شود، بلاء نازل می شود.

۹- دعاء سلاح اولیاء خداوند است.

۱۰- دعاء کلید خوشبختی است.

۱۱- دعاء کلید رحمت و چراغ زاهدان است.

۱۲- دعاء از تیرهای آهنین نافذتر است.

۱۳- دعاء مخ عبادت است.

۱۴- دعاء سپر مؤمن است.

۱۵- دعاء شفاء درد است.

۱۶- دعاء در سختی و راحتی سزاوار و شایسته است.

۱۷- دعاء قضاء را تغییر می دهد.

۱۸- با دعاء بلاها رفع می شود.

۱۹- دعاء و شکایت را به نزد کسی ببر که قدرت بر اجابتش دارد.

۲۰- دعاء نور زمین و آسمان است.

۲۱- برای تعجیل فرج زیاد دعاء کنید.

۲۲- عاجزترین مردم کسی است که در دعاء عاجز باشد.

۲۳- دعاء صدقه است.

۲۴- هر کس غیر خدا را بخواند، مستحق محروم شدن است.

۲۵- در دعاء کردن و خواستن اصرار کنید که خداوند دوست می دارد.

۲۶- کسی که بر کوییدن درب اصرار کند، موفق می شود.

ص: ۵۱

- ۲۷- به هنگام قرائت قرآن و اذان و باران و شهادت دادن برای مظلوم، دعاء مستجاب است.
- ۲۸- بین نمازها و بعد از نمازها دعاء مستجاب می شود.
- ۲۹- بعد از ده مرتبه «یا الله» و «یا رب» دعاء مستجاب می شود.
- ۳۰- بعد از «یا رب» در سجده دعاء مستجاب می شود.
- ۳۱- بعد از دو رکعت نماز در مسجد دعاء مستجاب می شود.
- ۳۲- بعد از صلوات بر محمد آتش، دعاء مستجاب می شود.
- ۳۳- بعد از اسماء حسناى الهی، دعاء مستجاب است. (اسماء الهی در صفحه ی ... ذکر شده است.)
- ۳۴- بعد از اسماء ائمه، دعاء مستجاب است.
- ۳۵- در مسجد الحرام و به خصوص در رکن یمانی، دعاء مستجاب است.
- ۳۶- در اماکن متبرکه و زیارات ائمه علیهم السلام، دعاء مستجاب است.
- ۳۷- در زمان های مبارک و عزیز مثل ظهر روز جمعه و آخر شب قبل از طلوع فجر، روز عرفه، شب جمعه، به هنگام افطار، هنگام جهاد در راه خدا، هنگام عیادت مریض و گرفتار دعاء مستجاب است.
- ۳۸- دعاء بهترین عبادت است.
- ۳۹- دعاء سلاح مؤمن است.
- ۴۰- بهترین اعمال نزد خداوند در زمین دعاء است.
- ۴۱- بهترین دعاء استغفار است.
- ۴۲- دعای پنج گروه از درگاه خداوند رد نمی شود. (پیشوای عادل، مظلوم، پدر برای فرزند، مؤمن برای برادر دینی اش)
- ۴۳- نیمی از همه ی نیکی ها دعاست.
- ۴۴- دعا بیش تر علامت خداشناس تر است.

۴۵- امیرالمؤمنین علی مردی بود که بسیار دعا می کرد.

۴۶- دعا کلید رستگاری است.

* دعاهایی که رد می شود.

۱- کسی که عاق والدین است.

۲- گناهکار

۳- حرام خور

۴- کسی که قساوت دارد.

۵- خانه ای که غنا خوانده شود.

۶- شرابخوار

۷- دعاء کننده ی بدون عمل

۸- ستمگر

۹- بدعت گزار

۱۰- در جامعه ای که زنا ظاهر شود.

۱۱- در جامعه ای که ستمگران حاکم شوند.

۱۲- در جامعه ای که در امر به معروف و نهی از منکر سهل انگاری شود.

۱۳- مردی که در خانه بنشیند و طلب روزی کند.

۱۵- دعاء طلب روزی بعد از بخشش و انفاق به غیر از مسیر خودش.

۱۶- دعایی که قبل از آن تمجید خداوند نباشد. (۱)

ص: ۵۳

دعاهای آسمانی دعاهایی است که در متن کلام الهی، آیات قرآن مطرح شده و توجه به مفاهیم و معانی آن ها ارزشمند بوده و در حقیقت به ما یاد می دهد که چه چیزهایی را از خدا بخواهیم.

«انتخاب راه»

(رَبَّنَا) «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» {فاتحه/۶}

(پروردگارا!) ما را به راه راست هدایت فرما.

نکته ها:

در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف: هدایت تکوینی، نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت های زمستانی و تابستانی. آنجا که قرآن می فرماید: «رَبَّنَا اَلَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰) بیانگر این نوع از هدایت است.

ب: هدایت تشریحی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.

کلمه ی «صراط» («صراط» در قیامت نام پلی است بر روی دوزخ که همه ی مردم باید از روی آن عبور کنند.) بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده است. انتخاب راه و خط فکری صحیح، نشانه ی شخصیت انسان است.

ص: ۵۴

راه های غیرالهی متعددی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

* راه خواسته ها و توقعات های خود.

* راه انتظارات و هوس های مردم.

* راه وسوسه های شیطان.

* راه طاغوت ها.

* راه نیاکان و پیشینیان.

* راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می کند که بر دیگر راه ها امتیازاتی دارد:

الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه های طاغوت ها و هوس های مردم و هوس های شخصی که هر روز تغییر می کنند.

ب: یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه های دیگر متعدد و پراکنده اند.

ج: در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د: در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

راه مستقیم، راه خداست. «انّ ربّی علی صراطٍ مستقیم»^(۱)

* راه مستقیم، راه انبیاست. «انّک لَمِنَ المرسلین علی صراطٍ مستقیم»^(۲)

* راه مستقیم، راه بندگی خداست. «و أن اعبدونى هذا صراط مستقیم»^(۳)

ص: ۵۵

۱- (هود/۵۶)

۲- (یس/۳-۴)

۳- (یس/۶۱)

* راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. «مَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱)

* راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست. (بنا بر اینکه الف و لام در «الصراط» اشاره به همان راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد).

* راه مستقیم، کتاب خداوند است. (۲)

* راه مستقیم، راه فطرت سالم است. (۳)

انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد. مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می گیرد. «اهدنا الصراط المستقیم»

راه مستقیم بودن، تنها خواسته ای است که هر مسلمان، روزی حداقل ده بار در نمازها از خداوند طلب می کند، حتی رسول الله و ائمه اطهار از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می خواهند.

انسان باید همواره، در هر نوع از کارهای خویش، اعم از انتخاب شغل، دوست، رشته ی تحصیلی و همسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد. زیرا چه بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس. پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

راه مستقیم مراتب و مراحل دارد. حتی کسانی که در راه حق هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیاد شدن نور هدایت، دعا کنند. «وَالَّذِينَ اهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى» (کسی که می گوید «الحمد لله رب العالمین الرحمن

ص: ۵۶

۱- - (آل عمران/۱۰۱)

۲- - [بنا بر روایتی در تفسیر مجمع البیان/ ج ۱/ ص ۵۸]

۳- - [بنا بر روایتی از امام صادق(ع) در تفسیر صافی/ ج ۱/ ص ۸۶]

الرّحيم...» مراحلی از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.)

راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی می فرماید: «اليمين و الشمال مضله و الطريق الوسطی هی الجاده» (1) انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده ی هدایت است.

راه مستقیم یعنی میانه روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می پندارد. یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می داند و دیگری حتی به درخت و دیوار، متوسل شده و ریسمان می بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می انگارد.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می فرستد. یکی بخل می ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج می دهد. یکی از خلق جدا می شود و دیگری حقّ را فدای خلق می کند.

اینگونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم معرفتی می کند. «قل انّی هدانی ربّی الی

ص: ۵۷

صراط مستقیم»(۱) در روایات آمده است که امامان معصوم می فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.(۲) یعنی نمونه ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ... ، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.(در این باره می توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.) جالب آنکه ابلیس در همین صراط مستقیم به کمین می نشیند. شیطان به خدا گفت: «لأقعدنَّ لهم صراطك المستقیم»(۳)

در قرآن و روایات، نمونه های زیادی آمده که در آنها به جنبه ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجه کنید:

* «كلوا و اشربوا و لاتسرفوا»(۴) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.

* «لا تجعل يدك مغلولة الى عنقك و لاتبسطها كل البسط»(۵) در انفاق، نه دست بر گردن قفل کن - دست بسته باش - و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.

* «الذین اذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواماً»(۶) مومنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه رو هستند.

ص: ۵۸

۱- - (انعام/۱۶۱)

۲- - [تفسیر نورالثقلین/ ج ۱/ ص ۲۰]

۳- - (اعراف/۱۶)

۴- - (اعراف/۳۱)

۵- - (اسراء/۲۹)

۶- - (فرقان/۶۷)

- * «لا تجهر بصلاتك و لاتخافت بها وابتغ بين ذلك سيلاً» (۱) نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته، بلکه با صدای معتدل بخوان.
- * نسبت به والدین احسان کن؛ «و بالوالدین احساناً» (۲) امّا اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. «ان جاهداک علی ان تشرک بی... فلا تطعهما» (۳)
- * پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ «و کان رسولاً نبیاً» (۴) و هم خانواده خویش را دعوت می کند. «و کان یأمر أهله بالصّلاه» (۵)
- * اسلام هم نماز را سفارش می کند که ارتباط با خالق است؛ «اقیموا الصّلاه» و هم زکات را توصیه می کند که ارتباط با مردم است. «اتوا الزکاه» (۶)
- * نه محبت ها شما را از گواهی حقّ منحرف سازد؛ «شهداء لله و لو علی انفسکم» (۷) و نه دشمنی ها شما را از عدالت دور کند. «و لا یجرمنکم شتتان قوم» (۸)
- * مؤمنان هم دافعه دارند؛ «أشداء علی الکفار» و هم جاذبه دارند. «رحماء بینهم» (۹)

ص: ۵۹

۱- - (اسراء / ۱۱۰)

۲- - (بقره / ۸۳)

۳- - (لقمان / ۱۵)

۴- - (مریم / ۵۱)

۵- - (مریم / ۱۵)

۶- - (بقره / ۴۳)

۷- - (نساء / ۱۳۵)

۸- - (مائده / ۸)

۹- - (فتح / ۹)

* هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ «امنوا» و هم عمل صالح. «عملوا الصالحات» (۱)

* هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ «رَبَّنَا افرغ علينا صبراً» (۲) و هم صبوری و پایداری در سختی ها. «عشرون صابرون يغلبوا مأتین» (۳) شب عاشورا امام حسین هم مناجات می کرد و هم شمشیر تیز می کرد.

* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه ی خدا دعا می خواند و روز عید باید در قربانگاه با خون آشنا شود.

* اسلام مالکیت را می پذیرد، «الناس مسلطون علی اموالهم» (۴) ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نمی دهد و آن را محدود می سازد. «لا ضرر و لا ضرار» (۵)

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه ای توجه کند و جوانب دیگر را فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال و میانه روی و راه مستقیم را سفارش می کند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- همه ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا! ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. «اهدنا الصراط المستقیم»

۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم ترین خواسته ی یکتاپرستان است. «ایاک نعبد ... اهدنا الصراط المستقیم»

۳- برای دست یابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. «اهدنا الصراط المستقیم»

ص: ۶۰

۱- (بقره/ ۲۵)

۲- (بقره/ ۲۵۰)

۳- (انفال/ ۶۵)

۴- [بحار/ ج ۲ / ص ۲۷۲]

۵- [کافی/ ج ۵ / ص ۲۸]

۴- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. «الحمد لله... اهدنا»

۵- بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. «ایاک نستعین، اهدنا الهدى الصراط المستقیم»

الهی کیست که موفق بزیارت جمال دل آرایت شد و شیدایت نشد.

ص: ۶۱

«...رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» {بقره آیه ۱۲۷}

... پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بنیان کارهای نیک را فراموش نکنیم. «اذیرفع» «اذ» یعنی گذشته را یاد کن.

۲- در مسیر اهداف الهی، کار بنایی و کارگری نیز عبادت است. لذا از خداوند قبولی آنرا می خواهند. «یرفع ابراهیم القواعد... ربنا تقبل منا»

۳- کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیت دارد. حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. «ربنا تقبل»

۴- کارهای خود را در برابر عظمت خداوند، قابل ذکر ندانیم. حضرت ابراهیم نامی از کار و بنایی خود نبرد و فقط گفت: «ربنا تقبل منا»

۵- در روایات آمده است: از شرایط استجاب و آداب دعا، ستایش خداوند است. ابراهیم دعای خود را با ستایش پروردگار همراه ساخته است. «انک انت السميع العليم»

«الهی در صورت انبیایم داشتی، در سیرت آنانم هم مدار»

«تسلیم بودن و توجه به ذریه و نسل»

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» {بقره/۱۲۸}

پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرارده و از نسل ما (نیز) امتی که تسلیم تو باشند قرارده و راه و روش پرستش را به ما نشان ده و توبه ی ما را بپذیر، که همانا تو، توبه پذیر مهربانی.

نکته:

با آنکه حضرت ابراهیم و اسماعیل هر دو در اجرای فرمان ذبح (قربانی کردن ابراهیم اسماعیل را)، عالی ترین درجه تسلیم در برابر خدا را به نمایش گذاردند، اما با این همه در این آیه از خداوند می خواهند که ما را تسلیم فرمان خودت قرارده. گویا از خداوند تسلیم بیشتر و یا تداوم روحیه تسلیم را می خواهند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- به کمالات امروز خود قانع نشوید، تکامل و تداوم آنرا از خدا بخواهید. «ربنا و اجعلنا مسلمین لک»

۲- توجه به نسل و فرزندان، یک دورنگری عاقلانه و خداپسندانه است که حاکی از وسعت نظر و سوز و عشق درونی است و بارها در دعاهای حضرت ابراهیم آمده است. «ومن ذریتنا»

ص: ۶۳

۳- راه و روش بندگی را باید از خدا آموخت و گرنه انسان گرفتار انواع خرافات و انحرافات می شود. «أرنا مناسکنا»

۴- تا روح تسلیم نباشد، بیان احکام سودی نخواهد داشت. در اینجا ابراهیم علیه السلام ابتدا از خداوند روح تسلیم تقاضا می کند، سپس راه و روش عبادت و بندگی را می خواهد. «واجعلنا مسلمین لک... ارنا مناسکنا»

۵- نیاز به توبه و بازگشت الطاف الهی، در هر حال و برای هر مقامی، ارزش است. «تب علینا» در حدیث می خوانیم: رسول اکرم هر روز، هفتاد مرتبه استغفار می نمود، با اینکه او معصوم بود و هیچ گناهی نداشت.

۶- یکی از آداب دعا، ستایش پروردگار است که در این آیه نیز به چشم می خورد. «التواب الرحیم»

«الهی آنکس تاج عزت بر سر دارد که حلقه ی اردت را در گوش و طوق عبودیت را در گردن»

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» {بقره / ۲۰۱}

پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار.

نکته ها

یکی از راههای شناخت مردم، آشنایی با آرزوها و دعاهای آنان است. در آیه قبل، درخواست گروه اول از خداوند مربوط به دنیا است و کاری به خیر و شر آن ندارند، ولی در این آیه درخواست گروه دوم از خداوند، «حسنة» است در دنیا و آخرت. در دیدگاه گروه اول؛ دنیا به خودی خود مطلوب است، ولی در دید گروه دوم؛ دنیایی ارزشمند است که حسنه باشد و به آخرت منتهی گردد.

در روایات نمونه ها و مصادیقی برای نیکی های دنیا و آخرت نقل شده است (۱)، ولی «حسنة» در انحصار چند نمونه نیست.

در قرآن مجید ۱۱۵ مرتبه کلمه ی «دنیا» بکار رفته و ۱۱۵ مرتبه کلمه «آخرت» استعمال شده است و این یک تصادف نیست. البته این به معنای آن نیست که اهمیت دنیا و آخرت هر دو یکسان است.

ص: ۶۵

در دعاها، هدف های کلی مطرح شود و تعیین مصداق به عهده خداوند گذاشته شود. ما از خداوند حسنه و سعادت می خواهیم، ولی در اینکه رشد و صلاح ما

در چیست؟ آنرا به عهده ی خداوند می گذاریم. چون ما به خاطر محدودیت های علمی و عدم آگاهی از آینده و ابعاد روحی خودمان، نمی توانیم مصداق جزئی را تعیین بنمائیم. به همین جهت توصیه شده است از خداوند وسیله کار را نخواهید، خود کار را بخواهید. زیرا ممکن است خداوند از وسیله ی دیگری که به فکر و ذهن ما نمی آید، کاری را برای ما محقق سازد. مثلاً از خداوند توفیق زیارت حج را بخواهید، اما نگوئید: خدایا مالی به من بده تا به مکه بروم. چون خداوند گاهی سبب را به گونه ای قرار می دهد که ما فکر آن را نمی کردیم.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- دنیا و آخرت با هم منافاتی ندارند، به شرط آنکه انسان به دنبال حسنه و نیکی باشد. «فی الدنيا حسنه و فی الاخره حسنه»

۲- هر رفاهی مذموم نیست، بلکه زندگانی نیکو، مطلوب نیز هست. «ربنا اتنا فی الدنيا حسنه»

۳- دوزخ، حساب جدایی دارد. با اینکه از خداوند نیکی آخرت را می خواهند، ولی برای نجات از آتش، جداگانه دعا می کنند. [در دعاها برای نجات از آتش، اصرار و تکرار عجیبی است. مثلاً در دعای مجیر حدود هفتاد بار می خوانیم: «اَجْرنا مِنَ النارِ يا رَبِّ» پروردگارا! ما را از آتش جهنم نجات بده. و یا در دعای جوشن کبیر که صد بند دارد در پایان هر بند آن می گوئیم: «خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يا رَبِّ»] «قنا عذاب النار»

الهی عاقبت چه خواهد شد و با ابد چه باید کرد؟

ص: ۶۷

«رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» {بقره/ ۲۵۰}

پروردگارا صبر و شکیبایی بر ما فرو ریز و قدم های ما را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

- ۱- همیشه و به خصوص در جبهه ها، دعا همراه با حرکت لازم است، نه دعا به جای حرکت. «برزوا لجالوت... ربنا افرغ...»
- ۲- صبر و پیروزی، ملازم یکدیگرند. در اثر صبر، ظفر آید. «صبراً... وانصرنا»
- ۳- دعاهای خود را با «ربنا» آغاز کنیم. «ربنا افرغ...»
- ۴- در شداید، انسان به صبر بسیار محتاج است. «افرغ» به معنای نزول فراوان است. از نظر ادبی کلمه «صبراً» که در قالب «نکره» آمده است نشانه ی درخواست صبر بزرگ است.
- ۵- پشت سر گذاشتن امتحانات و موفقیت در آنها شما را مغرور نکند، باز هم از خداوند استمداد نمائید. «ثبت اقدامنا»
- ۶- وظیفه انسان، حرکت و تلاش است، اما پیروزی بدست خداست. «وانصرنا»
- ۷- پیروزی در جنگ، زمانی با ارزش است که هدف رزمندگان برتری حق بر باطل باشد، نه برتری یکی بر دیگری. «وانصرنا علی القوم الکافرین»

الهی عاشق را ترک ما سوای معشوق عین فرض است که یک دل و دو معشوق کذب محض است.

ص: ۶۹

«رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ
اعْفُ عَنَّا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» {بقره/۲۸۶}

پروردگارا! اگر (در انجام تکالیف چیزی را) فراموش یا خطا نمودیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگین بر ما قرار
مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی. پروردگارا! آنچه را (از مجازات) که
طاقة تحمل آنرا نداریم، بر ما مقرر نکن و از ما در گذر و ما را بیامرز و در رحمت خود قرارده، تو مولی و سرپرست مایی،
پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

نکته ها

گاهی منشا فراموشی، سهل انگاری خود انسان است که قابل مؤاخذه می باشد. چنانکه خداوند می فرماید: «كَذَلِكَ أَتَتْكَ
آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تَنسَى» (۱) آن چنانکه آیات ما بر تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، همانگونه امروز نیز تو به
فراموشی سپرده می شوی. لذا در این آیه از فراموش کاری در کنار خطا کاری، طلب آمرزش می شود. در ضمن از مجازات
های سنگین که در اثر طغیان و فساد امت های پیشین بر آنها تحمیل شد، درخواست عفو می شود.

ص: ۷۰

در این آیه انسان تمام مراحل لطف را از خداوند می‌خواهد: مرحله اول عفو است که محو آثار گناه و عقاب است. مرحله دوم مغفرت و محو آثار گناه از روح است و مرحله سوم بهره‌گیری از رحمت پروردگار و پیروزی بر کافران می‌باشد.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- تکالیف الهی، بیش از توان انسان نیست. «لا یكلف الله نفساً الا وسعها»

اسلام، دین آسانی است، نه سخت‌گیری.

۲- اعمال ما آثاری دارد که بازتابش به خود ما برمی‌گردد.

«لها ما کسبت وعلیها ما...»

۳- انسان، آزاد و صاحب اختیار است. «لها ما کسبت»

۴- انجام یا ترک دستورات الهی، سود و ضررش برای خود ماست. «لها... علیها»

۵- کسانی که می‌گویند: «سَمِعْنَا وَاطَعْنَا» و سراپا عادل و متقی هستند، بازهم از خطا و نسیان‌های خود نگرانند و دعا می‌کنند. «ان نسینا او اخطأنا»

۶- به تاریخ گذشتگان و حوادث تلخ آنان بنگریم تا درس عبرت گرفته و به خدا پناه ببریم. «کما حَمَلْتَهُ عَلَی الذِّینِ مِنْ قَبْلِنَا»

۷- آداب دعا آن است که ابتدا به ضعف خود اقرار کنیم؛ «لا- طاقه لنا» سپس به عظمت خداوند گواهی دهیم؛ «انت مولینا» آنگاه خواست خود را مطرح کنیم. «واعف عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا»

۸- پیروزی اسلام بر کفر، خواسته دائمی مؤمنان است. «فَأَنْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِينَ»

الهی شکر که پیرنا شده استغفار کردم که استغفار پیر استهزاء را ماند.

«رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» {آل عمران/۸}

پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی، دل‌های ما را به باطل مایل مگردان و از سوی خود ما را رحمتی ببخش. به راستی که تو خود بسیار بخشنده‌ای.

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که:

۱- به علم و دانش خود مغرور نشویم، از خداوند هدایت بخواهیم.

«رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا...»

۲- نشانه‌ی علم واقعی و رسوخ در علم، توجه به خدا و استمداد از اوست. «الْأَلْسِنُ فِي الْعِلْمِ... رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا»

۳- محور هدایت و گمراهی، قلب و افکار انسانی است. «لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا»

۴- در خط قرار گرفتن خیلی مهم نیست، از خط خارج نشدن بسیار اهمیت دارد. «بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا...»

۵- هدیه و هبه‌ی دائمی و بی‌منت، مخصوص خداوند است.

«أَنْتَ الْوَهَّابُ»

الهی حشر با عالم خیال که اینقدر لذیذ است حشر با عالم عقل چه خواهد بود.

«رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» {آل عمران/۹}

پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گرد آوری. همانا خداوند وعده ی خود را تخلف نمی کند.

نکته ها

کسی که به قیامت ایمان دارد؛ «لیوم لاریب فیه» نگران بد عاقبت شدن خود می شود و از خداوند استمداد می کند.

منشأ خُلف وعده، غفلت، عجز، ترس، جهل و یا پشیمانی است که هیچ کدام از اینها در ذات مقدّس الهی راه ندارد. «لایخلف المیعاد»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- راسخان در علم، به آینده و قیامت چشم دوخته اند. «انک جامع الناس لیوم...»

۲- توجه به حالات روحی در دنیا؛ «لاترغ قلوبنا» (۱) و پاسخگویی به اعمال در آخرت، نشانه ی دانشمندان واقعی است. «لیوم لاریب فیه»

ص: ۷۳

۳- روز قیامت، هم روز جمع است که مردم یکجا برای حسابرسی جمع می شوند؛ «جامع الناس» و هم روز فصل است که بعد از محاکمه، هر یک جداگانه به جایگاه خود می روند. «انّ يوم الفصل كان ميقاتاً» (۱)

۴- راسخان در علم به قیامت یقین دارند، «لاریب فیه» چون به وفای خداوند یقین دارند. «لا یرخلف المیعاد»

الهی راز دل را نهفتن دشوار است و گفتن دشوارتر.

ص: ۷۴

«رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» {آل عمران/ ۱۶}

پروردگارا! براستی که ما ایمان آورده ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش حفظ فرما.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- متقین، همواره در انابه و دعا هستند. «يقولون»

۲- ایمان، زمینه ی عفو الهی است. «آمنا فاغفرلنا»

۳- عفو، از شئون ربوبیت و لازمه ی تربیت است. «ربنا... فاغفرلنا»

۴- ترس از قهر و عذاب خداوند، از نشانه های تقواست. «قنا عذاب النار»

۵- به کارهای خوبتان اعتماد نکنید. با آنکه اهل تقوا هستید، باز هم از قهر الهی باید ترسید. «قنا عذاب النار»

الهی کی الله گفت و لبیک نشنید.

{ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ } آل عمران / ۳۸

پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- حالات انسان و ساعات دعا، در استجابت آن مؤثر است. «هنالک دعا زکریا»

۲- غبطه خوردن کمال، ولی حسد ورزیدن نقص است. (زکریا با دیدن مقام مریم شیفته شد و غبطه خورد و دست به دعا برداشت. «هنالک دعا»)

۳- زن می تواند پیامبر خدا را تحت تأثیر قرار دهد. «هنالک دعا زکریا»

۴- مشاهده ی کمالات دیگران، زمینه ی درخواست کمالات و توجّه انسان به خداوند است. «هنالک دعا زکریا»

۵- درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست. «هب لی... ذریه طیبه»

۶- ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آنهاست. «ذریه طیبه»

۷- در دعا باید از خداوند تجلیل کرد. «انک سمیع الدعاء»

آن که کشتزارش را وجین نکند، از گیاه هرزه آزار بیند.

{ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ } آل عمران/ ۵۳

پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای ایمان آورده ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- لازمه ی ایمان، اطاعت از پیامبر است. «آمنّا... واتبعنا الرسول»

۲- ایمان به تمام دستورات الهی لازم است. «بما انزلت»

۳- از خداوند بخواهیم که ایمان ما را تثبیت کرده و ما را از حامیان انبیا قرار دهد. «فاكتبنا مع الشاهدين»

الهی سر در راه سردار دادن آسان است و دل بدست دلدار دادن دشوار، که آن جهاد اصغر است و این اکبر.

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ تَبَيَّثْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْكَافِرِينَ» { آل عمران/۱۴۷ }

پروردگارا گناهانمان و زیاده روی هایمان را در کارمان ببخش و گام های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- یکی از عوامل شکست در جنگ، گناه و اسراف است. رزمندگان مخلص، با استغفار این موانع پیروزی را از بین می برند.
«اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا»

۲- شکست خود را به قضا و قدر و یا دیگران نسبت ندهید، به قصورها و تقصیرهای خود نیز توجه داشته باشید. «ذنوبنا و اسرافنا»

۳- اول استغفار، بعد استنصار. ابتدا طلب آموزش کنید، سپس از خداوند پیروزی بخواهید. «اغفر لنا... وانصرنا»

۴- بجای تسلیم در برابر دشمن، در پیشگاه خداوند اظهار ذلت نمایید. «و ما استکانوا...ربنا اغفر لنا...»

۵- صحنه های جهاد و جنگ، انسان را به سوی دعا و استغفار می کشاند. «و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا»

۶- مردان خدا، نصرت و یاری خدا را برای نابودی کفر می خواهند، نه برای کسب افتخار خود. «وانصرنا علی القوم الکافرین»

۷- بر لطف خداوند تکیه کنید، نه بر نفرت خود. «رَبِّیون کثیر... رَبَّنَا... انصرنا»

الهی هر که را می بینم با خودند مرا با خودت دار.

ص: ۷۹

«رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُجْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» {آل عمران/ ۱۹۱}

پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

- ۱- نشانه ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «اولوا الالباب الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم»
- ۲- اهل فکر، باید اهل ذکر باشند. «اولوا الالباب الذین یذکرون ... و یتفکرون»
- ۳- ایمان بر اساس فکر و اندیشه ارزشمند است. «یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً»
- ۴- ایمان و اعتراف با تمام وجود ارزش دارد. نباید به اعتراف زبانی اکتفا کرد. «یتفکرون... ربنا ما خلقت...»
- ۵- ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند. «یذکرون... یتفکرون»
- ۶- آنچه سبب رشد و قرب است، ذکر و فکر دائمی است نه موسمی. «یذکرون» و «یتفکرون» (فعل مضارع اند که نشان استمرار است).

۷- شناختِ حسی طبیعت کافی نیست، تعقل و تفکر لازم است. «یتفکرون فی خلق السموات والارض»

۸- کسی که در آفرینش آسمان ها و زمین فکر کند، پی می برد که خالق هستی، پروردگار ما نیز هست. «یتفکرون... ربنا»

۹- آفرینش بیهوده نیست، گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم.

«ما خلقت هذا باطلاً»

۱۰- اول تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان، آنگاه دعا و مناجات.

«یتفکرون... ربنا... فقنا»

۱۱- اگر هستی بیهوده و باطل نیست، ما هم نباید بیهوده و باطل باشیم.

«ما خلقت هذا باطلاً... فقنا عذاب النار»

۱۲- هستی هدفدار است، پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ نزدیک می شویم. «فقنا عذاب النار»

۱۳- قبل از دعا، خدا را ستایش کنیم. «سبحانک فقنا...»

۱۴- ثمره ی عقل و خرد، ترس از قیامت است.

«اولوا الالباب... فقنا عذاب النار»

الهی آنکه در نماز جواب سلام نمیشنود هنوز نماز گذار نشد ما را با نماز گذاران بدار.

«رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» {آل عمران/۱۹۲}

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمال بدش) به دوزخ افکنی، پس بی شک او را خوار و رسوا ساخته ای و برای ستمگران هیچ یاورانی نیست.

نکته:

از امام باقر درباره ی «و ما للظالمین من انصار» سؤال کردند، حضرت فرمودند: یعنی آنها امامانی ندارند تا آنان را به نام بخوانند، (و از آنان شفاعت کنند). (۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- آتش قیامت سخت است، اما نزد صاحبان اندیشه که خواهان کرامت انسان هستند خواری و رسوایی قیامت، دردناک تر از آن است. «من تدخل النار فقد اخزيت»

۲- ستمگران، از شفاعتِ دیگران محروم هستند. «ما للظالمین من انصار»

بگشای دری که در گشاینده تویی بنمای رهی که ره نماینده تویی

الهی وای بر من اگر دانشم رهنم شود و کتابم حجابم.

ص: ۸۲

«رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» { آل عمران/ ۱۹۳ }

پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که (می گفت): به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را بیامرز و زشتی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران.

نکته ها

شاید مراد از «ذنوب» گناهان کبیره باشد و مراد از «سیئات» گناهان صغیره، چنانکه در آیه ی شریفه «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم...» (۱) «سیئات» در برابر «کبائر» آمده است. و ممکن است مراد از «سیئات» آثار گناه باشد.

در برابر خردمندانی که دعوت ایمان را اجابت کرده و می گویند: «سَمِعْنَا»، افرادی هستند که نسبت به این دعوت بی اعتنایی می کنند و در قیامت با حسرت تمام می گویند: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خردمندان، آماده ی پذیرش حق هستند و در کنار پاسخگویی به ندای فطرت، به ندای انبیا، علما و شهدا پاسخ می دهند.

ص: ۸۳

۱- - (نساء / ۳۱)

۲- - (ملک / ۱۰)

«أنا سمعنا منادياً ينادي للإيمان...»

۲- استغفار و اعتراف، نشانه‌ی عقل است. «اولوالالباب... ربّنا فاغفر لنا»

۳- از آداب دعا که زمینه‌ی عفو الهی را فراهم می‌کند، توجه به ربوبیت الهی است. «ربّنا فاغفر لنا»

۴- ایمان، زمینه‌ی دریافت مغفرت است. «امنا، فاغفر لنا»

۵- دیگران را در دعای خود شریک کنیم. «فاغفر لنا»

۶- پرده پوشی و عفو، از شئون ربوبیت و از شیوه‌های تربیت است.

«ربّنا... کفرعنا»

۷- مرگ انسان با اراده الهی است. «توفّنا»

۸- خردمندانِ دورانِ دیش، مرگ با نیکان را آرزو می‌کنند و به فکر حسن عاقبت هستند. «توفّنا مع الابرار»

۹- ابرار مقامی دارند که خردمندان آرزوی آن را می‌کنند.

«اولوالالباب... توفّنا مع الابرار»

الهی آنکه ترا دوست دارد چگونه با خلقت مهربان نیست.

{ رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ } آل عمران/۱۹۴

پروردگارا! آنچه را به واسطه ی پیامبرانت به ما وعده داده ای، به ما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت خوار مساز، که البته تو خلاف وعده انجام نمی دهی.

نکته ها

در چند آیه قبل از این، خداوند متعال مسیر رشد خردمندان و صاحبان اندیشه را این گونه ترسیم می کند: یاد خدا، فکر، رسیدن به حکمت، تسلیم انبیا شدن، استغفار، خوب مردن، در انتظار الطاف الهی و نجات از رسوایی و خواری.

در آیات قبل ایمان خردمندان به خداوند و قیامت مطرح بود و در این آیه ایمان به نبوت نیز مطرح شده است. «ما وعدتنا علی رسلک»

و تکرار «ربنا» در سخنان آنها، نشان شیفتگی آنان به ربوبیت الهی است.

خردمندان، هم عزت دنیا را می خواهند و هم عزت آخرت را.

جمله ی «آتنا ما وعدتنا علی رسلک» مربوط به دنیاست که خداوند وعده نصرت به اهل حق داده است: «أنا لننصر رسلنا» (۱) و جمله ی «ولا تخزنا» مربوط به عزت در آخرت است.

ص: ۸۵

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- وفای به وعده، از شئون ربوبیت الهی است. «ربنا اتنا ما وعدتنا»

۲- گرچه خداوند به وعده های خود وفا می کند، لکن ما نیز باید دعا کنیم.

«اتنا ما وعدتنا»

۳- خردمندان به همه ی انبیا و همه وعده های الهی ایمان دارند.

«ما وعدتنا علی رسلک»

۴- نهایت آرزوی خردمندان، رسیدن به الطاف الهی و نجات از دوزخ و رسوایی در قیامت است. «اتنا ما وعدتنا، ولاتخزنا یوم القیمه»

۵- بیم و امید (خوف و رجاء) باید در کنار هم باشد.

«اتنا ما وعدتنا... ولاتخزنا»

الهی دندان دادی نان دادی، جان دادی جانان بده.

ص: ۸۶

«رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» {نساء/۷۵}

پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما.

نکته:

آیه درباره ی مسلمانانی است که تحت فشار و شکنجه ی مردم مکه قرار داشتند. و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده اند، نکوهش می کند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- سرپرستی و ولایت بر مسلمانان باید از طرف خدا باشد. «من لدنک ولیاً»

۲- در جامعه ی فاسد نباید هم‌رنگ جماعت شد. (پس این شعار غلط است که خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو)

۳- بهترین سرپرست یاور خداوند است، از او بخواهیم.

الهی از شیاطین جن بریدن دشوار نیست با شیاطین انس چه باید کرد.

«رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» {اعراف/۲۳}

پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.

نکته ها

شیطان و آدم هر دو نافرمانی کردند، اما شیطان نسبت به نافرمانی خود (ترک سجده)، به عدل و حکمت الهی اعتراض کرده و استکبار نمود و برتری نژاد خود را مطرح ساخت و پشیمان هم نشد، اما حضرت آدم و حوا، به کار خلاف خود اعتراف کردند و از خداوند تقاضای بخشش نمودند. (۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در برابر ستم هایی که به خود روا می داریم باید از خداوند استمداد کنیم و آنها را جبران کنیم. «قالا رَبَّنَا ظَلَمْنَا...»

۲- هرگونه خلافی، ظلم به خویش است، چون مخالفت با فرمان خدا مخالفت با تکامل و سعادت واقعی خود است. «ظلمنا أنفسنا»

۳- از آداب دعا و استغفار، ابتدا اعتراف به گناه است. «قالا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا»

۴- نخستین خواسته ی بشر از خدا، تقاضای عفو و رحمت بود. «وان لم تغفرلنا»

ص: ۸۸

۵- مهم ترین مسأله برای گناهکار، مغفرت الهی است، سپس درخواست های دیگر. «ان لم تغفر لنا و ترحمنا»

۶- عنایت و لطف و مهربانی خدا، جلوی خسارت ابدی را می گیرد.

«ان لم تغفر لنا... لنكونن من الخاسرين»

الهی در بسته نیست ما دست و پا بسته ایم.

ص: ۸۹

{اَعْرَافٌ/۴۷} «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

پروردگارا! ما را همراه ظالمان قرار مده.

نکته

نمی گویند ما را اهل آتش قرار مده، بلکه می گویند: ما را همنشین ظالمان مگردان. گویا مجالست با ستمگر، بدتر از آتش دوزخ است. (۱)

- این دعا از مؤمنانی است که در قیامت زمانی که وضع وخیم ظالمان را در دوزخ می بینند به زبان می آورند که پروردگارا ما را همراه ظالمان قرار مده، این همان جمله ای است که آن ها در دنیا با زبان و عمل به پیروی از رهبران آسمانی جامه عمل پوشانیده و نتیجه اش را در آخرت می بینند.

آری در این میدان مردم سه گروه هستند؛

الف: «مؤمنان» راستین که در پرتو ایمان به آرامش کامل رسیده اند و از هیچ گونه مجاهدتی دریغ ندارند.

ب: «معاندان» و دشمنان لجوج حق که به هیچ وسیله به راه نمی آیند.

ج: «اعراف» که در گذرگاه صعب العبوری میان این دو گروه قرار گرفته اند و بیش تر توجه رهبران آسمانی و پیشوایان حق نیز به آن هاست که در کنارشان

ص: ۹۰

در دنیا بمانند، دستشان را بگیرند و از این مرحله نجاتشان دهند تا در صف مؤمنان حقیقی قرار گیرند. (۱)

الهی اگر خدا خدا نکنیم چه کنیم و اگر ترک ما سوا نکنیم چه کنیم؟

ص: ۹۱

۱- - [تفسیر نمونه]

«رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» {اعراف/۸۹}

پروردگارا! میان ما و قوم ما به حقّ داوری و راهگشایی کن که تو بهترین داوران و راهگشایانی.

نکته:

«فتح» در این گونه موارد، به معنای قضاوت و داوری برای راهگشایی است، یعنی سخن آخر را خداوند می گوید تا از بن بست خلاص شده و راه باز شود.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در دعا، تناسب بین خواسته و اسمای الهی را باید در نظر گرفت. آنجا که نیاز به فتح داریم، خدا را با خیرالفتاحین صدا می زنیم. «افتح... خیرالفتاحین»

۲- لازمه ی داوری صحیح، علم و آگاهی همه جانبه است. داوری، حقّ کسی است که همه چیز را می داند. «وسع ربنا کلّ شیء علما... ربنا افتح...»

۳- داوری، از شئون ربوبیت خداوند است. «ربنا افتح»

۴- هدف انبیا تثبیت و بر کرسی نشاندن حرف حقّ است، نه سخن خویشتن. «افتح بیننا و بین قومنا بالحقّ»

الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است دل از خاک برداشتن دشوار است.

{ رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ } {اعراف/۱۲۶}

پرودگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان و فرمان بردار بمیران.

نکته:

امام صادق فرمود: کسی که خود را برتر از دیگران بداند مستکبر است. به حضرت گفتند: گاهی انسان به دلیل آنکه دیگران مشغول گناهند و او گناه نمی کند خود را برتر می داند! حضرت فرمودند: شاید او توبه کرده و بخشیده شده است، ولی تو خبر نداری و هنوز او را چنان می بینی. مگر داستان ساحران را نشنیده ای که با انگیزه ی شکست موسی آمدند، ولی توبه کرده و هدایت شدند و پایان خوبی داشتند. (۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- نشانه ی مؤمنان راستین، آرامش، مقاومت، صراحت، شجاعت، تضرع و دعا بخصوص در هنگام سختی هاست. «آمنا... ربنا افرغ علينا صبراً»

۲- در دعا به ربوبیت خداوند متوسل شویم. «ربنا»

۳- بهترین شیوه در برابر تهدید طاغوت ها، دعا و توکل بر خدا و حفظ ایمان و پایداری است. «ربنا افرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین»

ص: ۹۳

۴- وقتی تهدیدها سنگین باشد، صبر و مقاومت بیشتری هم می طلبید. ساحران گفتند: «أفرغ علينا صبراً» یعنی دل ما را پر از صبر کن و نگفتند: «أنزل علينا»

۵- حسن عاقبت، نیاز به دعا، استمداد و توفیق الهی دارد.

«رَبَّنَا... تَوْفَّنَا مُسْلِمِينَ»

الهی تو را دارم چه کم دارم پس چه غم دارم.

ص: ۹۴

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» {اعراف/۱۵۱}

پروردگارا! من و برادرم را بیمارز و ما را در رحمت خویش وارد کن و تو مهربان ترین مهربانانی.

نکته:

آمزش خواهی حضرت موسی ممکن است برای درس دادن به دیگران باشد.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- به برادران و همکاران خود نیز دعا کنیم. «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي»

۲- در طوفان انحراف های جامعه، رهبران به دعا و لطف الهی بیش از دیگران نیازمندند. «وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ»

۳- بخشودگی، مقدمه ی ورود در رحمت الهی است. «اغفر... أدخلنا»

۴- در دعا، از الطاف و صفات خدا یاد کنیم. «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»

الهی تو پاک آفریده ای ما آلوده کرده ایم.

ص: ۹۵

(رَبَّنَا) «وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ ...» {اعراف/۱۵۶}

(پروردگارا!) برای ما در این دنیا و در آخرت، خیر و نیکی مقرر کن که ما به سوی تو رهنمون و بازگشت کرده ایم.

نکته ها:

آری، سفره ی رحمت الهی گسترده است و به همه کس می رسد، امّا شمول رحمت برای غیر مؤمنان، به تفضّل الهی و به برکت مؤمنان و به طفیل آنان است. (۱)

در روایت آمده است که شخصی در نماز می گفت: «اللهم ارحمني و محمداً و لاترحم معنا احداً»، خدایا! تنها من و محمد را مشمول رحمت خود قرار بده، نه هیچ کس دیگری را. پیامبر پس از نماز در انتقاد به او فرمود: رحمت نامنتهای الهی و موضع وسیع و نامحدود را محدود ساختی! (۲) از امامان معصوم و سفیران الهی یاد بگیریم گستردگی و دید بالای دعا کردن را: «اللهم اشف کل مریض، اللهم فرج عن کل مکروب و ...»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بهترین گام ها و کارها، با ثبات ترین آنهاست. «واکتب لنا»

ص: ۹۶

۱- [تفسیر اثنی عشری]

۲- [تفاسیر مجمع البیان و نمونه]

۲- انبیا در فکر تأمین سعادت دنیا و آخرت مردمند.

«واكتب لنا في هذه الدنيا حسنه و في الآخره»

۳- از بهترین دعاها، جامع ترین آنهاست. «فی هذه الدنیا حسنه و فی الآخره»

۴- بازگشت خالصانه به سوی خدا، راه دریافت الطاف الهی است. «هدنا»

۵- رحمت الهی نامحدود است، اگر کسی به آن نرسید، تقصیر از خود اوست. «رحمتی وسعت کلّ شیء» نقصی در فاعلیت رحمت الهی نیست، بلکه نقص در قابلیت و استقبال ماست.

۶- دعای انبیا نیز در چهارچوب حکمت و قانون الهی مستجاب می شود.

«اكتب لنا... سأكتبها للذین...»

۷- آنچه سبب دریافت الطاف الهی است، ایمان به تمام آیات است، نه بعض آنها. «بآیاتنا یؤمنون»

الهی این آفریده که بدین پایه مهربان است آفریننده وی در چه پایه است.

«رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» { یونس / ۸۵، ۸۶ }

پروردگارا: ما را گرفتار سختی ها و آزمایش ستمگران قرار مده. و ما را به رحمت خویش، از شرّ قوم کافر رهایی بخش.

نکته:

کسی که به خدا توکل کند، هم خدا او را دوست می دارد، «انّ الله يحبّ المتوکلین» (۱) و هم او را تأمین می کند. «ومن یتوکل علی الله فهو حسبه» (۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- اوّل توکل، بعد دعا. «توکلنا، ربّنا»

۲- با ایمان، توکل و دعا، خود را از شرّ ظالمان نجات دهیم. «توکلنا، ربّنا، نجّنا»

۳- ابتدا باید برای حفظ هویت مکتبی دعا کرد، «لا تجعلنا فتنه» و سپس برای سلامتی شخصی. «نجّنا» چون اگر ستمگران پیروز شوند، خطّ ظلم و کفر حاکم شده، مؤمنان تحقیر و مبتلا می شوند.

الهی اگر چه درویشم ولی دارا تر از من کیست که تو دارایی منی.

ص: ۹۸

۱- - (آل عمران / ۱۵۹)

۲- - (طلاق / ۳)

{ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ } { يونس / ۸۸ }

پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دلهایشان را سخت،

نکته:

قطع شیرهای نفت، بستن راههای تجارتي و نظامی و آتش زدن انبار مهمات دشمن، از مصادیق «رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ» می باشد.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- کلمه ی «رَبَّنَا» در دعا نقش مهمی دارد.

۲- در دعاها، دعای سیاسی و نفرین بر دشمنان را فراموش نکنیم.

«رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ...»

۳- آنجا که استدلال و معجزه کارساز نباشد، نوبت نفرین است.

«رَبَّنَا اطْمِسْ...»

۴- سنگدلان تا اجبار و قهر الهی را نبینند، حق را باور نمی کنند.

«فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرُوا الْعَذَابَ»

الهی گرگ و پلنگ را رام توان کرد با نفس سرکش چه باید کرد.

«رَبِّ ... فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَبِئْسَ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» {يوسف/۱۰۱}

پروردگارا! (ای) پدیدآورنده ی آسمان ها و زمین، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی، مرا تسلیم خود بمیران و مرا به شایستگان ملحق فرما.

نکته ها

اولیای خدا وقتی به عزت و قدرت خود نگاه می کنند، فوراً به یاد خداوند می افتند و می گویند: خدایا هر چه هست از توست. یوسف نیز اینچنین کرد، متوجه خدا شد. خداوند حکومت مصر را به دو نفر داد، یکی فرعون که آن را به خود نسبت داد و گفت: «أليس لي ملك مصر» و دیگر به یوسف داد که آنرا به خدا نسبت داد و گفت: «آتيتني من الملك»

تفکر ابراهیم، در ذریه و فرزندان او جلوه گری می کند؛ ابراهیم گفت: «أسلمت لرب العالمين» من تسلیم پروردگار عالمیان هستم، سپس نوه او یعقوب به فرزنداناش سفارش می کند که با ایمان از دنیا بروید. «لاتموتن الا و انتم مسلمون»^(۱) در اینجا فرزند یعقوب نیز مرگ در حال تسلیم را از خدا می خواهد؛ «توفني مسلماً»

ص: ۱۰۰

به هر حال ابراهیم از صالحین است؛ «أَنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»^(۱) و یوسف می خواهد به او ملحق شود. «الحقنی بالصالحین»

یوسف که خداوند همواره او را حفظ کرد، به او علم داد، به او حکومت داد و خطر را از او دور کرد، باز نگران عاقبت خود است. وای به حال کسانی که قدرت، مال و علم خود را با حيله به دست آورده اند، آنان چه عاقبتی خواهند داشت!

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در هر موقعیت و حالی، خود را به خداوند بسپارید. «انت ولی فی الدنيا والاخره»

۲- قدرت و حکومت و سیاست، زمینه خروج از دین است، مگر اینکه خداوند لطف کند. «توفنی مسلماً» (یوسف در چاه دعایی داشت و در زندان دعای دیگر داشت، ولی همین که به حکومت رسید دعای او این بود: خدایا من مسلمان بمیرم.)

۳- بندگان خدا در اوج عزت و قدرت به یاد مرگ و قیامت و سرانجام کار خود هستند. «توفنی مسلماً و الحقنی بالصالحین» همان گونه که همسر فرعون در کاخ فرعون به فکر قیامت بود و می گفت: «ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه»^(۲) پروردگارا! در بهشت برای من جایی نزد خود قرار بده.

ص: ۱۰۱

۱- (بقره / ۱۳۰)

۲- (تحریم / ۱۱)

۴- عظمت خداوند تنها به خاطر نعمت هایی که به ما ارزانی داشته نیست، بلکه او بوجود آورنده کل هستی است. «فاطر السموات والارض»

۵- افتخار یوسف آن نیست که حاکم بر مردم است، افتخارش آن است که خداوند حاکم بر اوست. «انت ولی فی الدنیا و الاخره»

۶- حسن عاقبت و پایداری در کار خیر، مهمتر از شروع آن است. انبیا برای حسن عاقبت دعا می کردند؛ «توفنی مسلماً» یعنی مرا در تسلیم خود تا مرگ پایدار بدار. (۱)

۷- در دعا، اول از نعمت های الهی یاد کنید؛ «ربّ قد آتیتنی» بعد درخواست خود را مطرح کنید. «توفنی مسلماً»

۸- چون به قدرت رسیدید، مناجات با خدا را از یاد نبرید. «ربّ قد آتیتنی...»

۹- حضرت یوسف در شور انگیزترین لحظات متوجه خدا شده و با او مناجات می کند. «ربّ قد آتیتنی...»

۱۰- در دعاها و مناجات ها تنها به فکر دنیا و مسائل مادی نباشید.

«فی الدنیا و الاخره»

۱۱- به ایمان فعلی خود مغرور نشویم، حفظ ایمان تا آخر مهم است.

«توفنی مسلماً»

۱۲- نهایت ایمان، تسلیم در برابر خداوند است. «توفنی مسلماً»

ص: ۱۰۲

۱۳- عاقبت خیر، بهترین نعمتی است که خداوند به بندگانش عطا می کند. «توفّنی مسلماً»

۱۶- با ایمان مردن و در زمره صالحان قرار گرفتن، آرزوی پاکان است.

«توفّنی مسلماً و الحقنی بالصالحین»

۱۷- انسان های وارسته حکومت را برای خدمت و صلاح می خواهند.

«الحقنی بالصالحین»

الهی بحق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده.

ص: ۱۰۳

«رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» {ابراهيم/۳۸}

پروردگارا! همانا تو آنچه را پنهان و یا آشکار کنیم، می دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خداوند پوشیده نمی ماند.

نکته:

اکنون که همه چیز برای خداوند روشن است و علم او به همه چیز و همه کار ما احاطه دارد باید در محضر او گناه نکنیم و در مخلوقات او جز طبق رضا و دستورات او تصرف نکنیم و در دعا هم باید توجه داشته باشیم که خداوند به همه چیز از ظاهر و باطن ما آگاه است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در نزد خدا پنهان و آشکار معنا ندارد. «تعلم ما نخفی و ما نعلن»

۲- زمین و آسمان نزد علم خداوند یکسان است.

«ما يخفى... في الارض ولا في السماء»

۳- در دعاها توجه به علم الهی هم داشته باشیم و لذا روایت داریم که در پیشگاه خداوند که به همه چیز آگاه است، اقرار به گناهان و خطاهایت کن، چون همین اقرار خود موجب غفران و بخشش الهی می شود.

الهی چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم.

« رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ * رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ » {ابراهيم / ۴۰، ۴۱}

پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر. پروردگارا مرا و پدر و مادرم را مؤمنان را، روزی که حساب بر پا می شود ببخشای.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- تکرار «ربّ» در آغاز دعاها نشانه تأثیر آن در استجاب دعا و یا یکی از آداب آن است. «ربّ اجعلنی»

۲- برای اقامه ی نماز خود و فرزندان، از خداوند استمداد کنید. «ربّ اجعلنی»

۳- نماز، محور دعاها ی حضرت ابراهیم است. «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»، «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ»

۴- با آنکه رسالت انبیا اقامه ی دین است اما دعا برای اقامه ی نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام نمای دین است. «مقیم الصّلاه»

۵- اقامه ی نماز، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم در دو مورد عبارت «و من ذرّیتی» را بکار برد: یکی درباره ی نماز نسل خود «مقیم الصّلاه»

و من ذرّیتی» و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهیم

فرمود: «انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی»^(۱) من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت: پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.

۶- در دعا هم به خود توجه کنید، «واجبني - واجعلني - واغفر لي» و هم به دیگران. «وبني - ومن ذریتی - ولوالدی وللمؤمنین»

۷- انسان، هم باید به فکر نسل قبل باشد، «ولوالدی وللمؤمنین» و هم به فکر نسل بعد. «و من ذریتی»

۸- در دعا، به فکر قیامت خود، فرزندان و جامعه باشید. «یوم یقوم الحساب»

الهی ناتوانم و در راهم و گردنه های سخت در پیش است و رهنه های بسیار در کمین و بار گران بر دوش یا هادی اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین.

ص: ۱۰۶

«رَبَّنَا أَخْرِنا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ» {ابراهیم/۴۴}

پروردگارا! ما را تا مدّت کوتاهی مهلت ده، تا دعوت تو را اجابت نماییم و از پیامبران پیروی کنیم.

نکته ها

با توجه به آیه ی قبل، ابتدا به نظر می رسد که این آیه نیز درباره ی قیامت است، ولی جمله ی «اخرنا الی اجل قریب نجب دعوتک ...» بیشتر، این معنا را به ذهن می آورد که آیه درباره ی عذاب الهی در دنیاست، زیرا تأخیر عذاب و اجابت دعوت خداوند و پیروی از پیامبران، مربوط به دنیاست نه قیامت.

در قیامت نیز تقاضای بازگشت به دنیا وجود دارد که آیات آن، مکرّر در قرآن آمده از جمله:

الف: «فهل الی خروج من سبیل»^(۱) آیا برای خارج شدن از هلاکت راهی هست؟

ب: «فارجعنا نعمل صالحا»^(۲) ما را به دنیا برگردان تا عمل صالحی انجام دهیم.

ج: «ربنا اخرجنا نعمل صالحا»^(۳) پروردگارا! ما را از دوزخ خارج کن تا کار خوب انجام دهیم.

ص: ۱۰۷

۱- - (غافر/۱۱)

۲- - (سجده/۱۲)

۳- - (فاطر/۳۷)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- مجرمان روزی پشیمان می شوند، اما فرصت های از دست رفته باز نمی گردد. «اخرنا...»

۲- راه نجات در تبعیت از رهبران آسمانی است.

الهی دل بسوی کعبه داشتن چه سودی دهد آنکه را دل بسوی خداوند کعبه ندارد.

ص: ۱۰۸

{اسراء/۲۴} «رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»

پروردگارا! بر آن دو (پدر و مادر) رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که: (با توجه به تمام آیه)

- ۱- فرزند در هر موقعیتی که هست، باید متواضع باشد و کمالات خود را به رُح والدین نکشد. «واخفِض لهما جناح الذَّل»
- ۲- تواضع در برابر والدین، باید از روی مهر و محبت باشد، نه ظاهری و ساختگی، یا برای گرفتن اموال آنان. «واخفِض لهما... من الرِّحمة»
- ۳- فرزند باید نسبت به پدر مادر، هم متواضع باشد، هم برایشان از خداوند رحمت بخواهد. «واخفِض... و قل ربِّ ارحمهما»
- ۴- دعای فرزند در حقّ پدر و مادر مستجاب است، و گرنه خداوند دستور به دعا نمی داد. «وقل ربِّ ارحمهما...»
- ۵- دعا به پدر و مادر، فرمان خدا و نشانه ی شکرگزاری از آنان است. «قل ربِّ ارحمهما...»
- ۶- در دعا از کلمه «رَبِّ» غفلت نکنیم. «قل ربِّ ارحمهما»

۷- رحمت الهی، جبران زحمات تربیتی والدین است. «ربّ ارحمهما کما ربّیانی» (گویا خداوند به فرزند می گوید: تو رحمت خود را دریغ مدار، و از خدا نیز استمداد کن که ادای حقّ آنان از عهده ی تو خارج است.)

۸- گذشته ی خود، تلخی ها و مشکلات دوران کودکی و خردسالی را که بر والدین تحمیل شده است از یاد نبرید. «کما ربّیانی صغیراً»

۹- پدر و مادر باید بر اساس محبّت فرزندان را تربیت کنند. «ارحمهما کما ربّیانی»

۱۰- انسان باید از مربّیان خود تشکّر و قدردانی کند. «ارحمهما کما ربّیانی»

الهی از خواندن نماز شرم دارم و از نخواندن آن شرم بیشتر.

ص: ۱۱۰

«رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا» {اِسْرٰء/ ۸۰}

و بگو: پروردگارا! مرا با ورودی نیکو و صادقانه وارد (کارها) کن و با خروجی نیکو بیرون آر و برای من از پیش خودت سلطه و برهانی نیرومند قرار ده.

نکته ها :

صدق، بهترین وصف و حالت یک کار و یک شخص در آغاز و انجام آن است. چه بسا کارهایی که آغاز غیر صادقانه دارد و با قصد ریا، سمعه، فریب، برتری جویی و مانند آن شروع می شود، یا آغازی صادقانه دارد، ولی پایانی آمیخته به غرور، عجب، منت، حبط و سوءعاقب پیدا می کند و برکات آن محو می شود. رمز شکست بسیاری از حرکت ها، نبود صداقت در آنها و قطع امداد الهی از آن است.

امام صادق می فرماید: هرگاه برای ورود به کاری، ترس و وحشت داشتی این آیه را بخوان و اقدام کن. (۱)

انسان به جایی می رسد که از «صدیقین» می شود، هرچه می گوید عمل می کند و هرچه را عمل می کند، می گوید. (۲) قلب و زبان و عملش یکی می شود.

ص: ۱۱۱

۱- [تفسیر نورالثقلین]

۲- [تفسیر المیزان]

از مصادیق «سلطان نصیر»، داشتن جانشینی لایق، یاری باوفا و وزیر دلسوز و کاردان است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خواسته های خود را در برابر خداوند به زبان بیاوریم. «وَقُلْ رَبِّ»

۲- دعایی که همراه با نماز و بعد از آن باشد، اثر بیشتری دارد.

«اقم الصلوه... فتهجد... و قل رب...» (با توجه به آیات قبل)

۳- دعا کردن را هم باید از خدا آموخت که چگونه بخوانیم و چه بخواهیم.

«و قل رب أدخلنی...»

۴- یکی از اصول مدیریت، آینده نگری و دوراندیشی است.

«أخرجنی مُخرج صدق»

۵- مهم تر از آغاز نیک، پایان و فرجام خوب است. نباید به آغاز شیرین دلخوش بود، بلکه باید از خطر بدعاقبتی به خدا پناه

برد. «أخرجنی مُخرج صدق»

۶- رهبری یک نهضت جهانی که شروع و پایانش صادقانه و بی انحراف باشد، بدون دعا و استمداد از خدا و دریافت امداد

الهی ممکن نیست. «رب أخرجنی»

۷- همه ی امور به دست خداست و باید از او مدد خواست

«أدخلنی، أخرجنی، اجعل»

۸- کسب قدرت برای اهداف مقدّس ارزش دارد. «واجعل لی من لدنک سلطاناً»

۹- مؤمن، نصرت و امداد را تنها از خدا می طلبد. «من لدنک سلطاناً نصیراً»

الهی ما همه بیچاره ایم و تنها تو چاره ای و ما همه هیچکاره ایم و تنها تو کاره ای.

«...رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» {کهف/۱۰}

پروردگارا! از سوی خود رحمتی به ما عطا کن و برای ما رشدی در کارمان فراهم ساز.

نکته

«رشد» به معنای رشد، نجات و رضای الهی آمده است. (۱) در داستان اصحاب کهف، داستان موسی و خضر (آیه ۶۶) و پیامبر اسلام (آیه ۲۳).

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- برای حفظ دین، جوانمردی، گذشت از رفاه و آسایش و هجرت لازم است. «أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ» (با توجه به آیه ی اول)

۲- دعا همراه با تلاش و حرکت مؤثر است. «أَوَى... رَبَّنَا»

۳- هجرت از محیط فاسد برای حفظ ایمان و ارزشها، کاری جوانمردانه است. «أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ»

۴- هجرت و قیام برای خدا، زمینه ی دریافت امدادهای الهی است.

«أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَضْرَبْنَا»

آن که طبیعتش را بر عقلش حاکم گردانیده است، در محکمه هر بخردی محکوم است.

ص: ۱۱۳

«...رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ اخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» {طه/۲۵-۲۸}

پروردگارا! سینه ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله ام بیفزا). * و کارم را برایم آسان فرما. * و گره از زبانم باز نما. * تا (آنها) سخنان مرا (خوب) بفهمند.

نکته ها

همین که حضرت موسی به رسالت الهی مأمور گردید، چهار خواسته را از خداوند طلب نمود:

۱- سعه ی صدر. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»

۲- شرایط آماده. «و يَسِّرْ لِي أَمْرِي»

۳- بیان روان. «واخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي»

۴- داشتن وزیر. «واجعل لي وزيراً»

چون حضرت موسی به مسائل متعدّد عبادی، سیاسی، انقلابی، اجتماعی، اخلاقی، فردی و جمعی مأمور شده بود و طبعاً پرداختن و توجه لازم به هر کدام، انسان را از سایر امور غافل می سازد، لذا سعه صدر در رسیدن به همه ی این موارد کاملاً ضرورت دارد. (۱)

ص: ۱۱۴

سعه ی صدر، هم برای خود انسان لازم است، هم برای انجام مسئولیت و کلمه «لی» رمز آن است که دریافت وحی، نیاز به ظرفیت بزرگ دارد. چنانکه در سوره انشراح در مورد پیامبر صلی الله علیه وآله آمده است: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ... إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

«ویژگی های قلب مؤمن و کافر»

قلب مؤمن:

- ۱- حیات. «أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَاحْيِنَاهُ» (۱)
- ۲- شفا. «وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ» (۲)
- ۳- طهارت. «امْتَحِنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» (۳)
- ۴- سعه صدر. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (۴)
- ۵- هدایت. «مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (۵)
- ۶- ایمان. «كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ» (۶)
- ۷- سکینه. «السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» (۷)
- ۸- الفت. «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (۸)
- ۹- اطمینان قلبی. «الْأَبْذَكَرَ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (۹)

ص: ۱۱۵

۱- (انعام / ۱۲۲)

۲- (توبه / ۱۴)

۳- (حجرات / ۳)

۴- (طه / ۲۵)

۵- (تغابن / ۱۱)

۶- (مجادله / ۲۲)

۷- (فتح / ۴)

۸- (انفال / ۶۳)

- ۱- مرض. «فی قلوبهم مَرَضٌ» (۱)
 - ۲- قساوت. «جعلنا قلوبهم قاسیه» (۲)
 - ۳- عدم پذیرش. «أزاح الله قلوبهم» (۳)
 - ۴- مُهر خوردن. «طبع الله علی قلوبهم» (۴)
 - ۵- احاطه ظلمت. «ران علی قلوبهم» (۵)
 - ۶- حجاب. «جعلنا علی قلوبهم أكنه» (۶)
 - ۷- قفل شدن. «أم علی قلوب اقفالها» (۷)
 - ۸- سختی. «ختم الله علی قلوبهم» (۸)
 - ۹- برگشت و نفهمی. «صرف الله قلوبهم» (۹)
- از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

- ۱- سعه ی صدر اولین شرط موفقیت در هر کاری است. «ربّ اشرح لی صدري»
- ۲- به جای ترس و فرار از مسئولیت، امکانات و مقدمات و ابزار آن را از خداوند بخواهیم. «ربّ اشرح لی صدري»

ص: ۱۱۶

۱- - (بقره / ۱۰)

۲- - (مائده / ۱۳)

۳- - (صف / ۵)

۴- - (نحل / ۱۰۸)

۵- - (مطففین / ۱۴)

۶- - (کهف / ۵۷)

۷- - (محمّد / ۲۴)

۸- - (بقره / ۷)

۹- - (توبه / ۱۲۷)

۳- دعا قبل از هر کاری، رمز توکل و مایه ی دفع خطرات و آفات راه است، هر چند دعا خود نیز عبادت و اعلام نیاز به شمار می رود. «ربّ اشرح لی صدری»

۴- ارشاد و تربیت مردم و مبارزه با طاغوت ها، بستگی تام به صبر و حوصله ی مربی و مجاهد دارد. «ربّ اشرح لی صدری»

۵- رسالت، با تندی و خشونت سازگار نیست. کار بزرگ، روح بزرگ می خواهد. «ربّ اشرح لی صدری»

۶- دعای انبیا در قرآن، با اسم «ربّ» است. «ربّ»

۷- دریافت الطاف الهی، روح و سینه ای گشاده لازم دارد. «ربّ اشرح لی صدری»

۸- با سعه ی صدر کارها آسان می شود. «ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری»

۹- ساده گویی و بیان روان، کمال است. «واحلل عُقدهً من لسانی»

۱۰- در هدایت و بسیج کردن مردم و روحیه دادن به نیروها و ارباب و تضعیف روحیه ی طاغوت، زبان گویا بسیار مهم است. «واحلل عُقده من لسانی»

۱۱- اصل، فهمیدن مردم است، نه اصطلاحات زیبا. «یَفْقَهُوا قَوْلی» شرط موفقیت در تبلیغ آن است که مردم حرف مبلغ را خوب بفهمند.

۱۳- در تبلیغ باید از هر وسیله ای که شناخت مردم را عمیق تر می کند استفاده کرد. «یَفْقَهُوا قَوْلی»

الهی بسوی تو آمدم بحق خودت مرا بمن بر مگردان.

«علم و دانش و ظرفیت آن»

«...رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» {طه/۱۱۴}

پروردگارا! علم مرا زیاد کن.

نکته ها

اولین معلّم، خداوند علّام و علیم است، «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»^(۱)، «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»^(۲) پس علم را از او بخواهیم. «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»

در حدیث آمده است که رسول اکرم فرمودند: اگر روزی بر من بگذرد و در آن بر علم من افزوده نشود، آن روز برای من مبارک نیست.^(۳)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- علم را از عالم حقیقی طلب کنیم. «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»

۲- برای علم و دانش نهایی نیست و فارغ التحصیل معنا ندارد. «زِدْنِي عِلْمًا»

۳- علم حقیقی، قرآن مجید است. «لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ - وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»

۴- اگر کسی را از چیزی نهی می کنیم، در مقابل، راه صحیح و حق را هم به او نشان دهیم. «لَا تَعْجَلْ - وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»

۵- افزون طلبی در کمالات ارزش است. «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»

ص: ۱۱۸

۱- (بقره / ۳۱)

۲- (الرحمن / ۱ - ۳)

۳- [تفسیر نورالثقلین]

۶- علم، وسیله‌ی رشد انسان هاست. «ربّ زدنی علما»

۷- علمی دارای ارزش و اعتبار است که همراه با فراگیری آن، ظرفیت انسان نیز زیاد شود و رشد کند. «زدنی علما»، نه، «زد علمی»

۸- اگر چه خداوند می‌تواند بدون دعا هم لطف کند، ولی از پیامبرش می‌خواهد که دعا نماید. «قل ربّ زدنی علما»

۹- در دعا از کلمه ربّ و ربوبیت خدا استمداد کنیم. «ربّ زدنی علما»

۱۰- جز خداوند، علم همه حتّی علم پیامبر محدود است. «ربّ زدنی علما»

الهی! آن که از صحیفه نفس خود آگاهی ندارد، از کدام کتاب و رساله طرفی می‌بندد؟!!

ص: ۱۱۹

«رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» {انبیاء/۸۹}

پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البته که) تو خود، بهترین وارثان هستی.

نکته ها

انبیا با پیش آمدن هر مشکلی، به درگاه خداوند شتافته و گشایش آن را از پروردگار خویش خواستار می شدند. در آیات قبل به نمونه هایی از این درخواست ها برخورد داشتیم. (دعاهای حضرت نوح، ایوب، یونس را در آیات گذشته خواندیم.)

رسول خدا هنگام جنگ خندق به درگاه خداوند چنین عرضه داشت: خدایا! تو عبیده بن الحارث را روز بدر از من گرفتی و حمزه را روز اُحد، و این علی است. آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»^(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- هرگز از رحمت الهی مأیوس نشویم. (خداوند حتی به انسانی که سالها همچون زکریا از همسری نازا فرزند عنایت می کند.)

ص: ۱۲۰

۲- ذکر کلمه ی «رَبِّ» و تکرار آن در دعا، درخواست ها را با اجابت مقرون می سازد. «نادی رَبِّه رَبِّ لا تذرني»

۳- در هنگام دعا، خداوند را با آن صفتی که با خواسته ما تناسب بیشتری دارد یاد کنیم. «لا تذرني فرداً و انت خيرالوارثين»

۴- ایمان به «خيرالوارثين» بودن خداوند، با آرزوهای طبیعی مثل علاقه به فرزند و طلب آن از پروردگار، منافاتی ندارد. «لا تذرني فرداً و انت خيرالوارثين»

۵- دعای انبیا مستجاب است. «فاستجبنا»

۶- فرزند، عطیه الهی است. «و وهبنا له يحيى»

۷- انسان می تواند از طریق دعا نازائی را اصلاح کند. «فاستجبنا له و وهبنا له»

۱۶- سرعت در کار خیر و دعا همراه با بیم و امید، در استجابت دعا مؤثر است. «فاستجبنا له ... كانوا يسارعون في الخيرات و يدعوننا ...»

الهی آنکه عالم است عامل است این خفته صنعتگر است نه دانشور.

ص: ۱۲۱

«رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» {مؤمنون/۲۹}

پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگان.

نکته ها

در حدیث می خوانیم: رسول خدا به علی فرمود: هرگاه وارد منزلی شدی این آیه (۲۹ سوره مؤمنون) را تلاوت کن تا خداوند از خیر آن جا کامیاب کند و شرش را از تو دور سازد. (۱)

یاد خدا در هر حال؛

در دعوت به توحید. «اعبدواالله» (۲)

در ساختن کشتی با الهام خداوند. «اصنع الفلک باعیننا و وحینا» (۳)

در سوار شدن، با حمد الهی. «فاذا استویت... فقل الحمد لله» (۴)

در حرکت با نام خدا. «بسم الله مجراها و مرساها» (۵)

در توقف، با دعا به درگاه او. «رَبِّ أَنْزَلْنِي» (۶)

ص: ۱۲۲

۱- [تفسیر کنز الدقائق]

۲- (مؤمنون / ۲۳)

۳- (مؤمنون / ۲۷)

۴- (مؤمنون / ۲۸)

۵- (هود / ۴۱)

۶- (مؤمنون / ۲۹)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- ابتدا خداوند را بر نعمت های گذشته شکر کنیم، سپس از او نعمت جدیدی بخواهیم. «الحمد لله الذی - ربّ انزلنی»

۲- در دعا و مناجات، خداوند را با آن نامی بخوانیم که با نیازمان تناسب داشته باشد. «انزلنی - خیر المنزلین»

الهی آنکه سرمایه دارد و از آن بهره نمی برد از گدا گرفتارتر و بیچاره تر است.

ص: ۱۲۳

«... رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِ» {مؤمنون/ ۹۷, ۹۸}

پروردگارا! من از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم. * و پناه می برم به تو ای پروردگارا! از این که آنان نزد من حاضر شوند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

- ۱- پناه دادن از شئون ربوبیت است. «رَبِّ أَعُوذُ بِكَ»
 - ۲- پیامبران نیز باید به خدا پناه ببرند. «قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ»
 - ۳- پناه بردن به خداوند باید مکرر و جدی باشد. (تکرار «اعوذ»)
 - ۴- تنها پناهگاه مطمئن خداست. «بِكَ»
 - ۵- یکی از راه های نفوذ شیطان، اشاره ها و وسوسه های او نسبت به برخوردهای بد ما با دیگران است. «هَمَزَات»
 - ۶- شیاطین، متعدّد و وسوسه های آنان نیز گوناگون است. «هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ»
 - ۷- شیطان ها در انبیا نیز طمع دارند. «هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ»
 - ۸- بالاتر از وسوسه، حضور شیطان هاست. «أَنْ يَحْضُرُونِ»
 - ۹- حضور افراد فاسد و مفسد در جامعه، مقدمه فساد دیگران است. «يَحْضُرُونِ»
- یا لا اله الا انت جز آه در بساط ندارم از من آهی و از تو نگاهی.

«...رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» {مؤمنون/۱۰۹}

پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم کننده گانی.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خداوند، زخم زبان منحرفین به مؤمنین را بی پاسخ نمی گذارد. «اِنَّهٗ كَانَ...»

۲- دعا به درگاه خداوند در دنیا مفید است، «رَبَّنَا...» ولی دعا و التماس در قیامت مفید نیست. «رَبَّنَا اٰخِرَجْنَا... قَالَ اٰخِسْتُوْا»

۳- بندگان خداوند همواره از کاستی های خود بیمناک بوده و استغفار می کنند. «كَانَ... يَقُولُونَ رَبَّنَا...»

۴- ایمان مقدمه ی مغفرت و مغفرت، مقدمه ی دریافت رحمت الهی است. «آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا»

۵- سرچشمه ی مهربانی ها خداست. «و انت خیرالراحمین»

۶- از آداب دعا، تجلیل از خداوند است. «و انت خیرالراحمین»

الهی از من آهی و از تو نگاهی.

«...رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» {مؤمنون/۱۱۸}

پروردگارا! بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی.

نکته ها

با توجه به جمله ی «لا یفلح» در آیه اول گروهی از زیانکاران را نیز یادآور می شویم:

الف) ستمگران. «لا یفلح الظالمون» (۱) ب) گنهکاران. «لا یفلح المجرمون» (۲)

ج) جادوگران. «لا یفلح الساحرون» (۳) د) کافران. «لا یفلح الکافرون» (۴)

آنها که به خداوند دروغ می بندند. «أَنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ لَا يَفْلَحُونَ» (۵)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- پیامبر معصوم نیز به رحمت و مغفرت خداوند نیاز دارد.

«قل رب اغفر وارحم»

۲- در دعا، ستایش از خدا را فراموش نکنیم.

«رب اغفر وارحم و انت خیرالراحمین»

الهی در شگفتم از کسی که غصه خودش را نمیخورد و غصه روزیش را میخورد.

ص: ۱۲۶

۱- - (انعام/۱۳۵)

۲- - (یونس / ۱۷)

۳- - (یونس / ۷۷)

۴- - (مؤمنون/ ۱۱۷)

۵- - (یونس / ۶۹)

«... رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا» {فرقان/ ۶۵, ۶۶}

پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذاب آن دامنگیر است. * به درستی که دوزخ، جایگاه و منزلگاه بدی است.

نکته ها

کلمه ی «غرام» در اصل به معنای مصیبتی است که انسان در برابر آن راه فرار ندارد و نوعی التزام و تعهد بر دوش او قرار می دهد که در زبان فارسی به آن تاوان می گویند. (۱)

فکر نجات از آتش هم باید از طریق عبادت باشد و هم از طریق دیگر اعمال نیک. حضرت علی آن گاه که اموالی را در راه خدا وقف می کردند، در وقفنامه ی خود می نوشتند: این اموال را وقف کردم، تا بدین وسیله از آتش دوزخ درامان باشم و آتش دوزخ نیز از من دور باشد. (۲)

دعا و درخواست فوق از طرف کسانی است که خداوند به سیزده مورد و صفتی از صفات ویژه ی بندگان خاص خود «عباد الرحمن» را در آیات ۶۳ تا ۶۷ سوره ی فرقان توصیف می فرماید که به آن ها اشاره می کنیم:

ص: ۱۲۷

۱- [التحقیق فی کلمات القرآن]

۲- [صافی/ ج ۲ / ص ۱۰۴]

۱- تواضع ۲- حلم و بردباری ۳- شب زنده داری ۴- خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی ۵- اعتدال و دوری از افراط و تفریط ۶- توحید خالص ۷- پاکی از آلودگی به خون بی گناهان ۸- عقیق ۹- حفظ و احترام حقوق دیگران ۱۰- پرهیز از لغو و بیهودگی ۱۱- چشم بینا و گوش شنوای حق ۱۲- تربیت صحیح فرزند و خانواده ۱۳- الگو قرار گرفتن برای متقین

پس آنان که از آتش دوزخ به خداوند پناه می برند و از او نجات و خلاصی از آن را خواستار هستند، باید توجه به صفات فوق داشته و سرمشق عملی زندگی خود قرار دهند. (۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- اگر شب زنده دار هم هستید، مغرور نشوید. «والذین یقولون ...»

۲- یاد معاد از ویژگی های بندگان خاص خداست.

«ربنا اصرف عنا عذاب جهنم»

۳- بندگان خاص خداوند، بیش از آنکه طمع بهشت داشته باشند، از آتش دوزخ خوف دارند. «یبتون... یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم»

الهی اگر بخوایم شرمسارم و اگر نخواهم گرفتار.

ص: ۱۲۸

«...رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» {فرقان/۷۴}

پروردگارا! به ما از ناحیه ی همسران و فرزندانمان مایه ی روشنی چشم عطا کن و مارا پیشوای پرهیزگاران قرار ده.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- انسان در برابر همسر و فرزند و نسل خود متعهد است و باید برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کند. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا...»

۲- در تربیت علاوه بر علم و تلاش باید از خدا نیز کمک خواست.

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا...»

۳- فرزند صالح، نور چشم است. «قُرَّةَ أَعْيُنٍ»

۴- تشکیل خانواده و داشتن همسر و فرزند و دعا برای بدست آوردن آنها، مورد توجه اسلام است. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا...»

۵- در دست گرفتن مدیریت جامعه، آرزوی عبادالرحمن است، زیرا عهده دار شدن امامت و رهبری متقین، ارزش است. «واجعلنا للمتقين اماما»

۶- در دعا به حداقل اکتفا نکنید، بلند همت باشید. «واجعلنا للمتقين اماما» (خدایا ما را در رسیدن به کمال، رهبر متقین قرار ده، نه آنکه تنها از متقین باشیم)

۷- بندگان خدا، وحدت هدف و وحدت کلمه دارند. «اماماً» و فرمود: «ائمه». (ممکن است کلمه «امام» به جای «ائمه»، رمز آن باشد که در جامعه اسلامی رهبر باید یک نفر باشد)

الهی تو خود بزرگی و بر همه دست داری. مرا بزرگ آفریدی و بر همه دست دادی،

باری از بزرگ آنچنان بزرگ اینچنین پدید آید.

ص: ۱۳۰

«رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ... وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ» { شعراء/ ۸۳... ۸۷ }

پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن! ... و روزی که همه مبعوث می شوند مرا خوار مگردان.

نکته ها

تذکر: نکته ها و درسها مربوط به آیات ۸۳ تا ۸۵ و ۸۶ تا ۸۹ سوره ی شعراء می باشد.

کلمه ی «حُکْم» می تواند به معنای حکومت و سرپرستی و تدبیر امور باشد و یا به معنای دانش و معرفت. البته «حُکْم» معنایی برتر از حکمت دارد، زیرا حکمت تنها قدرت تشخیص حقّ از باطل است و حُکْم آگاهی همراه با آمادگی برای اجرای حقّ است. (۱)

سعادت انسان در چند جمله خلاصه می شود که در دعای حضرت ابراهیم آمده است:

الف: شناخت خداوند و معرفت درونی نسبت به او. «هَبْ لِي حُكْمًا»

ب: حضور در جامعه ی صالح. «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

ج: نام نیک در تاریخ. «لِسَانٍ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

ص: ۱۳۱

د: رسیدن به بهشت ابدی. «ورثه جَنَّةِ النَّعِيمِ»

در آیه ی ۱۰۸ سوره ی صافات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می فرماید: «و تَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِیْنَ» یعنی قربانی در مراسم حج را یک سنّت واجب قرار دادیم و به خاطر تسلیم بودن ابراهیم، نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می گفت: «واجعل لی لسان صدق فی الْآخِرِیْنَ»، مستجاب کردیم.

در آیه ی ۵۰ سوره ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلَیَّآ» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم. حضرت علی فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است. (۱)

در روایات از لسان صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمد و علی تعبیر شده است. (۲) بعضی سخن پیامبر اکرم را که فرمود: «أَنَا دَعَوُهُ أَبِی اِبْرَاهِیْمَ» یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم. دلیل این نکته دانسته اند. بنابراین مراد از لسان صدق در آیندگان، انبیایی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده ی اعمالش بسته می شود مگر کسی که صدقه ی جاریه ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا

ص: ۱۳۲

۱- [تفسیر نورالثقلین]

۲- [تفسیر کنزالدقائق]

کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند. (۱)

پیامبر اکرم در نمازش این دعا را می خواند: «اللهم لاتخزنی یوم القیامه» پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن. (۲)

سؤال: در روایات می خوانیم: انفاق مال و صدقه ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند، برای قیامت انسان مفید هستند، پس رابطه ی آیه ی «لاینفع مال و لابنون» با این روایات چیست؟

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزندی است که در خط الهی قرار نگیرند.

بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی درب را قفل و با حرکت دیگری درب را باز می کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب و در دست ناهلان سبب گناه می شود.

مال را کز بهر دین باشی حمول نع-م مالٌ صالحٌ گفت آن رسول

چیست دنیا از خدا غافل ش-دن نی قُماش و تق-ره و فرزند و زن

آب در کشتی هلاک کشتی است آب در بیرون کشتی، پستی است (۳)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- انسان برای رسیدن به کمالات باید از خداوند استمداد کند. «رَبِّ هَبْ لِي...»

۲- استمداد از نام «رَبِّ»، در استجاب دعا مؤثر است. «رَبِّ»

ص: ۱۳۳

۱- [وسائل / ج ۶ / ص ۲۹]

۲- [تفسیر فرقان]

۳- [بیان السعاده]

۳- حکمت و بینش همراه با عمل، هدیه ی الهی است. «هَبْ لِي حُكْمًا»

۴- قبل از درخواست جدید از خداوند، از نعمت های قبلی نامی ببرید و از او تشکر کنید. «خَلَقْنِي - يَهْدِين - يَشْفِين - يَسْقِين - و... رَبِّ هَبْ لِي»

۵- اگر حکمت باشد، ولی دوستان انسان ناهل باشند، حکمت کارایی ندارد. «هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي»

۶- اگر دید و بینش و تفکر صحیح بود، رفتار و گفتار و نیت هم صحیح می شود. (حکمت به معنای دید و فهم و نظر صحیح است). «حُكْمًا»

۷- حکمت نظری، به تنهایی مفید و نجات بخش نیست. حکمت باید با عمل همراه باشد. «هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

۸- برخورداری از حکمت و معرفت در درون و زندگی در جامعه ی صالحان و صالح بودن، بالاترین درجه ی سعادت است. «حُكْمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

۹- حکمت و شناخت و بینش، بر عمل مقدم است. «هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي»

۱۰- بهترین دعا را از بهترین افراد بیاموزیم. (بهترین افراد، انبیا هستند و یکی از بزرگ ترین انبیا حضرت ابراهیم است که در دعا از خداوند مغفرت، حکمت، نام نیک و حسن عاقبت می خواهد و در آیات دیگر از خداوند، فرزندان خوب و پیروان مسلمان درخواست می کند).

۱۱- حکومت خواهی برای انجام احکام الهی، مطلوب است. «هَبْ لِي حُكْمًا»^(۱)

۱۲- هم انزوا ممنوع است و هم جذب ناهلان شدن. «الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

ص: ۱۳۴

۱۳- پیش کسوتان صالح را ارج نهیم. «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (نفرمود: از صالحین باشم، بلکه فرمود: به آنان ملحق شوم. زیرا مقام سابقین برتر است).

۱۴- جامعه ای ارزش دارد که افرادش صالح باشند. «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

۱۵- انسان به رفیق خوب محتاج است. «وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

۱۶- بقای نام در دعاها و یادگار نیک را از خداوند بخواهیم. «وَأَجْعَلْ لِي»

۱۷- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملق. «لسان صدق»

۱۸- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنت های حسنه ای که بنا نهاده بهره مند می شود. «لسان صدق فی الآخِرین»

۱۹- محبت و دعا درباره ی بستگان، همراه با نهی از منکر و انتقاد از اشتباهات آنان باشد. «قال لابیة و قومه ما تعبدون ... واغفر لابی»

۲۰- بیم و امید باید در کنار هم باشند.

«أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي - لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ»

۲۱- انسان در هر مرحله ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. «لَا تُخْزِنِي...»

۲۲- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می شوند. «لا تُخْزِنِي» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیات رفتار و افکار ما آگاه شوند.

۲۳- خواری و رسوایی، از سخت ترین حالات در قیامت است. «لا تُخْزِنِي» حضرت ابراهیم از میان همه ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می کند.

۲۴- در قیامت، تحقیر و خواری و خزیان، بدتر از عذاب دوزخ است. «لا تُخزِنی» در جای دیگر می خوانیم: «أَنْكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ» (۱)

۲۵- آنچه در دنیا ارزش است، در آخرت بی ارزش می شود. «لا-ینفع مال ولا بنون» «مال» جلوه ی مسائل مادی و «بُنون» (فرزندان) جلوه ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

الهی هشیار را با بستر و بالین چه کار و مست را با دین و آیین چه کار.

ص: ۱۳۶

۱- - (آل عمران / ۱۹۲)

(رب) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ» {شُعراء/ ۸۴، ۸۵}

پروردگارا! و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده. و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.

نکته ها

در آیه ی ۱۰۸ سوره ی صافات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می فرماید: نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می گفت: «واجعل لی لسان صدق فی الآخِرین»، مستجاب کردیم.

در آیه ی ۵۰ سوره ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم.

حضرت علی فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است. (۱)

در روایات از لسانِ صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمد و علی تعبیر شده است. (۲). بعضی سخن پیامبر اکرم را

که فرمود: «أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ» یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم. دلیل

ص: ۱۳۷

۱- [تفسیر نورالثقلین]

۲- [تفسیر کنزالدقائق]

این نکته دانسته اند. بنابراین مراد از لسانِ صدق در آیندگان، انبیایی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده ی اعمالش بسته می شود مگر کسی که صدقه ی جاریه ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند. (۱)

در روایات آمده است: هر انسانی در بهشت و دوزخ جایگاهی دارد و هنگامی که وارد دوزخ شود، خانه ی بهشتی او را به دیگران می دهند و آنان وارث می شوند. (۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بقای نام در دعاها و یادگار نیک را از خداوند بخواهیم. «واجعل لی»

۲- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملق. «لسان صدق»

۳- آیندگان را به حساب آوردید و قضاوت آیندگان را در نظر بگیرید. «لسان صدق فی الآخِرین»

۴- اتفاق نظر یهود و نصارا و مسلمانان بر عظمت ابراهیم، نمونه ی استجاب دعا ی اوست. «لسان صدق فی الآخِرین»

ص: ۱۳۸

۱- [وسائل / ج ۶ / ص ۲۹۳]

۲- [تفسیر نورالثقلین / ج ۲ / ص ۳۱]

۵- انسان های بزرگ، هم محبوبیت دنیوی می خواهند و هم سعادت اُخروی. «لسان صدق فی الآخِرین»

۶- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنّت های حسنه ای که بنا نهاده بهره مند می شود. «لسان صدق فی الآخِرین»

۷- به طرح های کوتاه مدّت قناعت نکنیم. «لسان صدق فی الآخِرین»

۸- نعمت های بهشتی، در برابر اعمال ما موهبتی بی رنج است. «ورثه جنّہ النّعیم» زیرا ارث، به مالی گویند که بدون رنج و تلاش به دست آید.

الهی خوشا آنکه بر عهدش استوار است و همواره محو دیدار است.

ص: ۱۳۹

(رب) «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» {شُعراء/ ۸۷-۸۹}

(پروردگارا) و روزی که همه مبعوث می شوند، مرا خوار مگردان. روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند. مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید.

نکته ها

روح پاک، روحی است که از وابستگی به دنیا و آلودگی به شرک، کفر، نفاق، تکبر و همه ی امراض قلبی پاک باشد و چون خداوند درباره ی منافقان می فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» پس قلبِ سلیم، قلب مؤمن است.

در حدیث می خوانیم: قلب سلیم، قلبی است که در آن شرک نباشد. (۱)

پیامبر اکرم در نمازش این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن. (۲)

سؤال: در روایات می خوانیم: انفاق مال و صدقه ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند، برای قیامت انسان مفید هستند، پس رابطه ی آیه ی «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» با این روایات چیست؟

ص: ۱۴۰

۱- [تفسیر نورالثقلین]

۲- [تفسیر فرقان]

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزندى است که در خط الهى قرار نگیرند.

بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتى در ب را قفل و با حرکت دیگری در ب را باز می کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب و در دست ناهلان سبب گناه می شود.

مال را کز بهر دین باشی حمول نع-م مالٌ صالحٌ گفت آن رسول

چيست دنیا از خدا غافل ش-دن نی قماش و نق-ره و فرزند و زن

آب در کشتى هلاک کشتى است آب در بیرون کشتى، پشتمى است (۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بند و بست های دنیوی در قیامت بی اثر است و جز قلب پاک، هیچ چیز کارایی ندارد. «خَطِئْتِی یوم الدِّین ... قلب سلیم»

۲- بیم و امید باید در کنار هم باشند. «أَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لى - لا تُخْزِنِی یوم یبعثون»

۳- انسان در هر مرحله ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. «لا تُخْزِنِی...»

۴- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می شوند. «لا تُخْزِنِی» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیات رفتار و افکار ما آگاه شوند.

۵- خواری و رسوایی، از سخت ترین حالات در قیامت است. «لا تُخْزِنِی» حضرت ابراهیم از میان همه ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می کند.

ص: ۱۴۱

۶- در قیامت، تحقیر و خواری و خزیان، بدتر از عذاب دوزخ است. «لا تُخزِنی» در جای دیگر می خوانیم: «أَنْكَ مَنْ تُدْخِل النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ» (۱)

۷- بعضی چیزهایی که در دنیا ارزش است، در آخرت بی ارزش می شود. «لایِنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» «مال» جلوه ی مسائل مادی و «بُنُونَ» (فرزندان) جلوه ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

الهی نور برهانم داده ای نار وجدانم هم بده.

ص: ۱۴۲

۱- - (آل عمران / ۱۹۲)

«رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ» { شعراء/۱۶۹ }

پروردگارا! من و کسان مرا از (شرّ) آنچه انجام می دهند رهایی بخش.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- محیط آلوده برای مردان خدا قابل تحمیل نیست؛ اگر از اصلاح محیط مأیوس شدند، حداقل خود را از آنجا نجات می دهند. «نَجْنِي»

۲- بزرگان جامعه باید به فکر خاندان و یاران خود باشند. «نَجْنِي وَ أَهْلِي»

۳- دعای انبیا مستجاب است. «رَبِّ نَجْنِي - فَجِئِنَاه»

۴- زن، در انتخاب راه وابسته به شوهر نیست. «الْأَعْجُوزُ» (زن لوط راه انحرافی را برگزیده بود)

الهی تا حال تو را پنهان می پنداشتم و حال جز تو را پنهان میدانم.

«...رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» {قصص/۱۶}

پروردگارا! همانا من به خویشتم ستم کرده ام، پس مرا ببخش، پس (خداوند) او را آمرزید به درستی که او آمرزنده ی مهربان است.

نکته ها

سؤال: جمله ی «ظَلَمْتُ نَفْسِي» به خودم ظلم کردم، از زبان کسی که به پیامبری می رسد چه معنایی دارد؟

پاسخ: مراد از ظلم به خود در اینجا، گرفتار شدن به آثار اجتماعی قتل غیر عمد است، نه گناه، تا با مقام عصمت منافات داشته باشد. زیرا خداوند، موسی را مخلص می داند؛ «إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا»^(۱) و کسی که به این درجه نائل گردید دیگر گناه نمی کند، زیرا شیطان اقرار کرده که قدرت نفوذ در مخلصین را ندارد. «فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ»^(۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در دعا، خداوند را با کلمه مبارکه ی «رَبِّ» بخوانیم. «قال رَبِّ»

ص: ۱۴۴

۱- (مریم / ۵۱)

۲- (ص / ۸۲-۸۳)

۲- هر چند کار خلاف، عمدی نباشد ولی نباید از آثار طبیعی و وضعی آن غافل بود. «ظَلَمْتُ نَفْسِي» (حضرت موسی به قصد نجات یک مؤمن وارد صحنه شد و ناخواسته مرتکب قتل گردید و در واقع گناهکار به حساب نمی آمد؛ اما این عمل، کار او را دشوار کرد و این یک آفت بود.)

۳- افراد صالح حتی در برابر کجی های غیر عمدی نیز بلافاصله استغفار می کنند و از تبعات آن دوری می گزینند. «فاغفرلی» (حضرت موسی با استغفار خود چند چیز را از خداوند درخواست کرد، هم محو آثار اجتماعی کار خود را، هم برطرف شدن نگرانی از آینده را و هم دفع توطئه های انتقام جویانه ی فرعونیان را.)

۴- دعای انبیا مستجاب است. «فَعَفَّرَلَهُ»

الهی از سجده کردن شرمسارم و سر از سجده برداشتن شرمسارتر.

ص: ۱۴۵

«استمداد از خداوند در همه حالات»

{ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ } { قصص / ۲۱ }

پروردگارا! مرا از (دست) این گروه ستمگر نجات ده.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- زندگی انبیا غالباً با آوارگی و سختی همراه بوده است. «فَخَرَجَ» (با توجه به آیه اول)

۲- سعی و همت خود را بکار بریم؛ ولی نتیجه را از خداوند بخواهیم. «فَخَرَجَ - قَالَ رَبِّ نَجِّنِي»

۳- دعا باید با تلاش و حرکت همراه باشد. «فَخَرَجَ مِنْهَا - قَالَ رَبِّ نَجِّنِي»

۴- رهبران الهی، در همه حالات از خداوند استمداد می کنند.

«رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

«رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي» (۱)

«رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ اَكُونَ ظَهِيْرًا لِّلْمَجْرِمِيْنَ» (۲)

و «رَبِّ اِنِّي لَمَّا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرًا» (۳)

الهی نعمت ارشادم عطا فرموده ای توفیق شکر آن را هم مرحمت بفرما.

ص: ۱۴۶

۱- (قصص / ۱۶)

۲- (قصص / ۱۷)

۳- (قصص / ۲۴)

«درخواست همه چیز از خداوند»

«رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» {قصص/۲۴، ۲۳}

پروردگارا! همانا من به هر خیری که تو برایم بفرستی نیازمندم.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خدمت به مردم را خالصانه انجام دهیم و حل مشکلات خود را از خداوند بخواهیم. «فسقى لهما- ربّ ائى»

(موسی گوسفندان آن دو دختر را سیراب کرد، ولی برای رفع گرسنگی خود به جای استمداد از آنان، از خدا کمک طلبید.)

۲- همه چیز را از خداوند درخواست نماییم.

«رَبِّ ائى لَمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»

۳- در دعا، برای خداوند تکلیف و مصداق معین نکنیم. «رَبِّ ائى لَمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (حضرت موسی با این که

گرسنه بود؛ ولی از خدا، مصداقی از نان و غذا طلب نکرد.)

الهی هر چه پیش آمد خوش آمد که مهمان سفره توایم.

ص: ۱۴۷

«...رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» {نمل/۱۹}

پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می پسندی انجام دهم و در سایه ی رحمت خود، مرا در زمره ی بندگان شایسته ات وارد کن.

نکته ها:

کلمه ی «ایزاع» بالاتر از توفیق و چیزی شبیه الهام است، نظیر آیه ی «و اوحینا الیهم فعل الخیرات»^(۱) یعنی ما انجام کارهای خیر را به انبیا الهام کردیم.^(۲)

کار صالح به تنهایی کافی نیست، ورود در گروه صالحان مهم است، زیرا:

گاهی کار، صالح است، ولی فرد از نظر نفسانی صالح نیست و گرفتار ریا، شمع، غرور، عجب و حبط می شود.

گاهی کار صالح است، ولی عاقبت انحرافی پیش می آید و شخص عاقبت به خیر نمی شود.

گاهی کار صالح است، ولی یک نوع تک روی در آن است و شخص حاضر نیست با بندگان خدا همراه باشد. «اعمل صالحا ... فی عبادک الصالحین»

ص: ۱۴۸

۱- - (انبیاء/ ۷۳)

۲- - [تفسیر المیزان]

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- دعا، مخصوص هنگام اضطرار نیست؛ انبیا در اوج عظمت و قدرت دعا می کردند. «ربّ»

۲- توفیق شکرگزاری را از خدا بخواهیم. «ربّ اوزعنی أن اشکر»

۳- انسان در برابر نعمت هایی که تاکنون به او رسیده باید شکر کند و در برابر مسئولیت آینده باید به فکر عمل صالح و جلب رضای خدا و ملحق شدن به نیکان باشد. «اشکر- اعمل صالحا...»

۴- فرزندان، هم باید در مقابل نعمت هایی که خداوند به آنان داده شکر کنند و هم در مقابل نعمت هایی که به والدین آنان داده است. «علی و علی والدی»

۵- شکر خدا تنها با زبان نیست، عمل صالح و استفاده ی صحیح از نعمت ها نیز شکر الهی است. «اشکر... اعمل صالحا»

۶- کار، به شرطی نیک است که خداپسند باشد. «صالحاً ترضاه»

۷- کار نیکی ارزش دارد که رضای خدا را جلب کند، نه فقط رضای مردم را. «صالحاً ترضاه»

۸- عالی ترین مقصد در حکومت صالحان، رضای خداست. «ترضاه»

۹- انبیا نیز به امداد الهی نیاز دارند. «اوزعنی... ادخلنی»

۱۰- زندگی در جامعه صالح ارزش است، نه زندگی در میان مردم ناصالح، آن هم به خاطر رفاه یا درآمد و لذت. «ادخلنی... فی عبادک الصالحین»

۱۱- برخورداری از امکانات، و قدرت امروز خود را نشانه ی رسیدن به رحمت الهی ندانید و برای رشد و تعالی خود دعا کنید. «و ادخلنی»

۱۲- امکانات انسان، نتیجه ی کار او نیست بلکه از رحمت الهی سرچشمه می گیرد. «برحمتک»

۱۳- هر کس، در هر شرایطی باید به رحمت الهی متوسل شود، حتی پیامبران. «برحمتک»

۱۴- تکروی، ممنوع. «و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین»

الهی نه خاموش میتوان بود و نه گویا در خاموشی چه کنیم در گفتن چه گوئیم.

ص: ۱۵۰

{ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ } صافات / ۱۰۰

پروردگارا! (فرزندی) از گروه صالحان به من ببخش.

نکته ها:

انبیا و فرشتگان دعاهای خود را با «رَبَّنَا» و «رَبِّ» آغاز می کردند:

دعای حضرت آدم: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا» (۱)

دعای حضرت نوح: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي» (۲)

دعای حضرت ابراهیم: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (۳)

دعای حضرت یوسف: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ» (۴)

دعای حضرت موسی: «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (۵)

دعای حضرت سلیمان: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ» (۶)

دعای حضرت عیسی: «رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً» (۷)

ص: ۱۵۱

۱- (اعراف / ۲۳)

۲- (نوح / ۲۸)

۳- (بقره / ۱۲۶ - ۱۲۸)

۴- (یوسف / ۱۰۱)

۵- (قصص / ۲۴)

۶- (نمل / ۱۹)

۷- (مائده / ۱۱۴)

دعای حضرت رسول: «رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» (۱)

دعای مؤمنان: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (۲)

دعای فرشتگان در این آیه که می گویند: «رَبَّنَا وَاَدْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- اولاد صالح، هبه ی الهی و یکی از دعاهاى انبیاست.

«هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ»

۲- آن چه باید در فرزند محور باشد، صالح بودن است نه امور دیگر.

«هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ»

۳- فرزند صالح، بهترین یاور در مسیر حرکت خانواده به سوی خداست.

«ذَاهِبِ إِلَىٰ رَبِّي... رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ»

الهی قاسم که تویی کسی محروم و مغبون نیست.

ص: ۱۵۲

۱- (مؤمنون / ۹۷)

۲- (آل عمران / ۱۹۱ - ۱۹۴)

«...رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» {غافر/۷}

پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی کرده اند بیامرزد و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که: (با توجه به تمام آیه فوق)

۱- مؤمنان باید به خود بنازند که مقربان درگاه الهی همواره به آنان دعا می کنند. «يحملون العرش و يستغفرون»

۲- اسلام، فکر انسان را از خوراک و پوشاک و مسکن، به عرش و فرشته و تسبیح و تحمید بالا می برد. «يحملون العرش - يسبحون»

۳- بی نهایت، تنها خداست، حتی عرش الهی محدودیت دارد. «حوله»

۴- حمد و تسبیح، بارها در قرآن در کنار هم ذکر شده است و در ذکر رکوع و سجود قرین یکدیگرند. «يسبحون بحمد ربهم»

۵- از آداب دعا این است: ابتدا تسبیح و تحمید، «يسبحون بحمد ربهم» سپس تجلیل و توصیف، «وسعت كل شيء رحمة و علما» آن گاه دعا. «فاغفر»

(با توجه به آیه اول)

۶- سنگینی مسئولیت، شما را از تسبیح و تحمید خدا و یاد نیازمندان باز ندارد. فرشتگان حامل عرش، هم به یاد خدا هستند، «یَسْتَبْحُونُ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» و هم محتاجان را دعا می کنند. «یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»

۷- ایمان، رشته اتصال و ارتباط میان عالم ملک با عالم ملکوت است. «يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»

۸- استغفار کسانی در حق دیگران مؤثر است که خود اهل ایمان باشند. «يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»

۹- میان فرشتگان و انسان رابطه است. (امام سجّاد در صحیفه ی سجّادیه به گروه هایی از فرشتگان دعا و درود می فرستد و) فرشتگان حامل عرش در این آیه به انسان ها درود می فرستند. «یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»

۱۰- دعا به دیگران، یک ارزش پسندیده و شناخته شده ی قرآنی است.

«و یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»

۱۱- کسانی مشمول دعای فرشتگانند که اهل ایمان و عمل باشند.

«آمنوا... اتبعوا»

۱۲- توبه به تنهایی کافی نیست، پیروی عملی لازم است. «تابوا و اتبعوا»

۱۳- راه نجات، در پیروی از راه خداست.

«و اتبعوا سیلک و قهم عذاب الجحیم»

آن که معاش مادی را وسیله مقامات معنوی نگیرد، سخت در خطاست.

«رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» {غافر/ ۸ و ۹}

پروردگارا! و آنان را با هر کس از پدران و همسران و فرزندانشان که صلاحیت دارند به باغ های اقامتی که به ایشان وعده داده ای وارد کن؛ همانا تو همان خدای عزیز و حکیمی. (پروردگارا!) آنان را از بدی ها (و کیفر اعمالشان) حفظ کن و هر کس را در آن روز از بدی ها حفظ کنی، پس مشمول رحمت ساخته ای؛ و این همان رستگاری بزرگ است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

- ۱- مشمول دعای اولیای خدا شدن، صلاحیت لازم دارد. «ادخلهم... و من صلح»
- ۲- نجات از دوزخ کافی نیست؛ ورود به بهشت ارزش دارد. «قهم عذاب الجحیم - ادخلهم جنات»
- ۳- اول پاکی از بدی ها، سپس دریافت کمالات. «قهم - ادخلهم»
- ۴- ورود به بهشت، صلاحیت می خواهد. «ادخلهم جنات... و من صلح»

۵- رابطه بدون لیاقت و صلاحیت ارزش ندارد ولی در کنار ضابطه ارزش افزوده دارد. (صلاحیت داشتن ضابطه و قانون است و ملحق شدن به بستگان رابطه است.) «من صلح من اباهم»

۶- خداوند، قدرت بر اعطا دارد ولی عطای او حکیمانه است. «العزیز الحکیم»

۷- همجواری و همزیستی بستگان یک نعمت الهی است. «ادخلهم و من صلح...»

۸- عزت مخصوص خداست. «انک انت العزیز»

۹- پاک بودن، هم به همت و اراده ی انسان نیاز دارد، «نهی النفس عن الهوی»^(۱) و هم به دور بودن از افراد و مشاغل و مکان ها و افراد بد، «اعرض عنهم»^(۲)، «فلا تقعدوا معهم»^(۳) و هم به لطف و امداد الهی. «وقهم السیئات»

۱۰- رحمت الهی، تنها کامیابی مادی نیست، بیمه شدن از گناهان، یکی از آنهاست. «و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته»

۱۱- رستگاری بزرگ، در صورتی است که انسان از آفات معنوی و مادی، هر دو دور باشد. «السیئات». هم آفات معنوی سیئه است. «من کسب سیئه»^(۴) و هم

ص: ۱۵۶

۱- (نازعات / ۴۰)

۲- (مائده / ۴۲)

۳- (نساء / ۱۴۰)

۴- (بقره / ۸۱)

آفات مادی. «و إن یصبکم سیئه یفرحوا بها»^(۱) چنانکه حسنه، هم مصداق دنیوی دارد و هم اُخروی. «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»^(۲)

۱۲- توفیق مصونیت از گناه را باید از خدا خواست. «و قهم السیئات»

۱۳- رستگاری را هنر خود ندانیم بلکه لطف و رحمت او بدانیم. «فقد رحمته و ذلك هو الفوز العظيم»

۱۴- رستگاری، در رفاه دنیوی نیست بلکه در تقواست. «من تق السیئات... ذلك هو الفوز العظيم»

الهی خفتگانرا نعمت بیداری ده و بیدارانرا توفیق شب زنده داری و گریه و زاری.

ص: ۱۵۷

۱- (آل عمران / ۱۲۰)

۲- (بقره / ۲۰۱)

«شکر نعمت‌ها (والدین)»

«رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» {احقاف/۱۵}

پروردگارا! مرا توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادر من لطف کردی، شکرگزاری کنم و عمل شایسته‌ای انجام دهم که تو آن را بپسندی و فرزندانم را برای من صالح و شایسته گردان، همانا من به سوی تو بازگشته و از تسلیم شدگانم.

نکته

احسان به والدین، از جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند برخوردار است. در قرآن، پنج بار کلمه «وَصَّيْنَا» بکار رفته که سه بار آن مربوط به والدین است. (۱)

از این آیه می‌آموزیم و درس می‌گیریم که: (با توجه کل آیه)

۱- سفارش احسان به والدین، در طول تاریخ و تمام ادیان بوده است. («وَصَّيْنَا» در قالب ماضی آمده است)

۲- احسان به والدین، از حقوق انسانی است که هر پدر و مادری بر گردن فرزندشان دارند. «وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ» (نفرمود: «وَصَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا»)

۳- در احسان به والدین، مسلمان بودن آنان شرط نیست.

ص: ۱۵۸

۱- (عنکبوت/ آیه ۸، لقمان/ آیه ۱۴ و همین آیه)

- ۴- استحکام بنیاد خانواده و حفظ جایگاه والدین، مورد توجه خاص خداوند است. «وَصَيْنَا الْإِنْسَانَ بِالْذِّكْرِ احْسَاناً»
- ۵- نه تنها انفاق و امداد و احترام، بلکه هر نوع نیکی نسبت به والدین لازم است. («احساناً» به صورت نکره آمده که شامل هر نوع احسانی شود).
- ۶- احسان به والدین باید پیوسته و برجسته باشد، نه به مقدار ضرورت و مقطعی. (تنوین در «احساناً» نشانه ی عظمت و برجستگی است).
- ۷- توجه به سفارش اکید خداوند به زحمات گذشته والدین، احسان و خدمت کردن به آنان را عاشقانه و جدی تر می کند. «وَصَيْنَا الْإِنْسَانَ... حَمَلْتَهُ أُمَّهُ»
- ۸- کمال احسان به والدین، در آن است که بی واسطه انجام گیرد. «بِالْوَالِدَيْنِ احْسَاناً» (حرف «ب» در «بِالْوَالِدَيْنِ» نشانه آن است که احسان به والدین با دست خود باشد).
- ۹- یاد رنج و زحمت های مادران، در برانگیختن عاطفه فرزندان مؤثر است. «حَمَلْتَهُ أُمَّهُ كُرْهًا... كُرْهًا...»
- ۱۰- حق مادر بیش از پدر است. پس از کلمه «والدین»، سخن از رنجهای مادر است. «حَمَلْتَهُ أُمَّهُ كُرْهًا...»
- ۱۱- تمام دستورات و اوامر و نواهی دینی، دلیل و فلسفه دارند. (گرچه دلیل بعضی از آنها مانند احسان به والدین، بیان شده است). «وَصَيْنَا... حَمَلْتَهُ أُمَّهُ كُرْهًا...»
- ۱۲- چهل سالگی قله توانمندی و رشد انسان است. «بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً»
- ۱۳- شکر الهی، به استمداد و توفیق خداوند نیاز دارد. «أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ»

۱۴- بخشی از نعمت های انسان، به واسطه والدین و نیاکان است. «انعمت علی و علی والدی»

۱۵- بلوغ جسمی و کمال عقلی، بستر بلوغ معنوی است. «بلغه اشد و بلغ أربعین سنه قال رب...»

۱۶- تشکر فرزند از نعمت هایی که خداوند به والدین او داده، وظیفه و نوعی احسان به والدین است. «اشکر نعمتک... علی والدی»

۱۷- بهترین راه تشکر از نعمت های خداوند، انجام کار نیک است.

«أشکر نعمتک... أعمل صالحاً»

۱۸- ارزش عمل صالح به آن است که پیوسته و دائمی باشد. «ان اعمل صالحاً» (فعل مضارع «اعمل»، نشانه دوام و استمرار است)

۱۹- عمل صالحی ارزشمند است که خالصانه بوده و مورد قبول و رضای خدا قرار گیرد. «اعمل صالحاً ترضاه»

۲۰- فرزند و نسل صالح، افتخاری برای والدین است. «اصلح لی فی ذریتی»

۲۱- بهترین دعا آن است که انسان، هم به والدین و هم به فرزندان توجه داشته باشد. «علی والدی... اصلح لی فی ذریتی»

۲۲- در برابر ناسپاسی هایی که نسبت به خدا و والدین داشته ایم، توبه و جبران کنیم. «و علی والدی... انی تُبْتُ الیک»

۲۳- تسلیم فرمان خدا زیستن و مسلمان مردن، دعای پاکان و صالحان است. «انی تُبْتُ الیک و انی من المسلمین»

الهی خوابهای ما را تبدیل به بیداری بفرما. الهی آنکه سحر ندارد از خود خبر ندارد.

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» {حشر/۱۰}

پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت گرفته اند، بیامرز و در دل های ما کینه مؤمنان را قرار نده. پروردگارا! همانا تو رؤوف و مهربانی.

نکته ها

در آیات ۸ تا ۱۰ سوره ی حشر به عوامل وحدت اشاره شده است که یادآوری آن مفید است:

۱. محبت. «يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ»

۲. ایثار. «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ»

۳. دعا. «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا... رَبَّنَا»

۴. خدمت. «تَبَوَّءُوا الدَّارَ»

۵. دوری از حرص و حسد. «لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا...»

۶. دوری از بخل. «يُوقِ شَخَّ نَفْسِهِ»

۷. اخوت و برادری. «اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا»

۸. سعه صدر و نداشتن کینه. «لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا»

بیش از دویست بار موضوع مغفرت و واژه های آن در قرآن مطرح شده است. هم خودمان باید استغفار کنیم و هم از اولیای خدا بخواهیم که برای ما استغفار

کنند. «یا ابانا استغفر لنا» (۱) حتی فرشتگان برای مؤمنان استغفار می کنند. «و یتستغفرون للذین آمنوا» (۲)

البتّه استغفار برای مشرکان و منافقان اثری ندارد. «سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم» (۳)، «ما کان للنبی و الذین آمنوا ان یتستغفروا للمشرکین» (۴)

اما عوامل مغفرت و بخشش الهی عبارتند از:

۱. اطاعت از رهبر آسمانی. «فاتّبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم» (۵)

۲. تقوا. «ان تتقوا الله... یغفر لکم» (۶)

۳. عفو و گذشت از مردم. «و لیعفوا و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم» (۷)

۴. کلام مستدل و محکم. «قولوا قولا سدیداً... یغفر لکم» (۸)

۵. قرض الحسنه. «ان تقرضوا الله... یغفر لکم» (۹)

۶. توبه و استغفار. «و من یعمل سوءاً او یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یجد الله غفوراً رحیماً» (۱۰)

ص: ۱۶۲

۱- (یوسف / ۹۷)

۲- (غافر / ۷)

۳- (منافقون / ۶)

۴- (توبه / ۱۱۳)

۵- (آل عمران / ۳۱)

۶- (انفال / ۲۹)

۷- (نور / ۲۲)

۸- (احزاب / ۷۰ - ۷۱)

۹- [۹] (تغابن / ۱۷)

۱۰- (نساء / ۱۱۰)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

- ۱- مکتب کامل مکتبی است که برای پیروان آینده خود نیز طرح کمال و رشد داشته باشد. «و الذین جاءوا من بعدهم»
- ۲- برای جلوگیری از سوء تفاهم، ابتدا از لغزش های خود استغفار کنیم و سپس لغزشهای دیگران. «اغفر لنا و لاخواننا»
- ۳- مؤمن، مصونیت از گناه ندارد، ولی هر گاه گناهی مرتکب شد، بلافاصله استغفار می کند. «اغفر لنا و لاخواننا»
- ۴- دعای خیر برای گذشتگان، وظیفه آیندگان است. «و الذین جاؤوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر... الذین سبقونا بالایمان»
- ۵- تمام مسلمانان با هم برادرند و برای یکدیگر دعا می کنند. «اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان»
- ۶- سابقه در ایمان، یک ارزش است. «سبقونا بالایمان»
- ۷- برادری واقعی، در پرتو ایمان است. «اخواننا الذین سبقونا بالایمان»
- ۸- در اخوت و برادری دینی، زمان و مکان و نژاد مطرح نیست. «اخواننا الذین سبقونا بالایمان»
- ۹- با دعای خیر، کینه ها را از دل دور کنیم. «ربنا اغفر... لاخواننا... لاتجعل غلاً للذین آمنوا»
- ۱۰- مؤمن، بدخواه دیگران نیست. «لاتجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا»
- ۱۱- خودسازی بدون استمداد از خداوند نمی شود. «ربنا... لاتجعل فی قلوبنا غلاً»

۱۲- در اصلاحات باید به سراغ ریشه ها رفت. ریشه بسیاری از گناهان، کینه و حسادت و دشمنی است که باید ریشه کن شود.
«لاتجعل فی قلوبنا غلاً»

۱۳- توجه به ربوبیت و رأفت و رحمت خداوند، از آداب و پشتوانه اجابت دعاهاست. «رَبَّنَا اغْفِرْ... اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»

الهی اگر از من پرسند کیستی چه گویم.

ص: ۱۶۴

«... رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» {ممتحنه/۴}

پروردگارا بر تو توکل کردیم و به سوی تو انابه نمودیم و بازگشت ما به سوی تو است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- توکل داروی رفع نگرانی هاست. چون اعلام براءت آن هم با قاطعیت و صراحت ممکن است آثار سویی را در پی داشته باشد، توکل لازم است. «أنا براء آؤا منکم... علیک توکلنا»

۲- هر کجا سخنی می گوئید و تصمیمی از خود نشان می دهید، نفس خود را با یاد خدا مهار کنید. «أنا براء آؤا... کفرنا بکم، بدا بیننا و بینکم... ربنا علیک توکلنا، و الیک انبنا، و الیک المصیر»

۳- توکل و انابه باید تنها به درگاه خدا باشد. «علیک توکلنا و الیک انبنا» (کلمه «علیک» و «الیک» مقدم بر «توکلنا» و «انبنا» نشانه انحصار است).

۴- اولیای خدا، خود را مالک چیزی نمی دانند و به خود اجازه نمی دهند قانون الهی را عوض کنند. «لا استغفرن لک و ما أملك لک من الله من شیء»

۵- مسیر تمام هستی و مسیر ما به سوی اوست. «الیک انبنا و الیک المصیر»

الهی در شگفتم از آنکه کوه را می شکافد تا بمعدن جواهر دست یابد و خویش را نمیکاود تا بمخزن حقائق برسد.

«...رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» {ممتحنه/۵}

پروردگارا! ما را محنت کش کافران قرار مده و ما را بیامرز، پروردگارا! تو خود عزیز و حکیمی.

نکته ها

«فتنه» در لغت به معنای آشوب، امتحان، عذاب، بلا و آزار آمده است.

آزار مسلمانان، آزمایشی برای کفار است تا خباثت و عناد خود را اظهار کنند، به سلطه خود مغرور شوند و قدرت خود را نشانه حقانیت خود بدانند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- مسلمانان در تمام موارد حتی در قراردادهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی نباید به شیوه ای عمل کنند که مورد سوء استفاده کفار قرار گیرند و راه فشار و سلطه کفار را به روی خود بگشایند. «لاتجعلنا فتنه للذین کفروا»

۲- دین و سیاست در کنار هم هستند، براءت از کفار، در کنار طلب مغفرت از خدا. یک دعا رنگ سیاسی دارد و دعای دیگر رنگ معنوی.

«رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا... و اغفر لنا»

۳- به درگاه کسی رو کنیم که هم توانمند است و هم حکیم.

«رَبَّنَا... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

۴- ابزار دست کفار قرار نگرفتن، رمز عزت است. «لاتجعلنا فتنه... أَنْتَ الْعَزِيزُ»

۵- رفتار بسیاری از قدرتمندان حکیمانه نیست، ولی خداوند هم قدرتمند شکست ناپذیر است و هم حکیم. «أنت العزيز الحكيم»

الهی آنکه را عشق نیست ارزش چیست.

ص: ۱۶۷

«رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» {تحریم/۸}

پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، همانا تو بر هر چیز توانایی.

نکته ها

دعا و درخواست از خداوند، همیشه نقش دارد: چه در دنیا: «اهدنا الصراط المستقیم» و چه در قیامت: «اتمّم لنا نورنا»

طلب مغفرت، هم در دنیا است: «رَبَّنَا فاغفر لنا ذنوبنا» (۱) هم در آخرت: «رَبَّنَا... واغفر لنا»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در آیات قبل فرمان داد که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید، «قوا انفسکم...» در این آیه، یک از راههای آن را توبه واقعی می داند. «توبوا الی الله»

۲- گاهی از مؤمن، گناه سر می زند که باید توبه کند. «یا ایها الذین آمنوا توبوا...»

۳- توبه باید به درگاه خدا باشد، نه افشای گناه نزد بندگان. «توبوا الی الله»

۴- یکی از تکالیف مؤمن، توبه از گناه است. «یا ایها الذین آمنوا توبوا...»

۵- توبه باید خالصانه و صادقانه باشد نه لقلقه زبان. «توبه نصوحا»

۶- توبه، زمان و مکان خاصی ندارد. «توبوا الی الله توبه نصوحا»

۷- برای تشویق به توبه، باید مردم را به رحمت الهی امیدوار کرد. «عسی ربکم»

ص: ۱۶۸

۸- پذیرش توبه، از شئون ربوبیت است. «عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم»

۹- ناپاکی و پلیدی در بهشت جای ندارد؛ اول پاک شدن، سپس وارد بهشت شدن. «یکفر... یدخلکم»

۱۰- نتیجه توبه دو چیز است: محو گذشته «یکفر عنکم سیئاتکم» و تأمین آینده. «یدخلکم جنات»

۱۱- ایمان به پیامبر کافی نیست، همراهی و تبعیت از آن حضرت لازم است. «والذین آمنوا معه»

۱۲- عمل صالح دنیا، در قیامت به صورت نور ظاهر می شود. «نورهم یسعی بین ایدیهم»

۱۳- کسانی که در دنیا دنبال نورند، «و اتبعوا النور الذی انزل معه»^(۱) در آخرت غرق نورند. «نورهم یسعی بین ایدیهم و من ایمانهم»

۱۴- در قیامت نیز تکامل هست. مؤمنان در آن روز به فکر تکمیل نور خود هستند. «ربنا اتمم لنا نورنا»

۱۵- مؤمنان واقعی در فکر ریزش و کاهش بدی ها، «و اغفر لنا» و رویش و جهش خوبی ها هستند. «اتمم لنا نورنا»

۱۶- امید به استجاب دعا، «اتمم لنا نورنا و اغفر لنا» برخاسته از قدرت مطلقه اوست. «انک علی کل شیء قدیر»

الهی خدا خدا گفتن مجازی ما که اینهمه برکت دارد اگر بحقیقت گوئیم چون خواهد بود.

ص: ۱۶۹

«...رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» {تحریم/۱۱}

پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش.

نکته ها

هنگامی که آسیه، (همسر فرعون) معجزه حضرت موسی را دید، به او ایمان آورد و فرعون، به کیفر این کار، دست و پایش را به زمین میخکوب کرد و او را زیر آفتاب سوزان قرار داد. هنگامی که آسیه آخرین لحظه های عمر خود را می گذرانید، دعایش این بود، «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»^(۱)

* سیمای همسر فرعون

۱. محیط زده نبود و جامعه شخصیت او را نساخته بود. او با منطق در برابر رژیم فاسد ایستاد.

۲. زرق و برق زده نبود و به تمام مظاهر دنیوی پشت کرد و از کاخ و رفاه و مادیات گذشت.

۳. فضای سکوت و خفقان را شکست.

ص: ۱۷۰

۴. صبور بود و زیر شکنجه جان داد و به شهادت رسید، ولی از راه و مکتبش دست برد نداشت.

۵. حامی رهبر معصوم زمان خود، حضرت موسی بود.

۶. بلند همت بود. او به کمتر از بهشت و قرب خدا قانع نبود.

۷. شهامت داشت و تهدیدات فرعون در او اثر نگذاشت.

۸. رضای خالق را بر رضای خلق مقدم داشت.

۹. منطق و عقل و وحی را بر مسایل خانوادگی ترجیح می داد.

۱۰. با نهی از منکر خود که به فرعون گفت: «لا تقتلوه» (۱) این طفل را نکش، ما او را به فرزندى قبول می کنیم، موسی را در کودکی از مرگ نجات داد.

همسر فرعون ثابت کرد بسیاری از شعارهایی که در طول زمان، جزو فرهنگ مردم شده، غلط است و باید آن را عوض کرد.

می گویند: خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو، اما او گفت: من هم رنگ جماعت نمی شوم و رسوا هم نمی شوم.

می گویند: یک دست صدا ندارد، اما او ثابت کرد که یک نفر نیز می تواند موج ایجاد کند.

می گویند: زن شخصیت مستقل ندارد، اما او ثابت کرد زن در انتخاب راه مستقل است.

می گویند: با مشت نمی شود به جنگ درفش رفت، اما او ثابت کرد حق ماندنی است و اگر مشت روی آهن اثر ندارد، روی افکار عمومی در تاریخ اثر دارد.

ص: ۱۷۱

می گویند: با یک گل بهار نمی شود، اما او ثابت کرد اگر خدا بخواهد با یک گل بهار می شود.

می گویند: فلاّنی نمک خورد و نمک گیر شد، همسر فرعون نان و نمک فرعون را خورد، ولی از عقیده او متنفر بود و می گفت: «نَجْنی من فرعون» خدایا! مرا از فرعون نجات بده.

* انواع خانواده ها در قرآن

۱. زن و شوهری که هم فکر و همگام در کار خیر هستند. (همچون حضرت علی و حضرت زهرا) «یطعمون الطعام» (۱)

۲. زن و شوهری که در خباثت هم فکر و همگام هستند. (ابولهب و همسرش) «تبت یدا ابی لهب... وامرأته حمّاله الحطب»

۳. خانواده ای که مرد خوب، اما زن بد است. (زن لوط و نوح) «كانتا تحت عبدین... فخانتهما» (۲)

۴. خانواده ای که مرد بد، اما همسر خوب است. (زن فرعون) «مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- زن می تواند الگوی مردان تاریخ شود. «ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون»

۲- مقایسه الگوها، از روشهای تربیت است. «مثلاً للذین كفروا... مثلاً للذین آمنوا»

ص: ۱۷۲

۱- - (انسان/۸)

۲- - (تحریم/۱۰)

۳- فشار محیط و جامعه، وابستگی اقتصادی، زن بودن، تقاضای همسر و ترس از آوارگی، هیچ کدام دلیل بی دینی نمی شود. «ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون...»

۴- برای اتمام حجت، یک نمونه هم کافی است. «ضرب الله مثلاً... امرأه فرعون»

۵- حرف اول را اراده انسان می زند، نه چیز دیگر. «ضرب الله مثلاً... امرأه فرعون»

۶- مبارزه با طاغوت، با دعا منافاتی ندارد. «ربّ... نجّنی من فرعون»

۷- نجات از طاغوت، پشتوانه معنوی لازم دارد. «ربّ.. نجّنی من فرعون»

۸- مهم تر از بهشت، قرب معنوی به خداست. «ربّ ابن لی عندک...»

۹- ایمان سبب تنفّر از ستمگران است. (زن فرعون به خاطر ایمانی که داشت از تمام رفتارهای فرعون متنفّر بود.) «نجّنی من فرعون و عمله»

۱۰- اطاعت زن از مردم در عقیده لازم نیست، بلکه گاهی باید موضع بگیرد. «نجّنی من فرعون»

۱۱- روابط خانوادگی مرز دارد و همین که به انحراف و کفر رسید باید تغییر کند. «نجّنی من فرعون»

۱۲- تبرّی از کفر، شرط ایمان است. «نجّنی من فرعون و عمله»

۱۳- ابراز تنفّر و انزجار از دیگران، باید ملاک و معیار عقلی و شرعی داشته باشد. «من فرعون... من القوم الظالمین»

الهی آن که خود را فراموش کرده است، از یاد چه چیز خرسند است!؟

«...رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا* إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح/۲۷ و ۲۶}

پروردگارا از این کافران هیچ کس بر زمین باقی نگذار. زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی زایند.

نکته ها

به حضرت نوح وحی شد که از قوم تو جز افرادی که ایمان آورده اند دیگری ایمان نخواهد آورد: «اوحی الی نوح انه لن یؤمن من قومک الا من قد امن» (۱) به علاوه تجربه ۹۵۰ سال تبلیغ برای شناسایی مردم کافی است که بدانند این نسل و حتی نسل بعدی قابل هدایت نیستند و لذا دست به نفرین برداشت.

«دیار» از «دار» به معنای کسی است که در خانه ساکن است.

مردان خدا به خود فکر نمی کنند، بلکه به فکر هدایت نسل های امروز و فردا هستند. با اینکه حضرت نوح توهین ها شنید و شکنجه ها دید، ولی دلیل نفرین خود را انحراف داشتن و منحرف کردن بیان کرد.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- استفاده از نفرین در آخرین مرحله جایز است. «رَبِّ لَا تَذَرْ...دیاراً»

ص: ۱۷۴

۲- سلامت فکری جامعه بر سلامت جسمی فرد مقدم است. کسانی که مردم را منحرف می کنند، اگر هلاک شوند بهتر است.
«لاتذر علی الارض... یضلوا عبادک»

۳- وراثت در تربیت نقش مهمی دارد. «و لا یلدوا الا فاجراً کفّاراً»

۴- انسان به جایی می رسد که در عقیده و عمل راهی برای اصلاح خود باقی نمی گذارد. «فاجراً» در عمل، «کفّاراً» در عقیده.

آن که گوهر ذات خود را تباه کرده است، چه بهره ای از زندگی برده است!؟

ص: ۱۷۵

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» {نوح/۲۸}

پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه ام وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرزد و ظالمان را جز هلاکت نیفزاید.

نکته ها

چشم انداز دعا باید گسترده باشد. هم گذشته و حال را شامل شود، هم خود و بستگان و هم تمام مؤمنان تاریخ را.

امام رضا فرمودند: مسجد کوفه، خانه نوح بوده است و مراد از «دخل بیتی مؤمنا» کسانی هستند که وارد مسجد کوفه شوند.

در کربلا، امام حسین، برخی از مخالفان را نمی کشت و می فرمود: «انّ الذی لا اقتله اری فی صلبه من اهل الایمان» (۱) من هر مخالفی را که در نسل او مؤمنی بینم نمی کشم.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در دعا و نفرین، از کلمه مبارکه «رَبِّ» کمک بگیریم. «رَبِّ لا تذر... رَبِّ اغفر لی»

ص: ۱۷۶

۲- انبیا با آن همه تلاش مغرور نمی شدند. پیامبری که می گفت: «اَنّی دعوت قومی لیلاً و نهاراً» می گوید: «رَبِّ اغفرلی...»

۳- در آموزش خواهی از خداوند، مقدم داشتن خود بر دیگران کاری پسندیده است. «اغفرلی و لوالدی...»

۴- بستگان سببی و نسبی، زمانی مشمول عنایت هستند که وابسته فکری نیز باشند. «و لمن دخل بیتی مؤمناً»

۵- در دعا، برای مؤمنان رحمت و مغفرت و برای ظالمان، نابودی و هلاکت، طلب کنید. «رَبِّ اغفر... للمؤمنین... و لا- تزد الظالمین الاّ تباراً»

الهی دل به جمال مطلق داده ایم هر چه باداباد.

ص: ۱۷۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

